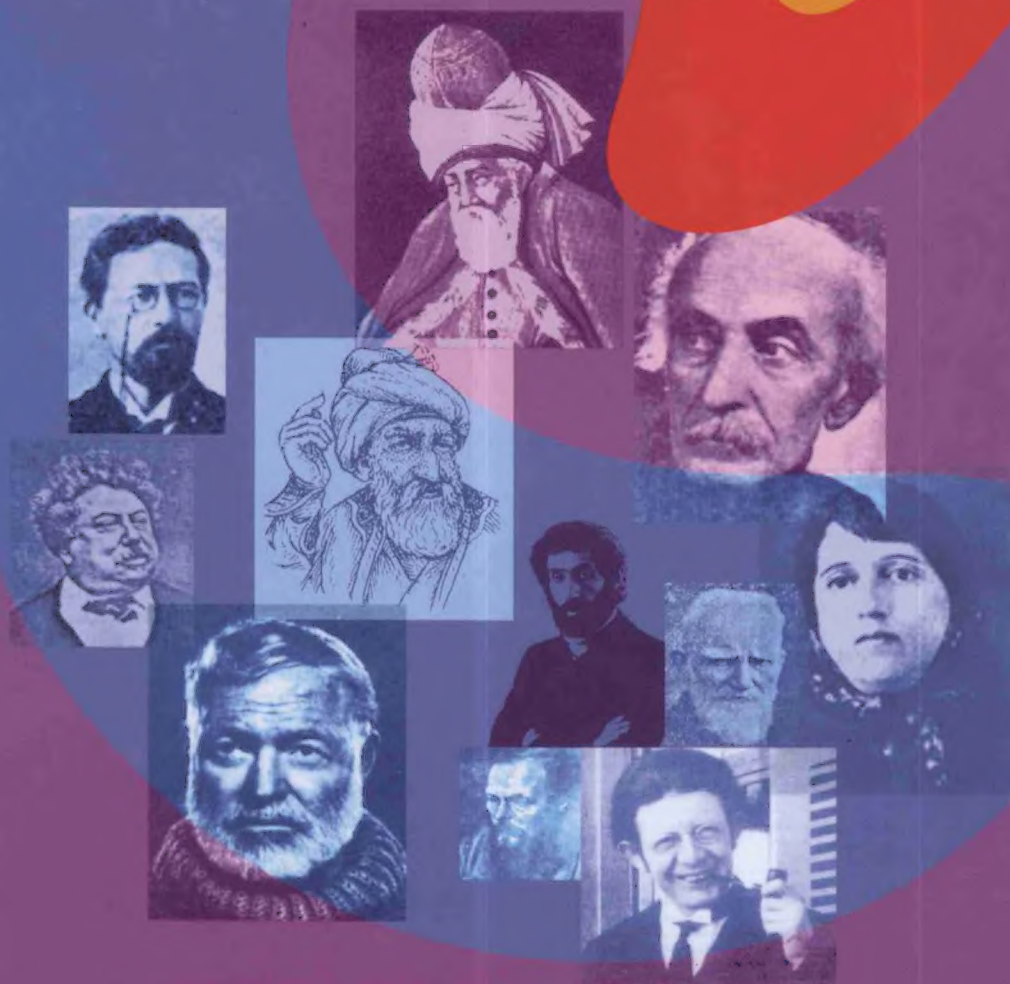




زندگی نامه مشاهیر جهان

کتاب تحقیقی برای دانش آموزان

شاعران و نویسندگان





زندگینامه‌ی مشاهیر جهان

نویسندگان و شاعران

تحقیق و تألیف : رضا شیرازی



انتشارات پیام کتاب

سرشناسه	: شیرازی، رضا، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: زندگینامه مشاهیر جهان / تدوین و گردآوری رضا شیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: پیام کتاب، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ج ۴: مصور
شابک	: ج ۱: ۹-۰۳-۵۵۷۳-۶۰۰-۹۷۸-۰۲-۲-۰۲-۵۵۷۳-۶۰۰-۹۷۸
	: ج ۳: ۸-۰۰-۵۵۷۳-۶۰۰-۹۷۸-۰۱-۵-۰۴-۵۵۷۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج ۱. دانشمندان جهان - ج ۲. علمای جهان اسلام ج ۳. هنرمندان و سیاستمداران - ج ۴. نویسندگان و شاعران. -
موضوع	: سرگذشتنامه - مجموعه ها
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ش ۹۶۵ ف ۲۸ / ۲۰۳ CT
رده بندی دیویی	: ۹۰۲/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۶۹۱۸۸



انتشارات پیام کتاب

زندگینامه‌ی مشاهیر جهان نویسندگان و شاعران

تحقیق و تألیف	: رضا شیرازی
ناشر	: انتشارات پیام کتاب
حروف نگار	: ابوالفضل نوفرستی
اجرای تصاویر	: یوسف بابایی
چاپ دوم	: ۱۳۸۹
شمارگان	: ۳۰۰۰ نسخه
چاپخانه	: چارگل

نشانی مرکز پخش: خیابان جمهوری اسلامی - بین بهارستان و استقلال

کوچه شهید مظفری - بن‌بست یکم - پلاک ۲ - کدپستی ۱۱۴۶۸۱۳۴۱۵

تلفن: ۳۳۹۰۵۵۱۵ - ۳۳۰۳۶۲۹۴ - نمابر: ۳۳۹۳۵۷۶۱

Email: zamani244@Yahoo.com

فهرست اسامی

نویسندگان

۱۵	آل احمد، جلال
۱۶	آلن پو، ادگار
۱۶	آندرسن، هانس کریستین
۱۷	ابن بطوطه، شرف الدین
۱۷	ابن خلدون، ولی الدین عبدالرحمن بن محمد
۱۸	ابوالخیر، ابوسعید
۱۹	ابوالمعالی
۱۹	استاندال، هنری بیل
۲۰	استرآبادی، میرزا مهدی خان
۲۱	اسکندر بیک
۲۱	اشتاین بک، جان
۲۲	اعتصام الملک
۲۲	اقبال آشتیانی، عباس
۲۳	اقبال لاهوری
۲۴	أوهنری
۲۵	بالزاک، انوره دو
۲۶	برشت، برتولت
۲۶	بلخی، قاضی حمیدالدین
۲۷	بی راندلو، لویجی
۲۷	بیهقی، ابوالحسن
۲۸	بیهقی، ابوالفضل
۲۸	پاسترناک، بوریس
۲۹	پرل. اس، باک
۳۰	پور داوود
۳۱	تواین، مارک
۳۱	تورگینف، سرگی ویچ ایوان
۳۲	تولستوی، لئون
۳۳	جمال زاده، سید محمد علی
۳۴	چخوف، آنتوان پاولوویچ
۳۵	چوبک، محمد صادق

۳۵	حافظ ابرو
۳۶	حجازی، محمد
۳۶	حزین لاهیجی
۳۷	خانلری، پرویز
۳۸	خواجه نصیرالدین طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن
۳۹	خواجه نوری، ابراهیم
۴۰	خواند میر
۴۰	داستا یوفسکی، فئدور میخائیلوویچ
۴۱	دوده، آلفونس
۴۲	دولتشاه سمرقندی
۴۲	دوما، الکساندر (پدر)
۴۳	دهخدا، علی اکبر
۴۶	دیکنز، چارلز
۴۷	راوندی
۴۸	رضازاده شفق، صادق
۴۸	زرین کوب، عبدالحسین
۴۹	زولا، امیل ادوارد شارل آنتوان
۵۰	ژید، آندره
۵۰	سارویان، ویلیام
۵۱	ساگان، فرانسواز
۵۲	سولژنیستین، الکساندر
۵۴	سویفت، جوناتان
۵۵	شاتوبریان، فرانسوارنه دو
۵۶	شا، جورج برنارد
۵۷	شکسپیر، ویلیام
۵۸	صفا، ذبیح‌اله
۵۹	صفا، شجاع‌الدین
۵۹	صور اسرافیل
۶۰	طالبوف
۶۰	عظاملک جوینی
۶۱	عنصر المعالی
۶۱	عوفی بخارایی

۶۲	فاضل، جواد
۶۳	فاکتر، ویلیام
۶۳	فرانس، آناتول
۶۴	فروزانفر، بدیع الزمان
۶۵	فروغی، محمدعلی
۶۶	فیض کاشانی
۶۸	قریب، میرزا عبدالعظیم
۶۸	قزوینی، علامه‌ی
۶۹	قیس رازی، شمس
۶۹	کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین
۷۰	کافکا، فرانز
۷۱	کامو، آلبرت
۷۲	کریم‌پور شیرازی، امیر مختار
۷۳	گورکی، ماکسیم
۷۴	گوگول، نیکلای
۷۵	لندن، جک
۷۶	مان، توماس
۷۷	مترلینگ، موریس
۷۸	محمدبن منور
۷۹	مستوفی، حمدالله
۷۹	مشکان، ابونصر
۸۰	مشیرالدوله
۸۰	معزی، ابوالعلا
۸۱	موام، ویلیام سامرست
۸۱	موپاسان، گمی دو
۸۲	موروا، آندره
۸۳	مولیر، ژان باپتیست
۸۴	میبدی
۸۵	واعظ اصفهانی، سیدجمال الدین
۸۵	واعظ کاشفی
۸۶	وایلد، اسکار افلاهرتی ویلز
۸۷	ورن، ژول

۸۸	وصاف الحضرة.....
۸۸	ولتر، فرانسوا ماری آروه.....
۸۹	هدایت، رضاقلی خان.....
۹۰	هدایت، صادق.....
۹۱	هسه، هرمان.....
۹۲	همینگوی، ارنست.....
۹۳	هوگو، ویکتور.....

شاعران

۹۷	اخوان ثالث، مهدی.....
۹۸	ادیب نیشابوری.....
۹۹	اسدی طوسی.....
۹۹	اسعدگرگانی، فخرالدین.....
۱۰۰	اعتصامی، پروین.....
۱۰۱	امرؤالقیس.....
۱۰۱	امیر معزی.....
۱۰۲	امیری فیروز کوهی.....
۱۰۲	انوری.....
۱۰۳	اوحدی مراغه‌ای.....
۱۰۳	اوستا، مهرداد.....
۱۰۴	اهلی شیرازی.....
۱۰۴	ایرج میرزا.....
۱۰۵	باباطاهر همدانی.....
۱۰۶	بابا فغانی شیرازی.....
۱۰۶	بادغیسی، حنظله.....
۱۰۷	بایرون، لرد جرج.....
۱۰۷	برهان تبریزی.....
۱۰۸	بهار، محمدتقی.....
۱۰۸	بهیمانی، سیمین.....
۱۰۹	پوشکین، الکساندر سرگیتویچ.....
۱۱۰	تاگور، رابیندرانات.....

۱۱۱	تولّی، فریدون
۱۱۲	جامی، عبدالرحمن
۱۱۳	جلوه، میرزا ابوالحسن
۱۱۳	حافظ
۱۱۴	حالت، ابوالقاسم
۱۱۵	خاقانی، افضل الدین
۱۱۶	خراسانی، حبیب
۱۱۶	خراسانی، عماد
۱۱۷	خواجوی کرمانی
۱۱۷	خیام، حکیم ابوالفتح عمرین ابراهیم
۱۱۸	دائنه
۱۲۰	دقیقی طوسی
۱۲۰	دهلوی، امیر خسرو
۱۲۱	رابعه
۱۲۲	رشید و طواط
۱۲۲	رودکی، ابو عبدالله جعفر بن محمد
۱۲۳	روزبهان شیرازی
۱۲۴	رهی معیری
۱۲۴	زاکانی، عبید
۱۲۵	ساوجی، سلمان
۱۲۶	سپهر
۱۲۶	سپهری، سهراب
۱۲۷	سعد سلمان، مسعود
۱۲۸	سعدی
۱۲۹	سنایی غزنوی
۱۳۰	سوزنی سمرقندی
۱۳۰	شاملو، احمد
۱۳۱	شوریده‌ی شیرازی
۱۳۲	شهریار، سید محمد حسین
۱۳۳	شهید بلخی
۱۳۴	صائب تبریزی
۱۳۵	صباحی پیدگلی

۱۳۵	صبا، فتحعلی خان
۱۳۶	صفای اصفهانی
۱۳۷	صفی علیشاه
۱۳۷	طیب اصفهانی
۱۳۸	عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم
۱۳۹	عراقی، فخرالدین
۱۳۹	عرفی شیرازی
۱۴۰	عسجدی
۱۴۰	عشقی، میرزاده
۱۴۱	عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین
۱۴۲	عنصری
۱۴۲	فرخی سیستانی
۱۴۳	فرخی یزدی
۱۴۴	فردوسی، ابوالقاسم
۱۴۵	فرصت
۱۴۵	فروغ فرخزاد
۱۴۶	فروغی یسطامی
۱۴۷	فیتز جرالد، ادوارد
۱۴۸	قائمی، میرزا حبیب
۱۴۹	قطران
۱۴۹	کسائی مروزی
۱۵۰	گوته، یوهان ولفگانگ فون
۱۵۱	لامارتین، آلفونس دو
۱۵۱	محتشم کاشانی
۱۵۲	مشیری، فریدون
۱۵۳	معینی کرمانشاهی
۱۵۴	منوچهری
۱۵۵	مولوی
۱۵۷	میلتون، جان
۱۵۸	نادرپور، نادر
۱۵۹	ناصر خسرو
۱۵۹	نسیم شمال

۱۶۰	نظامی عروضی
۱۶۱	نظامی گنجوی
۱۶۲	وحشی بافقی
۱۶۳	وصال شیرازی
۱۶۳	هاتف اصفهانی
۱۶۴	ملالی جغتایی
۱۶۴	همام تبریزی
۱۶۵	همای شیرازی
۱۶۶	هومر
۱۶۷	یغمای جندقی
۱۶۷	یوشیج، نیما

مقدمه:

با یاد دوست، که هر چه هست از اوست

آگاهی‌های جامعه‌ی امروزی چیست؟

آیا نوجوانان، جوانان و دیگر گروه‌های جامعه‌ی اسلامی ما باید از اوضاع و احوال و پدیده‌های این جهان پهناور خبر داشته باشند یا نه؟

آیا شناسایی کسانی که در پدیده‌ها و رویدادهای دنیای ما تأثیرگذار بوده‌اند، کمکی به پیشرفت و ترقی فکری و علمی امروز ما دارد یا نه؟

آیا شناسایی چهره‌های منفور تاریخی، برای جوینده‌ی حقایق لازم است یا نه؟

و...

بی‌گمان، هیچ استاد، مربی و معلمی را نمی‌توان یافت که به اینگونه پرسش‌ها پاسخ منفی بدهد. دانشجویان و دانش‌آموزان نیز در هر مقطع تحصیلی، تشنه و مشتاق دانستن و شناختن هستند. بر همین اساس و در جهت یاری رساندن به اساتید محترم دانشگاه‌ها و مربیان و معلمان مدارس کشور، انتشارات «پیام کتاب» تصمیم دارد مجموعه کتاب‌های مختلف علمی و سودمندی را با عنوان‌های *دایرةالمعارف*، *دانشنامه*، *اطلاعات عمومی*، *فرهنگنامه* و... منتشر نماید.

«زندگی‌نامه‌ی مشاهیر جهان» یکی از همین آثار می‌باشد که از میان ده‌ها کتاب علمی دیگر گردآوری و تنظیم شده است.

در این کتاب سعی شده است که دانشجویان و دانش‌آموزان با مشاهیری که اثرات مثبت

و سازنده و گاه نیز اثرات منفی و ویرانگری بر جامعه داشته‌اند، آشنا تر شوند. البته با اذعان و اعتراف به این که «زندگی‌نامه‌ی مشاهیر جهان» نیز مانند هر اثر دیگری نقص‌ها، کاستی‌ها و اشکال‌هایی ممکن است داشته باشد، از مطالعه کنندگان فرهیخته انتظار دارد که نظرات و پیشنهاد های خود را جهت رفع نواقص، کاستی‌ها و اشکال‌ها به ناشر اطلاع دهند تا انشاء الله در چاپ‌های بعد، اصلاح و جبران گردد.

شادمان و سالم باشید!

بخشی از منابع که برای تهیه و تنظیم این کتاب، از آن‌ها استفاده برده‌ایم:

۱. دوره کامل فرهنگ معین
۲. اطلاعات عمومی نوین
۳. دایره المعارف مصاحب
۴. فرهنگ فارسی دهخدا
۵. فرهنگ فارسی معین
۶. مشاهیر قرن بیستم ترجمه بهزاد
۷. زندگینامه دانشمندان جهان مریم صوفی
۸. اطلاعات عمومی معین سعید قانع - مینا احمدی
۹. زندگانی دانشمندان جهان مسعود مولیائی
۱۰. زندگینامه شاعران ایران لیلا صوفی
۱۱. دایره المعارف بزرگ نو (دوره ۱۰ جلدی) عبدالحسین سعیدیان
۱۲. روزنامه، مجلات و شبکه های تلویزیونی مختلف و سایت های اینترنتی
تبیان - ویکی پدیا - دفتر حفظ و نشر آثار دفاع مقدس



نویسندگان

افشاگرانه و طنزآمیز خود شهرتی عظیم در بین طبقه‌ی جوان و تحصیل کرده به دست آورد.

آل احمد نخستین اثر ادبی خود به نام زیارت را در فروردین ۱۳۲۴ در مجله‌ی ادبی سخن منتشر کرد که با استقبال زیادی مواجه شد. وی که تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان رسانده بود، در زیبانویسی و سخن سرایی مهارت وافری داشت.

مجموعه‌ی دید و بازدید و کتاب‌های داستان او باعث شهرت و محبوبیت وی گشت. از نوشته‌های او می‌توان به خسی در میقات - زن زیادی - هفت مقاله - از رنجی که می‌بریم - سرگذشت کندوها - نون و القلم - مدیر مدرسه - نفرین زمین و کارنامه‌ی سه ساله اشاره کرد. آثاری را که به فارسی ترجمه کرده است عبارتند از:

قمارباز، بیگانه، سوء تفاهم، دست‌های آلوده، کرگدن و بازگشت از شوروی.



آل احمد، جلال (۱۳۰۲-۱۳۴۸ ه. ش)

جلال آل احمد از جمله نویسندگان متبحر و متفکر ایران است که سبک جدیدی را در نویسندگی پایه گذاشت. وی با نوشته‌های بدیع و



آندرسن، هانس کریستین (۱۸۰۵-۱۸۷۵ م)

در اودنس دانمارک متولد شد. ایام جوانی را در فقر و عسرت گذراند و به علت زشت بودنش مورد تمسخر همسالان خود قرار گرفت. ابتدا بازیگر تأثر شد و بعداً به نوشتن داستان‌های کودکان روی آورد و شهرت یافت. از آثار او می‌توان به عناوین ذیل اشاره کرد:

جوجه اردک زشت - سوزن - سرباز شجاع
سرب - لباس تازه امپراتور - پری دریایی -
دخترک کبریت فروش.

آلن پو، ادگار (۱۸۰۹-۱۸۴۹ م)

متولد بوستون آمریکا. تمام عمرش توأم با درد و رنج بود و سرانجام نیز به اثر ناراحتی‌های درونی درگذشت. مرگ همسرش در جوانی بر رنج‌های او افزود و سرانجام در میخانه‌ای در چهل سالگی درگذشت. از مهم‌ترین آثارش می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد:

کلاغ، آدم‌کشی‌های کوچکی بزرگ -
داستان‌های شگفت‌انگیز - سوسک طلایی -
اسرافیل - دوزخ - دو قتل - مرگ سرخ - تیمور
لنگ - به‌خواب رفته - گریه‌ی سیاه - بشکه‌ی
آمونتیلا دو - قلب رازگو - والادیمیر و زنده به گور.



ابن خلدون، ولی الدین عبدالرحمن بن محمد (۷۳۲-۸۰۸ ه.ق)

فیلسوف، جامعه‌شناس و مورخ شهیر اسلامی در تونس تولد یافت. او در تمام عمرش لحظه‌ای از آموختن علوم باز نایستاد و مدتی نیز به کارهای سیاسی و دولتی پرداخت و در دولت‌های شمال آفریقا و آندلس به مقامات بزرگ رسید. در ۷۸۳ ه.ق در دانشگاه الازهر مصر به تدریس پرداخت و مدتی به ریاست این دانشگاه معتبر اسلامی منصوب شد و نیز از جانب سلطان مصر به مقام قاضی القضاتی رسید. در سال ۷۹۶ ه.ق در سفری که برای زیارت خانه‌ی خدا رفته بود در حین سفر در شام با تیمور لنگ ملاقات کرد و به علت تبحر وافر در علوم مورد عنایت وی قرار گرفت.

ابن بطوطه، شرف الدین (۷۰۳-۷۹۹ ه.ق)

در طنجه‌ی مراکش متولد شد. در عراق، مصر، شامات، یمن، چین، سودان و آندلس به سیاحت و مطالعه پرداخت. نتیجه‌ی مسافرت‌های او کتابی است به نام تحفة النظائر فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار که به نام سفرنامه‌ی ابن بطوطه معروف است که اطلاعات گران‌بهای راجع به وضع جغرافیایی و اقلیمی آن زمان را شامل می‌شود.



ابوالخیر، ابوسعید (۳۵۷-۴۴۰ ه.ق)

ابوسعید فضل پسر ابوالخیر از مردم میهنه و از بزرگان تصوف و عرفان است. او در سال ۳۵۷ به دنیا آمد و در ۴۴۰ هجری در میهنه درگذشت. نزدیک هزار و پانصد بیت به او نسبت داده‌اند، ولی مسلم است که همه از او نیست.

در میان رباعی‌های که به او منسوب است، شعرهای جان‌سوز و دل‌فریب بسیار یافت می‌شود:

وا فریادا ز عشق، وا فریادا

کارم به یکی طُرفه نگار افتادا

گرداد من شکسته دادا، دادا

ورنه من و عشق، هر چه بادا بادا

* * *

ابن خلدون قرن‌ها قبل از «ویکو» تاریخ را علم‌نماید و قرن‌ها قبل از «اگوست کنت» جامعه‌شناسی را از سایر علوم تفکیک و آن را «علم عمران» نامید، او به حق پایه‌گذار علم جامعه‌شناسی در جهان است.

وی به تأثیرات محیط در ژنتیک و فرهنگ مردم اشاره کرده و نظریه‌ی عصیّت او در فلسفه و جامعه‌شناسی معروفیت دارد. عقایدی نیز در مورد نقش کار و مالکیت دارد که وی را از پیش‌قدمان و تفحص‌گران در علم اقتصاد به شمار می‌آورد.

کتاب معروف وی کتاب العبر والدیوان المبتداء والخبر فی الایام العرب والعجم والبربر است که این کتاب و مقدمه‌ی ارزشمند آن که به نام مقدمه‌ی ابن خلدون نامیده می‌شود از نخستین و ارزشمندترین کتب فلسفی و جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. این فیلسوف و جامعه‌شناس گران‌قدر به سال ۸۰۸ ه.ق در قاهره وفات یافت و در همان جا نیز مدفون گشت.

او کلیله و دمنه را که توسط ابن مقفع از پهلوی به عربی برگردانده شده بود، به فارسی ترجمه کرد. نثر آن مصنوع و در عین حال بسیار بلیغ و فصیح است.



استاندال، هنری بیل (۱۷۸۳-۱۸۴۲ م)

«هنری بیل - استاندال» نویسنده‌ی روستازاده‌ی فرانسوی در شهر «گرنوبل» و در خانواده‌ای تهی‌دست و گم‌نام به دنیا آمد.

در اوان نوجوانی مادرش را از دست داد و این موضوع ضربه‌ی روحی بزرگی به وی زد و به دلایلی از پدر همواره نفرت و کینه داشت و دوران کودکی و نوجوانی خود را با رنج و تلخی فراوانی گذراند.

وی در زادگاهش تحصیل خود را شروع کرد و در ۹ سالگی به اتفاق خانواده‌اش به پاریس رفته

گفتی که منم ماه نشابور سرا
ای ماه نشابور، نشابور، ترا
آن تو، ترا و آن ما نیز، ترا
با ما بنگویی که خصومت ز چرا



تصویر نمادین

ابوالمعالی (قرن ششم ه. ق)

ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی، به قولی از مردم شیراز و به گفته‌ای از اهالی غزنین بوده است. از روزگار جوانی او اطلاع درستی در دست نیست. او از منشیان دربار غزنوی بود و در کارهای دیوانی بهرام شاه غزنوی شرکت داشت. پس از بهرام‌شاه سمت دبیری خسرو شاه را یافته است. ابوالمعالی در زمان خسرو ملک به مقام وزارت رسیده، اما پس از چندی مورد غضب قرار گرفته و به زندان افتاده است.

و تا پایان عمر در آن‌جا ماند. وی از کودکی شیفته‌ی هنر بود و نقاشی و موسیقی را فرا گرفت که ثمرات این گرایش در آثار وی به خوبی قابل مشاهده است.

او در سال ۱۷۹۹ در امتحان ورودی دانشکده‌ی پلی تکنیک شکست خورد و از سال ۱۸۱۵ به نویسندگی روی آورد. اولین رمان خود را «آرماسن» نامید که زیاد مورد استقبال قرار نگرفت. سپس رمان دیگری به نام «عشق» نوشت که از آن هم زیاد استقبال نگردید.

روش نویسندگی‌اش را می‌توان رئالیسم نامید؛ زیرا اثر مهم او به نام «سرخ و سیاه» مبین این سبک نویسندگی می‌باشد. او روحیات شخصیت و خصوصیات قهرمانان کتاب‌هایش را در وادی پندار نمی‌گنجانند و آن‌ها را بیش‌تر با واقعیات اجتماعی می‌پروراند. آثار مهم دیگر وی عبارتند از:

«زندگی ناپلئون»، «زندگی آیدن و موتسارت»،
«راسین و شکسپیر»، «لوسین لوان»، «معبد پارم»،
«راهبه‌ی کاسترو» و «گردش‌های رم»
وی به سال ۱۸۴۲ در سن ۵۹ سالگی، در شهر زادگاهش دیده از جهان فروبست.



تصویر نمادین

استرآبادی، میرزا مهدی خان

(... ۱۱۷۵ ه.ق)

از دوران جوانی میرزا مهدی خان منشی ملقب به استرآبادی و متخلص به کوکب یا کوکبی و مولف دره‌ی نادره و جهان‌گشای نادری آگاهی درستی در دست نیست. آنچه روشن است این که در اصفهان به کسب علوم متداول زمان پرداخته است. به قول عده‌ای کتاب‌های او دشوارترین و متکلف‌ترین نثر فارسی را دارد، به ویژه در دره‌ی نادره حدود هشت هزار واژه‌ی مهجور و معلق عربی به کار برده است. سنگلاخ و منشآت از دیگر آثار میرزا مهدی خان به شمار می‌رود.



اشتاین بک، جان (۱۹۰۲-۱۹۶۸ م)

در یکی از ایالت‌های امریکا به نام کالیفرنیا دیده به جهان گشود. در جوانی کارگر مزرعه بود و سپس به روزنامه‌نگاری و خبرنگاری روی آورد. وی نویسنده‌ای رئالیست بود و به تشریح وقایع و دردهای جامعه در اکثر آثار خود پرداخته است. در ۱۹۶۲ به خاطر نوشتن کتاب خوشه‌های خشم به دریافت جایزه‌ی ادبی نوبل نایل آمد. از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: فنجان زرین - چمن‌زارهای بهشتی - به خدای ناشناخته - اتوبوس سرگردان - مروارید - آتش درخشان و زمستان



اسکندر بیک (۹۶۴-۱۰۴۳ ه.ق)

اسکندر بیک ترکمان، منشی شاه عباس کبیر از مورخان و نویسندگان معروف عهد صفوی است. تاریخ عالم آرای عباسی او که مطالب مهم و بسیار ارزنده‌ای در اصل و نسب صفویه و شرح احوال شاه عباس کبیر تا سال ۱۰۳۸ هجری قمری است از مهم‌ترین مراجع مستند تاریخی می‌باشد. از تاریخ مرگش اطلاع کافی در دست نیست. آنچه مسلم است او تا سال ۱۰۳۸ که کتاب خود را به پایان رساند، زندگی می‌کرده و تا آن تاریخ ۷۴ سال داشته و به احتمال قوی تا سال ۱۰۴۳ نیز زنده بوده است.

عده‌دار بوده است.

یوسف اعتصامی پدر شاعره‌ی معروف ایران، پروین اعتصامی می‌باشد. او در دی ماه ۱۳۱۶ شمسی دارفانی را وداع گفت. آرام‌گاهش را در صحن حضرت معصومه در قم بنا نمودند.



اقبال آشتیانی، عباس (۱۲۷۷-۱۳۳۴ ه. ش)

مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی فرزند محمدعلی آشتیانی در آشتیان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تحت نظر ابوالحسن فروغی در دارالفنون به پایان رساند. سپس به تدریس در دارالمعلمین پرداخت. او از اعضای دایمی فرهنگستان بود. تألیفات او به سه گروه کتاب‌های کلاسیک، چاپ متون قدیمی، و تألیفات شخصی تقسیم می‌شود. دیوان امیر معزی، فرهنگ اسدی، حدائق السحر، بیان الادیان و سیاست نامه را



اعتصام الملک (۱۲۵۳-۱۳۱۶ ه. ش)

یوسف اعتصامی معروف به اعتصام الملک فرزند ابراهیم خان مستوفی در تبریز چشم به جهان گشود. وی در ادبیات عرب، فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت استاد بود و به زبان‌های ترکی اسلامبولی، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. هم‌چنین وی از استادان مسلم خط نستعلیق و شکسته و سیاق بوده است. وکالت مجلس و ریاست کتابخانه‌ی ملی نیز از جمله مسئولیت‌های اعتصام‌الملک بود.

کتاب معروف تربیت نسوان و داستان الثورة الهند و شرح کتاب فلائدالادب فی شرح اطواق الذهب زمخشری از آثار اوست. ترجمه‌های مهمی چون بختان، خدعه و عشق و بینوایان، سقراط، ناپلئون سوم و خزینه‌ی مخفی را

معلمان مدرسه‌ی او در اسکاچ مشن کالج بود قرار گرفت. او اقبال را تشویق به سرودن شعر نمود. اقبال در ابتدا اشعار خود را برای تصحیح نزد داغ دهلوی می‌فرستاد.

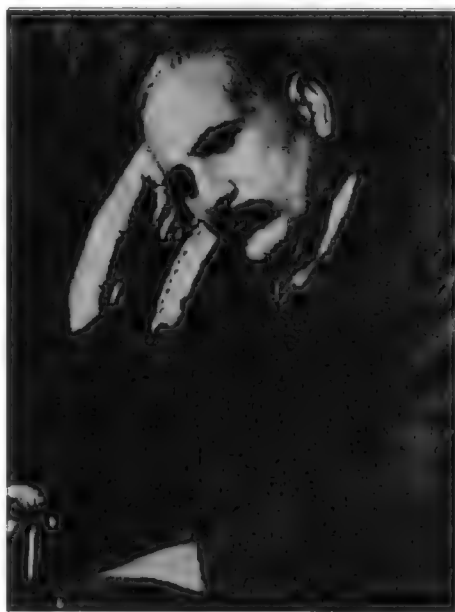
اقبال در رشته‌ی فلسفه‌ی دانشگاه لاهور، دوره‌ی فوق لیسانس را در دانشگاه پنجاب با رتبه‌ی اول به پایان بُرد. وی علاوه بر شهرتی که در شعر و شاعری دارد، در زمینه‌ی اقتصاد، کتابی به زبان اردو تألیف کرده است. او سپس برای ادامه‌ی تحصیلات عازم اروپا شد و در دانشگاه کمبریج در رشته‌ی فلسفه ادامه‌ی تحصیل داد. در آن‌جا با «مک تیگارت» پیرو هگل و با پروفیسور براون و نیکلسون آشنا شد و سپس در دانشگاه مونیخ آلمان موفق به دریافت درجه‌ی دکترا شد و مدتی هم به جای پروفیسور آرنلد در دانشگاه لندن تدریس زبان و ادبیات عربی کرد.

او سپس به لاهور بازگشت و رییس بخش فلسفه‌ی دانشکده‌ی دولتی لاهور شد و کار وکالت نیز می‌کرد. دانشگاه پنجاب به او دکترای افتخاری اعطا نمود.

او در سال ۱۳۵۱ ه. ق به گلو دردی دچار شد که تا پایان عمرش ادامه داشت و چهار سال بعد به تنگی نفس و ضعف قلب گرفتار گردید و بالاخره در ساعت پنج بامداد روز پنجشنبه ۲۰ صفر سال ۱۳۵۷ ه. ق دار فانی را وداع گفت.

آثار او: علم الاقتصاد، توسعه‌ی حکمت در ایران، تاریخ هند، اسرار خودی، رموز بیخودی، پیام مشرق، بانگ‌درا، زیور عجم، جاویدنامه،

می‌توان جزء گروه دوم، و تألیفاتی چون تاریخ مغول، جزایر و بنادر خلیج فارس و خاندان نوبختی را می‌توان از تألیفات شخصی او دانست. استاد اقبال آشتیانی مدیر و صاحب امتیاز یکی از بهترین مجلات تحقیقی و ادبی ایران؛ یعنی مجله‌ی یادگار بود که خودش نیز در آن مقالات متعددی را به چاپ رساند. مرحوم اقبال آشتیانی تا پایان عمر ازدواج نکرد.



اقبال لاهوری (۱۲۹۴-۱۳۵۷ ه. ق)

علامه اقبال در روز جمعه سوم ماه ذیقعدی ۱۲۹۴ ه. ق در شهر سیالکوت لاهور به دنیا آمد. او تحصیلات خود را از آموختن قرآن در یکی از مساجد سیالکوت آغاز نمود. در دوران متوسطه مورد توجه مولانا سیدمیر حسن که یکی از



اوهنری (۱۸۶۲-۱۹۱۰ م)

«ویلیام سیدنی پورتر» ملقب به «اوهنری» نویسنده‌ی بزرگ امریکایی در سال ۱۸۶۲ در شهر «گرینیس برو» دیده به جهان گشود.

سرگذشت پرفراز و نشیب وی، خود داستانی جالب دارد که تجربیات فراوانی را برای این نویسنده‌ی حساس و مهربان به ارمغان آورده است. او همانند همه در کودکی شروع به تحصیل نمود و طولی نکشید که دست از تحصیل برداشت و به کار کردن پرداخت.

پادویی داروخانه، آن هم به مدت پنج سال اولین تجربه‌ی کاریش به شمار می‌رود. سپس به ایالت تکزاس رفته و ۱۲ سال دیگر در آنجا مشغول به کار می‌شود. بعد به کار بانک‌داری در شهر اوستین می‌رود و مدتی نیز به این کار اشتغال

احیای فکر دینی در اسلام، مثنوی مسافر، بال جبرئیل، چه باید کرد اقوام شرق، ضرب کلیم، ارمغان حجاز و یادداشت‌های پراکنده.

سبک اشعار اقبال سبک خراسانی بسیار محدود است. اقبال تجلی روح مولوی بوده که در عصر خود طلوع کرد:

ارادت و عقیدت ویژه‌ی اقبال به حضرت

فاطمه علیها السلام

مریم، از یک نسبت عینی عزیز

از سه نسبت حضرت زهرا عزیز

نور چشم رحمت للعالمین

آن امام اولین و آخرین

آن‌که جان، در پیکر گیتی دمید

روزگار تازه، آیین آفرید

بانوی آن تاجدار هل آئی

مرتضی، مشگل گشا، شیر خدا

مادر آن مرکز پرگار عشق

مادر آن قافله سالار عشق

آن یکی شمع شبستان حرم

حافظ جمعیت خیرالامم

تا نشیند آتش پیکار و کین

پشت پا زد بر سر تاج و نگین

در نوای زندگی سوز از حسین

اهل حق، حریت‌آموز از حسین

مزرع تسلیم را حاصل بتول

ماداران را اسوه‌ی کامل بتول



بالزاک، انوره دو (۱۷۹۹-۱۸۵۰ م)

این نویسنده و جامعه شناس بزرگ در سال ۱۷۹۹ در خانواده‌ای متوسط به لحاظ اقتصادی، در شهر تور فرانسه متولد گردید.

او پس از مدتی درس خواندن به کار پرداخت و سپس به مدرسه‌ای مذهبی رفت. آن‌گاه در پاریس تحصیلات خود را به اتمام رسانید و به کارآموزی وکالت نزد چند وکیل پرداخت. وی پس از ورشکستگی از دایر کردن چاپ‌خانه‌ای به نویسندگی پرداخت که در آن زمان اکثر نوشته‌هایش با شکست روبه‌رو می‌گردید.

این نویسنده‌ی پرکار با اولین اثر موفقیت‌آمیز خود به نام «باغیان» که در سال ۱۸۲۹ انتشار داد به وضع اقتصادی مطلوبی دست یافت. بیش‌تر آثار وی در قالب داستان‌های کوتاه و

می‌ورزد. او در کنار این کار به روزنامه نویسی نیز علاقه‌ی وافری نشان می‌داد. در همین اثنا وی به اتهام سرقت از بانک مورد تعقیب پلیس قرار می‌گیرد که مجبور به گریختن به آمریکای مرکزی می‌شود و به طور ناشناس مشغول نویسندگی و روزنامه‌نگاری می‌شود.

نوشته‌هایش کم‌کم مورد توجه قرار گرفته و شهرت فراوانی به دست می‌آورد. اما در سال ۱۸۹۸ دستگیر و به زندان می‌افتد. پس از چند سال، رهایی می‌یابد و دوباره به نویسندگی ادامه می‌دهد.

وی در پایان زندگی کوتاهش مدتی به نیویورک و سپس به زادگاهش مراجعت کرد و به سال ۱۹۱۰ در حالی که ۴۸ بهار را از زندگی پرتلاطم‌اش را می‌گذرانند، دیده از جهان فرو بست.

در جنگ شهرها - زندگی گالیله - زن نیک -
مستثنی و قاعده و آدم آدم است.



تصویر نمادین

بلخی، قاضی حمیدالدین

(وفات ۵۵۹ ه. ق)

قاضی حمیدالدین ابوبکر عمر بن محمود بلخی شاعر و نویسنده‌ی ایرانی در بلخ می‌زیست و در آن‌جا سمت قاضی القضاتی داشت. شاعران زمان وی مانند انوری او را در اشعار ستوده‌اند. به تقلید مقامات حریری و مقامات بدیع الزمان همدانی، کتابی به نام مقامات در سال ۵۵۱ ه. ق به فارسی تألیف نمود که به مقامات حمیدی معروف است و دارای نثری مسجع و تا حدی متکلف و مصنوع می‌باشد. این کتاب دارای یک مقدمه، بیست و چهار مقاله و یک خاتمه است و در آن مضمون‌های اخلاقی و اجتماعی و افکار عارفانه

بلند می‌گنجد. او آثار خود را در مجموعه‌ای تدوین نمود که آن را «کمدی انسانی» نامید.

از دیگر آثارش می‌توان به:

«دختر زرین چشم»، «زن سی ساله»، «طبیعت صحرا»، «چرم ساغری»، «زنبق دره»، «پزشک دهکده»، «تخیلات گم‌شده»، «دهقانان» و «دختر عمویت» اشاره نمود.

این نویسنده‌ی پرکار به سال ۱۸۵۰ در سن پنجاه سالگی دیده از جهان فرو بست.



برشت، برتولت (۱۸۹۸-۱۹۵۶ م)

در اکسبورگ آلمان متولد شد. از مبارزان راه آزادی و از نمایش‌نامه‌نویسان مبارز آلمان بود که با نازی‌ها به مخالفت پرداخت و روزنامه‌های ضد هیتلری منتشر ساخت. او نویسنده‌ای ناتורالیست است. آثار او عبارتند از:

و نکات تاریخی و فلسفی بیان شده است.



بی‌راندلو، لویجی (۱۸۶۷-۱۹۳۶ م)

این نویسنده‌ی مشهور ایتالیایی در سال ۱۸۶۷ در جزیره‌ی سیسیل ایتالیا چشم به هستی برگشود. او پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشگاه راه یافت و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه به کارهای ادبی و هنری روی آورد.

«لویج» پس از چندی یعنی به سال ۱۸۹۷، زمانی که ۳۰ سال بیش نداشت به سمت استاد ادبیات دانشگاه رم برگزیده شد که در این هنگام نیز به نگارش داستان و نمایش نامه مشغول گردید.

فلسفه و بینش این نویسنده بیش‌تر در حول محور انسانی است که در درک قانون‌مندی‌های

هستی عاجز است و در نتیجه این بشر، آمیخته به بدبینی و تلخ کامی می‌باشد.

او با انتخاب سبک «وریسم» که حاوی بدبینی و کنایه و طعن بود به اولین اثر مکتوب خویش به نام «درد مطبوع» دست زد و بدین ترتیب دست به قلم گرفت.

وی به سال ۱۹۳۶ و در سن ۶۹ سالگی جهان را بدرود گفت.



بیهقی، ابوالحسن (۴۹۳-۵۵۶۵ ه.ق)

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زیدبن فندق، معروف به ابن فندق از علما و نویسندگان معروف ایران در سبزوار چشم به جهان گشود. وی در نیشابور و ری تحصیل نمود و اکثر عمرش را در خراسان گذراند. او در ادب و حدیث و فقه و کلام و ریاضی و حکمت استاد و توانا بود و

پس از وفات ابونصر، ابوسهل زوزنی ریاست دیوان رسالت را به دست گرفت و او با ابوالفضل ناسازگاری نمود. بیهقی در زمان سلطنت عبدالرشید غزنوی به ریاست دیوان رسالت رسید ولی کمی بعد معزول شد و اموالش را مصادره و خودش را محبوس کردند. پس از چندی از محبس رهایی یافت و دیگر گرد دربار نگشت. اثر معروف او تاریخ مسعودی یا تاریخ بیهقی از معتبرترین منابع تاریخ ایران راجع به اواخر دوران سامانیان و اوایل غزنویان است.

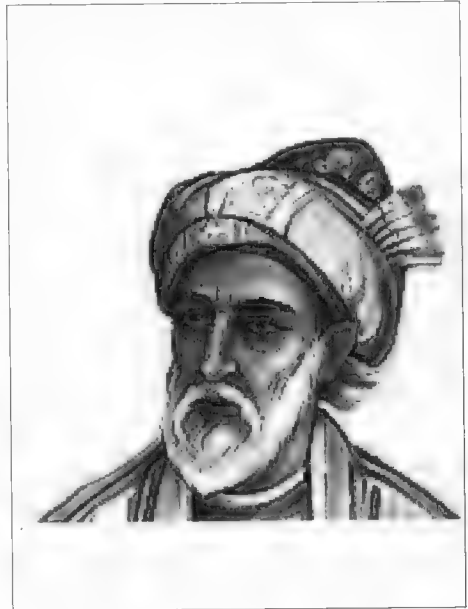
آثار دیگر وی مقامات ابونصر مشکان که به او منسوب گردیده و هم‌چنین زینة الکتاب درباره‌ی آداب نویسندگی می‌باشد.



پاسترناک، بوریس (۱۸۹۰-۱۹۶۱ م)

«بوریس پاسترناک» نویسنده و شاعر بزرگ روسی

شماره‌ی تألیفات او را تا هشتاد گفته‌اند. از آثارش می‌توان: تاریخ بیهق و مشارب التجارب را نام برد. مهم‌ترین کتاب پارسی بیهقی، تاریخ بیهق است که در سال ۱۳۱۷ به تصحیح احمد بهمنیار به چاپ رسید.



بیهقی، ابوالفضل (۳۸۵-۴۷۰ ه. ق)

ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی مورخ معروف ایرانی در حارث آباد بیهق چشم به جهان گشود. اوایل عمر را در نیشابور به تحصیل اشتغال داشت و سپس در غزنه به خدمت سلاطین غزنوی پیوست و بیش‌تر عمر خود را در این شهر گذراند. سالهای زیادی در دیوان

رسالت سلطان محمد غزنوی سمت دبیری داشت و ابونصر مشکان در آن‌جا سمت ریاست دیوان را داشت. در زمان سلطنت مسعود غزنوی

نویسندگان شوروی شد، اما غرب با تبلیغات فراوان در این باره، نتوانست «پاسترناک» را از مرام مارکسیستی جدا کند.

وی به خاطر این اثر، منتخب دریافت جایزه‌ی نوبل ادبی شد که از گرفتن آن خودداری نمود، و این عمل او جای بسیار تأمل و تعمق را در محافل ادبی سیاسی باز نمود.

وی به سال ۱۹۶۱ در سن ۷۱ سالگی دیده از جهان فرو بست.



پول. اس. باک (۱۸۹۲-۱۹۷۳ م)

این بانوی نویسنده‌ی آمریکایی در سال ۱۸۹۲ در شهر «هلیزبرو» از ایالت ویرجینیا چشم به جهان گشود.

وی به علت مسافرت پدر و مادرش به چین ناگزیر همراه آنان به چین رفت و در آن محیط به

در سال ۱۸۹۰ از پدری نقاش و مادری موسیقی‌دان به دنیا آمد.

او عشق و علاقه به هنر را از والدینش به ارث برده بود، بدین لحاظ پس از تحصیلات ابتدایی، نزد مادر به فراگیری موسیقی پرداخت، اما بعد از زمان کوتاهی، راهی آلمان شد و جهت فراگیری فلسفه در خدمت «پروفسور کهن» آلمانی وارد دانشگاه ماربورگ گردید تا آن را کامل کند.

او در جنگ جهانی اول به شوروی بازگشت و در کارخانه‌ای جهت تأمین معاش خود مشغول به کار شد.

پاسترناک در سال ۱۹۱۷ تحت تأثیر انقلاب روسیه به سبک و سیاق ادبیات رآلیسم گرایش یافت و تا سال ۱۹۳۲ هر چه شعر سرود، در ردیف آثار بزرگ ادبیات روس قرار گرفت.

وی مدتی از اجتماع به خاطر انتقادات چند منتقد ادبی هم وطن خود دوری گزید و مشغول ترجمه‌ی آثار بزرگ ادبیات کلاسیک جهان گردید.

او در همان سال‌ها و در کنار ترجمه‌ی آثار بزرگانی چون شکسپیر، به خلق رُمان معروف خود «دکترژیواگو» دست زد.

این کتاب ضمن انتقاداتی به تاروپود سیستم سوسیالیستی شوروی در دوران استالین، دارای قسمت‌های ضعیف ادبی نیز می‌باشد ولی می‌توان آن را در ردیف آثار مهم ادبی جهان شمرد.

این اثر منجر به اخراج وی از اتحادیه‌ی



پور داوود (۱۲۵۶-۱۳۴۷ ه. ش)

استاد پور داوود در رشت به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان جا به پایان برد. وی برای تحصیل در رشته‌ی طب در سال ۱۲۸۴ به تهران آمد. در ابتدای مشروطیت برای تحصیل به بیروت رفت و در سال ۱۳۱۷ به تهران بازگشت و به سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول به کار شد. وی اکثر اوقات خود را صرف تحقیق در مذهب ایران باستان نمود و کتب فراوانی نیز در این زمینه دارد.

کات‌ها ویشن‌ها در دو جلد، خرد و اوستا، یسنا در دو جلد، ایرانشاه، گفت‌وشنود فارسی، هرمزنامه، فرهنگ ایران باستان، ویسپرد، سوشیانس، پوراندخت و حدود ۱۵۰ مقاله‌ی کوتاه و طولانی از آثار این استاد می‌باشد.

آموختن زبان چینی پرداخت و بدین خاطر مجبور شد بخشی از تحصیلات خود را نیز در چین بیاموزد. آن‌گاه جهت اتمام تحصیلات عالی‌ی خودش به آمریکا مراجعت نمود.

او تلاش مطبوعاتی‌اش را در سال ۱۹۲۳ آغاز نمود و در روزنامه‌های مختلف به درج مقالات و گفتارهایی پرداخت. وی بعد از سفرهای متعدد، مجدداً در سال ۱۹۲۵ به آمریکا بازگشت و به درجه‌ی دکتری از دانشگاه «کرنل» نایل گردید.

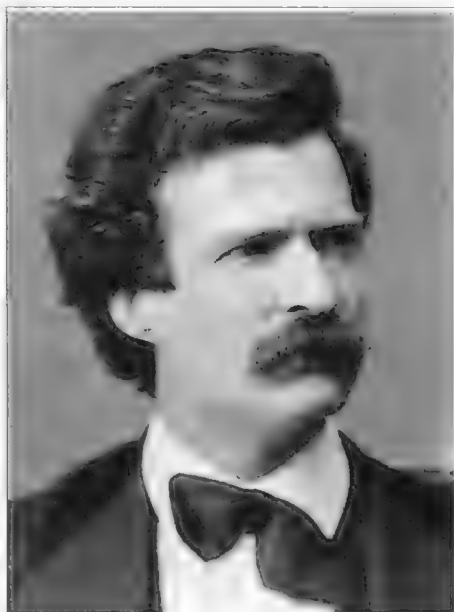
وی به سال ۱۹۳۰ اثر معروف و جاودانی‌اش به نام «خاک خوب» را نوشت که او را به دریافت جایزه‌ی ادبی «پولیترز» موفق گرداند. «پرل باک» از نویسندگان فعال و پرکار و خالق معاصر به شمار می‌رود.

وی در سال ۱۹۳۸ جایزه‌ی بزرگ ادبی نوبل را نیز به خود اختصاص داد و تأثیر مسافرت‌ها و خاطرات و ماجراهای زندگی‌اش که بیش‌تر گرایش شرقی دارد، در آثارش بسیار مشهود است.

نویسندگی در روزنامه‌ها پرداخت و به سال ۱۸۶۷ مسافرت‌های زیادی به اروپا، آفریقا و آسیا کرد و در بازگشت به آمریکا با نوشتن چند داستان شهرت جهانی یافت.

از آثار برجسته‌ی وی می‌توان از:

«سرگذشت هاکلبری فین»، «ولگردی در هتل»، «شاهزاده و گدا»، «قورباغه‌ی پرنده»، «یک امریکایی در دربار شاه آرتور»، و... نام برد. وی به سال ۱۹۱۰ در اثر مرگ نابهنگام دخترش بیمار گردید و به سن ۷۵ سالگی درگذشت.



تواین، مارک (۱۸۳۵-۱۹۱۰ م)

«تواین» نویسنده‌ی شوخ طبع و طنز نویس آمریکایی در سال ۱۸۳۵ در شهر فلوریدای آمریکا و در خانواده‌ای فقیر پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

وی در ۱۰ سالگی به علت از دست دادن پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در چاپ‌خانه‌ای مشغول به کار حروف‌چینی گردید. «تواین» جوان پس از مدتی به قسمت شرق آمریکا رفت و سپس در ۲۱ سالگی به شغل ملاحی کشتی روی رودخانه‌ی می‌سی‌سی‌پی پرداخت.

نام «مارک تواین» اسم استعاره‌ای است که از زمان اشتغالش به حرفه‌ی ملاحی گرفته و اسم اصلی‌اش «ساموئل لانگهورن کلمنس» می‌باشد. او پس از انتخاب چند حرفه بالاخره به



تورگینف، سرگی ویچ ایوان

(۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)

«تورگینف» نویسنده و رمان نویس معروف روس در سال ۱۸۱۸ در شهر «اورل» شوروی چشم به

حیات هستی گشود.

او در سال ۱۸۳۸ به برلین رفت تا مدت دو سال در آن‌جا فلسفه بیاموزد. وی تحت تأثیر افکار «هگل» قرار گرفت و خود را از زیر بار افکار نژاد پرستانه‌ی اسلاو خارج ساخت.

او به سال ۱۸۴۰ به مسکو بازگشت و با مسایل و مشکلات دهقانان آشنا شد. او رفتار خشن و بی‌رحمانه‌ی اربابان را نسبت به دهقانان یک تراژدی بشری خواند و کتاب «خاطرات یک ورزشکار» را در مورد همان مناسبات نوشت.

وی به سال ۱۸۶۴ به اروپا رفت و در پاریس با جمعی از هنرمندان بزرگ آشنا شد و برخی از آثارش را به زبان فرانسه نگاشت.

در برخی از آثار وی بیش‌تر ایده‌آل‌های یک هنرمند به تصویر کشیده می‌شود. قهرمانانش بیش‌تر دهقانان و غلامان روسی هستند که از ظلم اربابان به جان آمده‌اند.

آثار مهم وی عبارتند از:

«سرزمین بکر»، «پدران و پسران»، «آسیه عشق نخستین»، «نجیب زادگان»، «یادداشت‌های یک شکارچی»

وی به سال ۱۸۸۳ به علت ابتلا به سرطان جان باخت و این در حالی بود که ۶۵ سال از عمرش را پشت سر می‌نهاد.



تولستوی، لئون (۱۸۲۸-۱۹۱۰ م)

«لئون تولستوی» نویسنده‌ی چیره دست روسی در سال ۱۸۲۸ در خانواده‌ای متمول و سرشناس پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

پدرش «نیکلای» و مادرش شاهزاده‌ای به نام «نیکلایونا والکوسیکایا» بود که هر دو را در سن دو سالگی از دست داد. وی پس از اتمام دوره‌ی مقدماتی و متوسطه در دبیرستان ادبی «ژمینار» وارد دانشگاه «کازان» گردید.

روح پر احساس و دگراندیش وی با تحصیل سازگاری نیافت و به سال ۱۸۵۱ به خدمت ارتش درآمد و در جنگ‌های قفقاز روسیه شرکت نمود و شجاعت بی‌نظیری از خود نشان داد.

وی در این رابطه با توده‌های ستم دیده آشنا شد و این آشنایی وی را به نگارش داستان‌هایی

اتفاقاً ترس از همین دغدغه پر رمز و راز، وی را بیمار نمود به طوری که به سال ۱۹۱۰ در سن ۸۳ سالگی در بین راه «مسکو»، «تولا» از پای درآمد.



جمال زاده، سید محمد علی

(تولد ۱۲۷۴ ه. ش)

سید محمد علی جمالزاده فرزند سید جمال الدین واعظ اصفهانی، تحصیلات مقدماتی را در اصفهان و متوسطه و عالی را در بیروت و سویس و فرانسه به پایان رسانید و از دانشگاه دیژون فرانسه موفق به اخذ دانشنامه‌ی علم حقوق گردید. وی از نویسندگان روزنامه‌ی کاوه بود و اولین داستان خود به نام فارسی شکر است را در همین روزنامه منتشر کرد. با انتشار داستان یکی بود یکی نبود، او در ردیف نویسندگان طراز اول

و اداشت.

او مسافرت‌های فراوانی به اروپا از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا کرد و در بازگشت به موطن خود، مشغول نوشتن رمان «نیروی جهل» شد که یکی از با ارزش‌ترین آثارش بوده و در مورد زندگی دهقانان روسیه می‌باشد.

وی سال ۱۸۶۹ با دختر پزشکی به نام «سوفیا اندره یونا» ازدواج نمود و سپس به نگارش کتاب «آناکارینا» پرداخت. وی با تصویرگری از روابط اجتماعی مبتذل و فساد انگیز جامعه‌ی روسیه در این کتاب به موفقیت‌های خوبی دست یافت. تولستوی سال ۱۸۸۱ به همراه خانواده‌اش به مسکو آمد و در آنجا اقامت کرد.

آن‌گاه دست به خلق شاهکار جاویدان خود به نام «جنگ و صلح» زد. نگارش این کتاب ۵ سال به طول انجامید و درباره‌ی حمله‌ی ناپلئون به روسیه می‌باشد. این کتاب قدرت و توانایی شگرف وی را در خلق داستان‌های بلند و پر قهرمان نشان می‌دهد.

از آثار برجسته و مهم دیگر وی می‌توان از:

«حاجی مراد»، «هنر چیست؟»، «رستاخیز»، «ماجراهای سواستپل» یا «قصه‌های سباستوپول» نام برد.

او همواره دچار وسواسی عجیب بود و پیوسته در هیجان و استرس به سر می‌برد و این همان دغدغه‌ی مقدسی است که هر نویسنده‌ی متعهدی نسبت به جامعه‌اش دارد که مبادا حرف‌های شایسته را نگفته، مرگ به سراغش آید.

درآمد.

مشغول شد. او بیش‌ترین داستان‌های خود را نیز در همین دوران نوشت.

چخوف اولین نمایش‌نامه‌ی خود را با نام «ایوانف» نوشت که برای وی موفقیت چندانی به همراه نیاورد.

وی بر اثر بیماری سل که او را تهدید می‌کرد، مدتی به کریمه رفت. آن‌گاه به سال ۱۸۹۶ دومین نمایش‌نامه‌ی خود را به نام «مرغ نوروزی» نوشت که پس از چندی در مسکو با موفقیت روبه‌رو شد. چخوف نمایش‌نامه‌های بعدی خود را به سال ۱۸۹۹ به نام «عمو و نیا» و «سه خواهران» نوشت و سپس به سال ۱۹۰۰ به عضویت آکادمی علوم روسیه درآمد که پس از چندی به خاطر لغو عضویت ماکسیم گورگی مستعفی گردید. چخوف به سال ۱۹۰۱ نمایش‌نامه‌ی «باغ آلبالو» را تحریر کرد که برای وی موفقیت فراوانی به ارمغان آورد. زندگی کوتاه این نویسنده به سال ۱۹۰۴ یعنی هنگامی که ۴۴ بهار را پشت سر می‌نهاد، پایان یافت.

وی در آثارش بیش‌تر از طبقه‌ی محروم و متوسط جامعه‌ی روسیه به حمایت برمی‌خیزد و تمامی ویژگی‌های فرهنگی آنان را اعم از ویژگی اخلاقی، فکری و حتی مذهبی در قالب قهرمانان نوشته‌هایش مجسم می‌سازد.

خلقیات ما ایرانیان، قلنشن دیوان، نمک گندیده، صحرای محشر، دارالمجانین، عمو حسینعلی، راه آب نامه از جمله آثار معروف جمال‌زاده می‌باشند.



چخوف، آنتوان پاولویچ (۱۸۶۰-۱۹۰۴ م)

این نویسنده و درام نویس اهل شوروی در سال ۱۸۶۰ در خانواده‌ی گم‌نامی چشم به جهان گشود.

او پس از اتمام تحصیلات خود به سال ۱۸۷۹ جهت فراگیری علوم پزشکی وارد دانشگاه مسکو شد و در سال ۱۸۸۴ در سن ۲۴ سالگی به دریافت درجه‌ی دکترای پزشکی نایل آمد. اما چند سال بیش‌تر به طبابت نپرداخت و در ملک شخصی و خانوادگی‌اش به کار نویسندگی



تصویر نمادین

حافظ ابرو (وفات ۱۳۳۳ ه. ق)

شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله خوانی مورخ و جغرافی‌نویس ایرانی در عهد تیموریان در قرن نهم در هرات به دنیا آمد و در همدان به کسب معرفت پرداخت. در جوانی به خدمت تیمور پیوست و سپس نزد شاه‌رخ تقرب یافت. کتاب زبدة التواریخ وی که به نام بایسنقر تألیف کرده است و هم‌چنین جامع‌التواریخ رشیدی از آثار مهم وی می‌باشد؛ زیرا حاوی گزارش‌هایی است که مؤلف از حوادث قریب به عصر خود نوشته است. حافظ ابرو کتابی نیز در جغرافیا تألیف نموده است که ظاهراً مبتنی بر کتاب اصطخری بوده است و مؤلف آن را به نام شاه‌رخ و به اشارت او تألیف کرده است.



چوبک، محمدصادق (تولد ۱۲۹۵ ه. ش)

محمد صادق چوبک فرزند محمد اسماعیل تاجر بوشهری از نویسندگان معروف و با ذوق معاصر است که در بوشهر دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در بوشهر و شیراز به پایان برد و برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و از کالج آمریکایی‌ها فارغ‌التحصیل گردید.

وی با انتشار نخستین داستانش به نام خیمه شب بازی و هم‌چنین داستان انتری که لوطیش مرده بود، مشهور شد و در ردیف داستان‌نویسان زنده‌ی ایران قرار گرفت. از آثار دیگر او تنگسیر، چراغ آخر، روز اول قبر و سنگ صبور را می‌توان نام برد.

داشت و کتبی از قبیل رویا، رشد شخصیت، شادکامی، سلامت روح و حکمت ادیان را به فارسی برگرداند و از این رو از نویسندگان بزرگ ایران به شمار می‌رود.



تصویر نمادین

حزین لاهیجی (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ه.ق)

نامش محمد است و علی نیز خوانده می‌شود و تذکره نویسان محمد علی ذکر کرده‌اند. وی در سال ۱۱۰۳ ه. ق در شهر اصفهان چشم به دنیا گشود. پدرش از لاهیجان بود و از این رو به حزین لاهیجی شهرت یافت.

حزین بر مجموع دانش‌های روزگار خود مسلط بود و در هر کدام از علوم زمان خود رسالاتی نوشته است. او زندگی را نیز با قناعت و آزادی می‌گذرانیید. در طول عمرش سفرهایی به هند، عراق، حجاز، اصفهان و شیراز، بندرعباس



حجازی، محمد (۱۲۷۹-۱۳۵۲ ه.ش)

محمد حجازی (مطیع الدوله) نویسنده‌ی معروف معاصر در تهران چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلاتش در رشته‌ی ادبیات جزو محصلین اعزامی به اروپا رفت و موفق به اخذ دانش‌نامه‌ی مهندسی گردید. دوره‌ی علوم سیاسی را در فرانسه گذراند و پس از بازگشت از فرانسه در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد. به علت علاقه‌ی وافرش به ادبیات فارسی به نویسندگی پرداخت و شروع به تألیف و ترجمه‌ی کتب متعددی نمود.

کتاب‌های چون آرزو، آهنگ، آینه، اندیشه، سرشک، ساغر، سخنان جاوید، پری‌چهر، پروانه، زیبا، نسیم و هما از تألیفات اوست. به زبان‌های انگلیسی و خصوصاً فرانسه تسلط کامل

مدرسه‌ی دارالفنون و دانش‌سرای عالی به پایان برد و موفق به اخذ دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. سپس به تدریس ادبیات فارسی در رشت و تهران پرداخت و در دانشگاه تهران با سمت استادی مشغول به کار شد.

خانلری از محققان ادبیات فارسی و صاحب امتیاز و مدیر مجله‌ی سخن بود.

به اهتمام وی دیوان حافظ شیرازی به چاپ رسید که بسیار ارزنده و مفید برای اهل ذوق واقع شد.

دختران سروان، نامه به شاعری جوان، تریستان و ایزوت و شاهکارهای هنر ایران از ترجمه‌های اوست. کتب روان‌شناسی، تحقیق در عروض فارسی، وزن شعر، ماه در مرداب (شعر) از نوشته‌های خانلری می‌باشند.

و زیارت خانه خدا داشته است.

آثار حزین که از شاعران درجه اول سبک هندی است، علاوه بر دیوان اشعار، رسالاتی در فلسفه، علم کلام، احوال رجال و سفرنامه است. او در سال ۱۱۸۰ هجری در سن ۷۷ سالگی در بنارس زندگی می‌کرد که همان‌جا بدرود حیات گفت:

پس از ما تیره روزان، روزگاری می‌شود پیدا
قسفای هر خزان، آخر بهاری می‌شود پیدا
مکش این طور با افسرده حالان گردن دعوی
که در خاکستر ما هم، شراری می‌شود پیدا
پس از فرهاد، باید قدر این جان سخت دانستن
که بعد از روزگاری، مرد کاری می‌شود پیدا...



خانلری، پرویز (۱۲۹۲-۱۳۶۹ ه. ش)

دکتر پرویز خانلری تحصیلات خود را در

خود پرداخت. وی زندگی حرفه‌ای خود را به عنوان یک اخترشناس نزد ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن منصور، محتشم قهستان که شخص فاضل و دانش پژوهی بود، آغاز کرد و کمی بعد قصیده‌ی غرایبی در مدح خلیفه‌ی عباسی سرود و با نامه‌ای که به «ابن علقمی» وزیر خلیفه نوشت، تأکید کرد که وسایل ورود او را به خدمت خلیفه مهیا کند. ابن علقمی که می‌دانست ورود خواجه به خدمت خلیفه به صلاح او نیست و برای نفوذ شخصی وی شاید خطر داشته باشد، به ناصرالدین نوشت که خواجه با خلیفه مکاتبه کرده و ناصرالدین در تعقیب نامه‌ی ابن علقمی، خواجه را مدتی محبوس کرد. بعد از چندی که به خدمت علاالدین محمد، امیر اسماعیلیان می‌رفت، خواجه را هم با خود برد.

خواجه نصیر طوسی مدت‌ها در قلاع مرکزی اسماعیلیه و مخصوصاً در «میمون دژ» در خدمت علاالدین محمد به سر برد. در این اوقات بود که خبر هجوم هلاکو به قلاع اسماعیلیه رسید. علاالدین محمد، ناصرالدین را به عنوان رسالت نزد هلاکو فرستاد و هلاکو نیز ناصرالدین را به حکومت شهر «تون» منصوب کرد.

پس از فرمان‌برداری ناصرالدین از هلاکو، خواجه نیز به خدمت هلاکو درآمد و هلاکو در کلیه‌ی امور کشوری از کوچک و بزرگ با وی مشورت می‌کرد و تدبیر رای او را در اعمال خود دخالت تام می‌داد. این امر سبب شد تا بسیاری از کتاب‌های نفیس و جان بسیاری از علما و



خواجه نصیرالدین طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۵۹۷-۶۷۲ ه.ق)

ابوجعفر محمد بن حسن، ملقب به خواجه نصیرالدین طوسی و استادالبشر، روز شنبه یازدهم جمادی‌الاول سال ۵۹۷ ه.ق. در طوس متولد شد. خاندان او اصلاً از اهالی جه‌رود ساوه می‌باشند؛ لیکن چون پدرش در طوس اقامت داشت و تولد وی نیز در آن‌جا اتفاق افتاد، به طوسی مشهور گشت.

خواجه نصیرالدین، علوم نقلیه را نزد پدرش و علوم عقلیه را در مکتب فریدالدین آموخت. گذشته از آن‌ها نزد قطب‌الدین مصری و بعد پیش کمال الدین یونس مصری و دیگران شاگردی کرد. سپس نزد معین‌الدین سالم بن بدران معتزلی و ابوالسعد اصفهانی به تکمیل تحصیلات



خواجه نوری، ابراهیم

(۱۲۷۹-۱۳۷۰ ه. ش)

ابراهیم خواجه نوری در شیراز چشم به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی را در تهران به پایان برد و در رشته‌ی علوم و حقوق اداری از بروکسل دانش‌نامه گرفت و به تهران بازگشت و مسئولیت‌های سیاسی و ادبی مختلفی را عهده‌دار شد که از آن جمله معاونت نخست‌وزیر، سناتور مجلس سنا و انتشار روزنامه‌ی ندای عدالت را می‌توان نام برد.

وی نخستین کسی بود که در شناساندن روان‌شناسی جدید و روان‌کاوی به فارسی زبانان اهتمام فراوان ورزید. هم‌چنین او از پایه‌گذاران کمیته‌ی بهداشت روانی به شمار می‌آید. چهره‌های درخشان تاریخ، سیمای شجاعان،

دانشمندان از خطر نیستی برهد. این موضوع یکی از خدمات بزرگ خواجه نصیر به ایران است. از جمله دانشمندانی که در آن واقعه رهین احسان خواجه هستند، یکی عزالدین عبدالحمید بن ابی‌الحدید، شارح نهج‌البلاغه، افضل‌الدین کاشانی و دیگر علالدین عظاملک جوینی، نویسنده‌ی کتاب جهان‌گشای جوینی هستند.

بعد از آن که بغداد به تصرف مغول درآمد و فکر هلاکو از امر موصل و دیار بکر فارغ شد، خواجه موقع را مقتضی دانست و او را ترغیب به ساختن رصدخانه کرد. از سال ۶۵۷ ه. ق. ساختمان رصدخانه در شمال غربی مراغه آغاز شد. خواجه نصیرالدین در روز دوشنبه هجدهم ذی‌الحجه سال ۶۷۲ ه. ق. در بغداد درگذشت و در حرم امام موسی کاظم (ع) در شهر کاظمین به خاک سپرده شد.

خواجه نصیر طوسی در علوم و فنون مختلف مانند حکمت، فقه، منطق، نجوم، ریاضی و شعر تألیفات بی‌شماری دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: شرح اشارات - تجرید در کلام - تجرید در منطق - اوصاف الشراف - اخلاق ناصری - فصول نصیری - معیارالاشعار - تذکره‌ی آغاز و انجام - جام جهان‌نما - رساله‌ی جبر و اختیار - الاسطرلاب - زیج ایلخانی - اساس الاقتباس - تحریر مجسطی - تذکره‌ی نصیری - رساله‌ای در تحقیق ماهیت علم هیأت - مطلوب المؤمنین - اقسام الحکمة و نقد المحصل.

بازیگران عصر طلایی، زندانی باغ فردوس، اولین برخورد و عقاید لله آقا و چندین کتاب روان‌کاوی محصول تلاش‌های خواجه نوری می‌باشد.



داستایوفسکی، فئدور میخائیلوویچ

(۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م)

«داستایوفسکی» نویسنده‌ی خلاق و چیره‌دست و روان‌شناس روسی در سال ۱۸۲۱ در مسکو در خانواده‌ی متمولی چشم به جهان گشود.

پدرش طبیب ارتش و مادرش تاجر زاده بود. وی دوران کودکی را به سختی گذراند و در ۱۳ سالگی وارد آموزشگاه شبانه‌روزی گردید.

نخستین اثرش «مردم فقیر» نام دارد که پس از نگارش، آن را به دوستش «نگراسوف» داد تا نظرش را نسبت به آن بداند. این اثر بیانگر احساسات پاک و بی‌آلایش قهرمانان تهی‌دست، اما پای‌بند اخلاق می‌باشد.

در این هنگام داستان‌هایش آوازه و شهرت خاصی پیدا کردند؛ اما در سال ۱۸۴۹ وی را به



تصویر نمادین

خواندمیر (۸۳۷-۹۰۳ ه.ق)

سید محمد بن امیر برهان‌الدین معروف به میرخواند از دانشمندان و مورخان قرن نهم و معاصر با دوره‌ی تیمور و سلطان حسین بایقرا است. او تاریخ مشهور و مطول خود روضة‌الصفاء را در شش مجلد به نام امیرعلی شیر نوایی به رشته‌ی تحریر درآورد و چون نتوانست به سبب مرگ آن را تمام کند، نوه‌اش خواندمیر (۸۸۰-۹۴۲) جلد هفتمی نیز بر آن افزود و سرانجام رضاقلی هدایت سه جلد دیگر نوشت که به روضة‌الصفای ناصری معروف است.

۱۸۴۰ در شهر «نیس» فرانسه و در خانواده‌ای متمول چشم به جهان گشود.

وی بعد از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش در سال ۱۸۵۵ شهر تولد خود را ترک نمود و به پاریس رفت. علاقه‌ی وافرش به ادبیات به همراه روح حساس و لطیف، وی را به سرودن شعر و نگارش داستان و نمایش‌نامه در جوانی واداشت. اولین اثرش را به نام «نامه‌های آسیای من» منتشر نمود که سبب شد نامش در جامعه‌ی ادبی فرانسه بر زبان‌ها جاری شود.

اما عشق وافر به زادگاهش او را بر آن داشت که به خلق اشعار و سروده‌ها و داستان‌هایی در مورد آن شهر بپردازد.

الفونس دوده از زمره نویسندگانی است که با احساساتش می‌نگاشت و شور و شوق از لابه‌لای نوشته‌هایش به مشام می‌رسید که آن را می‌توان در کتاب «قصه‌های دوشنبه» استشمام کرد.

مهم‌ترین و برجسته‌ترین نوشته‌هایش عبارتند از: «نامه‌های آسیای من»، «قصه‌های دوشنبه»، «همسران هنرمندان»، «ماجراهای عجیب و غریب»، «آرنوین»، «سافو».

این نویسنده پراحساس به سال ۱۸۹۷ میلادی؛ یعنی زمانی که ۵۷ سال بیش‌تر نداشت، چشم از جهان فرو بست.

جرم فعالیت و سرنگونی رژیم امپراتوری تزار و عضویت در یک جمعیت سوسیالیستی محکوم به اعدام کردند. اما تزار مجازاتش را تخفیف داده و او را به چهار سال زندان و تبعید در سیبری محکوم کرد. وی پس از آزادی به پترزبورگ آمد و به خلق دیگر داستان‌هایش پرداخت.

آثار ارزنده و شاخص وی عبارتند از: «جانیات و مکافات»، «یادداشت‌های زیرزمینی»، «برادران کارامازوف»، «خانه‌ی اموات»، «طلسم شده»، «آزردگان»، «اعتراف»، «بوبوک» و «ابله»

وی به سال ۱۸۸۱ در سن شصت سالگی چشم از جهان فرو بست.



دوده، آلفونس (۱۸۴۰-۱۸۹۷ م)

«آلفونس دوده» نویسنده‌ی شهیر فرانسوی به سال



دوما، الکساندر (پدر) (۱۸۰۲-۱۸۷۰ م)

این نویسنده‌ی شهیر فرانسوی به سال ۱۸۰۲ در خانواده‌ای متمول و سرشناس قدم به دنیای ما نهاد.

پدرش ژنرال ارتش فرانسه و یکی از نزدیکان ناپلئون بود. ولی این ژنرال کم تجربه و ساده به علت افشا کردن اسرار حکومتی، بازنشسته شد و هنوز چند ماهی از تولد الکساندر نمی‌گذشت که به ترک دنیا رضایت داد.

الکساندر و مادرش از آن پس در تلاش معاش زندگی سختی را گذراندند؛ زیرا تلاش مادر جهت اعلام وضعیت خود به ناپلئون کار به جایی نبرد؛ لذا الکساندر پس از مدتی تحصیل به سال ۱۸۲۰ به پاریس رفت تا بتواند جهت تأمین مخارج خود و مادرش تلاش نماید.



تصویر نمادین

دولتشاه سمرقندی (وفات ۸۹۶ یا ۹۰۰ ه. ق)

امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه نویسنده‌ی قرن نهم هجری قمری بود که به جهت اثرش تذکرة الشعراء معروف است. پدرش علاءالدوله از مقربین شاهرخ تیموری بود و وی خود در نبرد بسین سلطان حسین بایقرا و شاهزاده سلطان محمود حضور داشت.

در حدود ۵۰ سال داشت که تألیف تذکرة الشعراء را آغاز نمود و در سال ۸۹۲ ه. ق آن را به جهت این که از خدمت بزرگان کناره‌گیری کرد و به مطالعه و تألیف این کتاب پرداخت، ستوده‌اند.



دهخدا، علی اکبر (۱۲۹۷-۱۳۷۵ ه. ق)

علی اکبر دهخدا فرزند خان باباخان قزوینی در سال ۱۲۹۷ ه. ق در محله‌ی قدیمی سنگلج تهران به دنیا آمد. هنوز ۹ سال بیش‌تر نداشت که در سال ۱۳۰۷ ه. ق پدرش وفات یافت و زیر چتر حمایت و سرپرستی مادرش قرار گرفت. پس از مرگ پدرش زندگی را با تهی‌دستی گذراند. دهخدا دروس صرف و نحو، اصول فقه، کلام، حکمت و... را نزد شیخ غلامحسن بروجردی فرا گرفت. با تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی در تهران به تحصیل در آن نهاد آموزشی روی آورد. همان‌گونه که بیش‌تر فارغ‌التحصیلان این مدرسه به خدمت وزارت امور خارجه درمی‌آمدند و بسیاری به مأموریت‌های دیپلماتیک خارج از ایران می‌رفتند، دهخدا نیز به همراه معاون الدوله

وی در پاریس توسط یکی از اقوام پدر به سمت منشی مخصوص «دوک دواورلئان» درآمد و توانست برای خود موقعیتی خوب را فراهم کند. آن‌گاه به نگارش چند داستان کوتاه پرداخت. دوما با تجارب شگرف و کم‌نظیر خود به خلق اولین اثر عمده‌ی خود به نام «سه تفنگدار» همت گماشت. سپس با فراغت هر چه تمام‌تر به نگارش اثر برجسته و ارزنده‌ی دیگر خود به نام «کنت مونت کریستو» پرداخت که غوغای عجیبی در محافل ادبی بر پا نمود و نام او را بلند آوازه ساخت، به‌طوری که ناشرین بزرگ در تلاش برای انعقاد قرارداد با وی به رقابت پرداختند. این کتاب در ۱۸ جلد به چاپ رسید.

الکساندر دوما مدتی به گرایشات سیاسی روی آورد که این گرایشات منجر به تبعید وی گردید و تا پایان عمر در تبعید به سر برد. در ضمن او را با لقب پدر یاد می‌کنند؛ زیرا پسرش نیز نویسنده‌ای توانا با همین نام بود.

او از پیش‌قراولان سبک «رمانتیسیم» بود که گاه نشانه‌هایی از «رنالیسم» هم در نوشتارهایش یافت می‌گردد.

وی بیش از سیصد عنوان کتاب دارد که نشان دهنده‌ی پرکار بودن نویسنده‌ی بزرگ می‌باشد. وی به سال ۱۸۷۰ در حالی که ۶۸ سال از بهار زندگی‌اش می‌گذشت، رخ در خاک کشید و به ابدیت پیوست.

استبدادی به کار نمی‌برد و زبان جد را برای بیان مسایل برگزیده بود، عاقبتی چون عاقبت فرخی یزدی (در زندان با تزریق آمپول هوا به قتل رسید) می‌داشت. اما زبان طنز چنین نیست و حکومت هر چند دیکتاتور و مستبد باشد، چنین نوشته‌ها و اشعاری را که شدیدتر و مؤثرتر از آثار جد در بیداری مردم نقش دارند شوخی و هزل می‌داند. زبان طنز، زبان غیرمستقیم است که چون حالت شوخی دارد، به زودی در افواه مردم جریان می‌یابد و بر افکار و اندیشه‌های آنان تأثیر می‌گذارد.

دهخدا تنها از طریق روزنامه‌نویسی مبارزه نمی‌کرد، بلکه عملاً در صحنه‌ی مبارزات مشروطه خواهی شرکت داشت و در کنار مردم بود. محمدعلی میرزا از همان ابتدای سلطنتش ساز مخالف با مشروطه می‌زد؛ اول از همه میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم) را از فرنگستان فرا خوانده، کمر به نابودی مشروطه می‌بندد. آزادی خواهان برای نجات مشروطه کمیته‌ی سری تشکیل می‌دهند که اعضای آن شانزده نفر از مهم‌ترین و فداکارترین آزادی‌خواهان بودند که یکی از آنها استاد علی اکبر دهخدا بود. یکی از اقدامات این کمیته تصمیم کشتن میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود که میرزا علی آقای تبریزی او را در جلوی در ورودی مجلس شورای ملی به گلوله بست.

سرانجام روزنامه‌ی صوراسرافیل در کودتای ۱۳۲۶ هـ. ق تعطیل شد و محمدعلی شاه در

غفاری وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان به اروپا رفت و دو سال و نیم در وین اقامت کرد و به تکمیل زبان فرانسوی پرداخت. همزمان با آغاز نهضت مشروطیت در سال ۱۳۲۳ هـ. ق به ایران برگشت و به صف مبارزان و آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان پیوست و کار خود را با نوشتن مقاله‌هایی تحت عنوان «چرند و پرند» در روزنامه‌ی صوراسرافیل که روزنامه‌ای ضد استبدادی بود و به صورت هفتگی منتشر می‌شد، پرداخت. اولین شماره‌ی آن در تاریخ پنج‌شنبه ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ هجری قمری منتشر شد. دهخدا با میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی در اداره‌ی روزنامه همکاری بسیار نزدیکی داشت. این روزنامه بیش‌تر اهمیت خود را از مقاله‌های کوتاه «چرند و پرند» کسب کرده بود که دهخدا این مقاله‌ها را با نام‌های مستعار دخو، خرمگس، سگ دله، غلام گدا، اسیر الجوال، دخو علیشاه، روزنومه‌چی، خادم الفقرا، دخوعلی و نخود همه آتش منتشر می‌کرد. هم‌چنین او با نگارش مقاله‌های چرند و پرند، پیش‌گام ساده‌نویسی در زبان فارسی است که بعدها سیدمحمدعلی جمال‌زاده در «یکی بود یکی نبود» آن را به کمال رساند.

زبان طنز، بهترین وسیله برای بیان مسایل سیاسی است که به راحتی می‌توان شدیدترین انتقادهای بی‌آن‌که ترسی از زندان و شکنجه داشت بیان کرد. شاید اگر دهخدا این زبان را برای بیان مفاسد اجتماعی و انتقاد از حکومت

کشیدند و آزارش دادند. در شامگاه ۲۵ مهر ماه ۱۳۳۲ خورشیدی، به علت رفتار زشت دادستان در دفتر دادستانی ارتش به حالت اغما افتاد. جسد نیمه جانش را نیمه شب در دالان خانه‌اش می‌اندازند و خدمت‌کار خانه که برای وضو از اتاقش بیرون آمده بود پیکر نیمه جانش را می‌بیند. به خاطر این رفتار زشت به شدت آسیب می‌بیند و بیماری تنگی نفس‌اش عود می‌کند و در یک کلام بر اثر فشارهای وارده روز دوشنبه هفتم اسفندماه ۱۳۳۴ در سن ۷۷ سالگی دیده از جهان فرو می‌بندد. جنازه‌اش را در قبرستان ابن‌بابویه در مقبره‌ی خانوادگی به خاک می‌سپارند.

آثار دهخدا

آثار دهخدا بسیار است که به ناچار فهرست‌وار ذکر می‌شود:

۱- لغت‌نامه؛ مهم‌ترین اثر دهخدا لغت‌نامه او است که برای گردآوری آن ۴۵ سال زحمت کشید و با پانزده ساعت کار بی‌وقفه در شبانه‌روز، عظیم‌ترین فرهنگ لغت فارسی را فراهم آورد.

۲- ترجمه‌ی عظمت و انحطاط رومیان اثر

منتسکیو

۳- ترجمه‌ی روح القوانين اثر منتسکیو

۴- فرهنگ فرانسه به فارسی

۵- شرح حال ابوریحان محمدبن احمد

خوارزمی بیرونی.

۶- تصحیح و تحشیه‌ی دیوان ناصر خسرو

قبادیانی

همان سال خواستار تبعید هشت تن از جمله میرزا علی‌اکبر خان دهخدا شد. دهخدا به پاریس رفت و سپس در ایوردن سوئیس اقامت گزید و سه شماره از روزنامه‌ی صوراسرافیل را منتشر کرد. سپس به استانبول رفت و با چند تن از ایرانیان مقیم ترکیه روزنامه‌ای به زبان فارسی به نام «سروش» منتشر کرد. در سال ۱۳۲۸ از راه رشت به ایران بازگشت. پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه، دهخدا از طرف مردم تهران و کرمان به مجلس شورای ملی راه یافت. با شروع جنگ جهانی اول و حرکت قشون روس به سمت تهران ملیون به خارج ایران پناه بردند. عده‌ای نیز به ایل بختیاری پناه بردند که دهخدا از این دسته بود. بعد از جنگ به تهران بازگشت و از کارهای سیاسی کناره گرفت و به فعالیت‌های ادبی، فرهنگی و علمی روی آورد. مدتی ریاست دفتر وزارت دادگستری و ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی و بعد از آن ریاست مدرسه‌ی عالی حقوق و علوم سیاسی تهران را عهده‌دار بود و پس از آن تنها مشغول مطالعه و تحقیق و نگارش تألیفات و مصنفات ارزشمند خود شد.

با شروع کار دولت ملی دکتر محمد مصدق، دوباره به صحنه‌ی مبارزه کشیده شد و در دفاع از او مقاله نوشت، مصاحبه کرد و از او به عنوان «نابغه‌ی شرق» حرف زد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای یافتن دکتر حسین فاطمی به خانه‌اش ریختند و زندگی‌اش را به هم زدند و حقوق اندکش را قطع کردند و او را به محاکمه



دیکنز، چارلز (۱۸۱۲-۱۸۷۰ م)

این نویسنده‌ی خلاق و چیره دست در سال ۱۸۱۲ میلادی در شهرک «پرنستی» انگلستان چشم به جهان گشود. خانواده‌ی وی بسیار فقیر و تهی دست بود.

ده ساله بود که پدرش را به خاطر عدم پرداخت قرض به زندان انداختند و او همراه دیگر بچه‌های فقیر لندن در محیط‌های پست به زندگی ادامه داد؛ اما علی‌رغم نداشتن تحصیلات زیاد به علت آمیختگی اجتماعی، ذهن مردم‌شناس و اجتماعی خود را تقویت نموده بود. از این رو پس از سال‌ها تلاش و تجربه‌ی اجتماعی به کار روزنامه نویسی و مدتی خبرنگاری پرداخت.

نویسندگی را از ماهانه‌ای شروع کرد و آثار

- ۷- تصحیح دیوان سیدحسن غزنوی.
- ۸- تصحیح دیوان حافظ
- ۹- تصحیح دیوان منوچهری.
- ۱۰- تصحیح دیوان فرخی سیستانی
- ۱۱- تصحیح دیوان مسعود سعد سلمان
- ۱۲- تصحیح دیوان سوزنی سمرقندی
- ۱۳- تصحیح لغت فرس اسدی
- ۱۴- تصحیح دیوان ابن یمین
- ۱۶- تصحیح و تحشیه بر یوسف و زلیخا
- ۱۷- مجموعه مقالات اجتماعی و سیاسی به نام چرند و پرند
- ۱۸- امثال و حکم
- ۱۹- پندها و کلمات قصار
- ۲۰- دیوان دهخدا

نمونه‌ای از شعر دهخدا

وطن‌داری آموز از ماکیان
هنوزم ز خردی به خاطر در است
که در لانه‌ی ماکیان برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید
که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
پدر خنده بر گریه‌ام زد که هان
وطن‌داری آموز از ماکیان



تصویر نمادین

راوندی (قرن ششم ه. ق)

نجم‌الدین ابوبکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی از نویسندگان اواخر قرن ششم ه. ق کتاب *راحة الصدور و آية السرور* که اثری با اهمیت می‌باشد را تألیف نمود و آن را به نام غیاث الدین کیخسرو بن قلچ ارسلان، از سلاجقه‌ی روم نمود. این کتاب علاوه بر فایده‌های تاریخی دارای فواید ادبی نیز می‌باشد و تألیف آن در طی سال‌های ۵۹۹ تا ۶۰۲ ه. ق به طول انجامید.

راوندی اهل راوند کاشان بود و گذشته از فقه و کلام و ادب، در خطاطی، صحافی، و تذهیب مهارت داشته است. بسیاری از مطالب تاریخی کتاب *راحة الصدور* از جهت نظم وقایع و طرز عبارت بندی به سلجوقنامه‌ی ظهیری شباهت دارد و پیداست که راوندی استفاده‌های فراوانی از

اولیه‌اش را به صورت جزوه منتشر نمود.

دیکسنز مسافرت‌های زیادی به دیگر کشورهای اروپایی و امریکایی نمود تا به تجاربِ جامعه‌شناسی خود بیافزاید و در ضمن این مسافرت‌ها نیز شهرت فراوانی به دست آورد.

وی در رمان‌های «الیورتویست» که به سال ۱۸۳۹ و «دیوید کاپرفیلد» به سال ۱۸۵۰ و «نیکلانیکی» منتشر نمود، در واقع به بخشی از زندگی خود پرداخته است و با قدرت تخیل و شیوایی بیان که از ویژگی‌های نوشته‌های او می‌باشد، کاراکترهای خود را به خوبی تصویر می‌کند.

او سخت پای‌بند رسوم و سنن ملی جامعه بود و در توصیف حالات و روحیات قهرمانان داستان‌هایش که بیش‌تر از طبقه‌ی پایین اجتماع بودند، بسیار ژرف نگر بود. او جامعه‌ی انگلیس را با توجه به شناخت از ساختارها و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی آن همانند تصویری در آینه نمایان ساخت.

این نویسنده‌ی شهیر و پرکار به سال ۱۸۷۰ در سن ۵۸ سالگی چشم از جهان فرو بست و با تأثیری که در جامعه‌ی انگلیسی گذارد، توانست خود را مظهر پیروزی و استقامت معرفی نماید.

آن نموده است.

(ترجمه) را نام برد.



زرین کوب، عبدالحسین

(۱۳۰۱-۱۳۷۸ ه. ش)

دکتر عبدالحسین زرین کوب منتقد توانا و معروف در برخورد چشم به گیتی گشود و نخستین اثرش را که رساله‌ای به نام فلسفه‌ی شعر بود، در زادگاهش منتشر نمود. وی برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۲۴ به تهران آمد و توانست دوره‌ی دکترای خود را در ادبیات فارسی بگذراند. کتاب نقد ادبی او که بسیار مورد توجه قرار گرفت در واقع همان رساله‌ای بود که برای اخذ درجه‌ی دکترای خود تألیف کرده است. دکتر عبدالحسین زرین کوب که مدتی در بستر بیماری به سر می‌برد، صبح روز چهارشنبه ۱۳۷۸/۶/۲۴ دارفانی را وداع گفت.



رضازاده شفق، صادق (۱۲۷۲-۱۳۵۰ ه. ش)

دکتر صادق رضازاده شفق در تبریز چشم به جهان گشود و موفق به اخذ دکترای فلسفه از دانشگاه برلین شد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. وی از اساتید و ادبای مشهور زبان است که زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسه، روسی، ترکی عثمانی و ترکی آذربایجان را به خوبی می‌دانست و با ادبیات آن‌ها کاملاً آشنا بود. دکتر شفق از اعضای دایمی فرهنگستان ایران بوده و در مجلس شورای ملی و مجلس سنا حضور داشت.

از آثار او می‌توان کتاب‌های تاریخ ادبیات ایران، تاریخ مختصر ایران، فرهنگ شاهنامه، ترجمه‌ی تاریخ ادبیات فارسی و اوپه نیشادها

مؤسسه‌ی مطبوعاتی استخدام شود. سپس در سال ۱۸۶۰ در اداره‌ی گمرکات نیز وارد گردید تا کمک خرجی برای خود بیابد.

وی با پشت کار فراوان و در نهایت تنگ‌دستی و فشار، شب‌ها در اتاق محقر زیر شیروانی به مطالعه مشغول بود تا تلاش بی‌وقفه‌اش سرانجام به سال ۱۸۶۴ به ثمر نشست و اولین مجموعه داستان‌های خود را به نام «داستان‌های پتون» منتشر ساخت.

وی به سال ۱۸۶۸ فرضیه‌ی شبه علمی خود را در سلسله داستان‌های سریالی با عنوان «طبیعت گرایی» به رشته‌ی تحریر درآورد و سه عامل «تولد»، «سابقه» و «محیط» را تشکیل دهنده‌ی تشخص آدمی عنوان نمود و پایه‌ریزی مکتب «ناتورالیسم» را در ذهن خود پرورش داد. او را باید بنیان‌گذار «مکتب ناتورالیسم ادبی» اطلاق کرد؛ زیرا با ترسیم واقعیات با تلخ‌ترین و بی‌رحم‌ترین وجهاتش، آنچه موجود هست را نقاشی می‌نماید.

از آثار با ارزش وی می‌توان به:

«اعترافات مکدد»، «ترزراکن» و «اسرار مارس» اشاره نمود.

وی به سال ۱۹۰۲ در حالی که ۶۲ بهار از زندگی‌اش را پشت سر می‌نهاد، در اثر مسمویت با گاز زغال سنگ جهان‌بی‌وفا را بدرود گفت.



زولا، امیل ادوارد شارل آنتوان

(۱۸۴۰-۱۹۰۲ م)

«امیل زولا» نویسنده و داستان‌سرای بزرگ فرانسوی به سال ۱۸۴۰ از پدری ایتالیایی و مادری فرانسوی در شهر پاریس پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

پدرش مهندس بود و وقتی امیل کوچک هفت بهار را پشت سر می‌نهاد، چشم از جهان فروبست و خانواده‌ی خود را با تنگ‌دستی روبه‌رو نمود. امیل جوان ابتدا جهت تحصیل مقدماتی به کالج «اکس» رفت. آن‌گاه پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به دبیرستان «سن لوئی»، پاریس منتقل شد که در آن‌جا موفقیتی چندان نداشت.

وی از آن پس جهت تحصیل معاش به تلاش پرداخت تا توانست به سال ۱۸۵۱ در یک

این نویسنده به علت داشتن روح لطیف و حساس، اشعار فراوانی را نیز سروده که دگرگونی‌های فکری و عقیدتی خود را در آنها هویدا می‌گرداند.

این نویسنده‌ی سوسیالیستی که سال‌ها به حمایت از اندیشه‌های نوین سوسیالیزم می‌پرداخت در اواخر عمر این گرایش را کاهش داد و روش دیگری برگزید.

از دیگر آثار خوب این نویسنده می‌توان از: «مانده‌های زمینی»، «بازگشت از شوروی»، «داستا یوسفسکی» و «سکه سازان» نام برد. وی در ۸۲ سالگی به سال ۱۹۵۱ دیده از جهان فرو بست.



ژید، آندره (۱۸۶۹-۱۹۵۷ م)

«آندره ژید» شاعر، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و منتقد ادبی فرانسه به سال ۱۸۶۹ در پاریس چشم بر گیتی گشود.

وی کودکی ۱۱ ساله‌ای بود که پدرش را از دست داد. او از کودکی به ادبیات علاقه‌ی وافری داشت. بدین لحاظ پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به تحصیلات پیش‌رفته در رشته‌های ادبیات و هنر پرداخت.

وی پس از سفری که به آفریقا کرد دچار دگرگونی‌های روحی و روانی گردید که این تغییرات حتی در آثارش نیز محسوس می‌باشد.

آندره ژید جایزه‌ی ادبی نوبل خود را به سال ۱۹۴۷ دریافت نمود که این زمان اوج شهرت وی محسوب می‌گردد.



سارویان، ویلیام (متولد ۱۹۰۸ م)

از نویسندگان معاصر آمریکایی است. تحصیلات

نگارش داستانی به نام «سلام برغم» همت گمارد و این در حالی بود که از عمرش فقط ۱۸ بهار گذشته بود.

وی در این کتاب که او را به شهرت زودرس رسانده بود با سادگی بیان، تضاد و تلاقی نظام ماشینیزم را با انسان امروزی که منجر به از دست دادن خصوصیات انسانی و الینه شدنش به وسیله ماشین می‌گردد، عنوان کرد.

از دیگر آثار وی می‌توان از:

«شگفت اینرها»، «آیا برامس را دوست

دارید؟» نام برد.

وی با تکیه بر روان‌شناسی در بیان احساسات و غریزه‌ها و خواست‌گاه‌ها به تجزیه و تحلیل روابط می‌نشیند و در این امر تبحر چشمگیری دارد.

مقدماتی را در نهایت تنگ‌دستی فرا گرفت و سپس پستی‌چی شد. او در نوشتن داستان‌های تخیلی و بدیع مهارت زیادی از خود نشان داد. در ۱۹۳۴ جایزه‌ی ادبی پولیتز را گرفت. آثار معروف وی عبارتند از: مرد جوان بی‌باک، پرنده، دوران زندگی شما



ساگان، فرانسواز (متولد ۱۹۳۹ م)

این بانوی نویسنده‌ی مشهور فرانسوی در شهر پاریس چشم به جهان گشود.

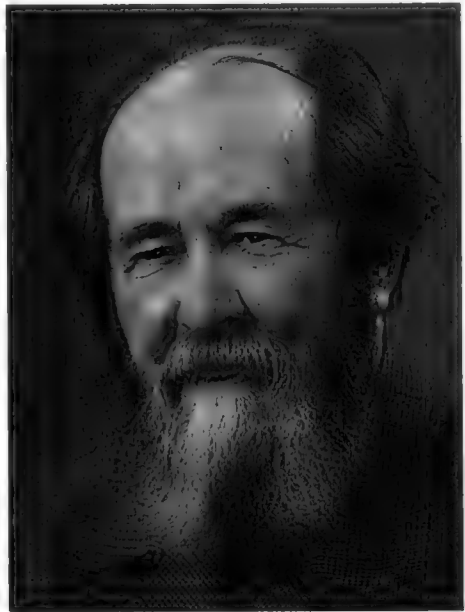
وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در آن‌جا به پایان برد و جهت ورود به دانشگاه در امتحان ورودی شرکت نمود که با شکست مواجه شد.

این شکست در وی اثر عمیقی گذارد و روح حساس و نکته‌سنج وی را بر آن داشت که به

موجب شد تا میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به این واقعیت اذعان کنند که شجاعت و صداقت یک فرد چگونه می‌تواند سرانجام موجب شکست نظام قدرتمند یک امپراتوری شود. او اولین رمان کوتاه خود را در سال ۱۹۶۲ با نام «یک روز در زندگی ایوان دنیسویچ» منتشر کرد. اثر غیرداستانی سه گانه‌ی «مجمع الجزایر گولاگ» در دهه‌ی ۱۹۷۰، که در آن از خشونت شوروی زمان استالین پرده برداشت، موجب شگفتی میلیون‌ها نفر شد که در نتیجه‌ی آن، بسیاری از متفکران چپ‌گرا، به‌ویژه در اروپا، از حمایت اتحاد جماهیر شوروی دست برداشتند.

پس از آن که از سوی دولت شوروی تبعید شد، غرب درخواست‌های پناهندگی برای او ارایه کرد. وی در بازگشت پیروزمندانه از تبعید در سال ۱۹۹۴، مدت ۵۶ روز با قطار به سراسر روسیه سفر کرد تا کشورش را ببیند. او در این سفرها ابراز تأسف کرد که بسیاری از شهروندان روسیه کتاب‌های او را نخوانده‌اند.

سولژنیتسین که متولد ۱۱ دسامبر ۱۹۱۸ در کیسلوودسک بود، به عنوان پیاده نظام در جنگ جهانی دوم حضور یافت. در هفته‌های پایانی این جنگ بود که به علت نگرارش مطالبی علیه استالین که در نامه‌ای به یکی از دوستانش نوشته بود، دستگیر شد و هشت سال از عمر خود را در اردوگاه‌های کار اجباری گذراند. همین سختی‌ها و مشقت‌ها در این اردوگاه‌ها، بعدها دست مایه‌ی بسیاری از آثار او شدند. نخستین دستاورد این



سولژنیتسین، الکساندر (۱۹۱۸-۲۰۰۸ م)

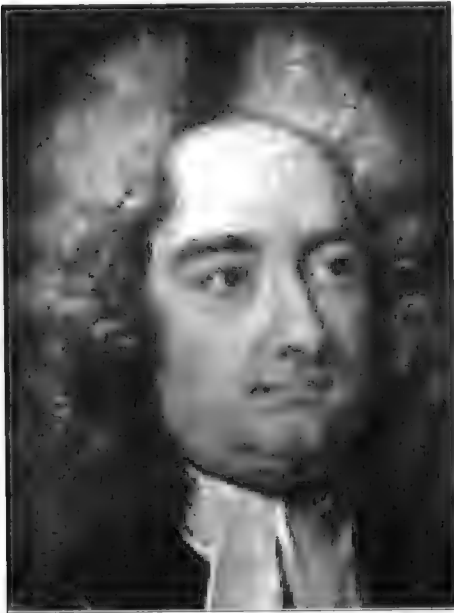
الکساندر سولژنیتسین - نویسنده‌ی نام‌دار روسیه و برنده‌ی نوبل ادبیات - در کتاب‌هایش ترس و وحشت حاکم در اردوگاه‌های کار اجباری زمان استالین را به تصویر کشیده است. الکساندر ایسایویچ سولژنیتسین که هشت سال از عمر خود را در اردوگاه کار اجباری «گولاگ» در اتحاد جماهیر شوروی سابق گذراند، در آثار غیرداستانی و رمان‌هایش از شرایط نهفته در نظام زندان‌های شوروی که میلیون‌ها نفر را اسیر خود کرده بود، پرده برداشت. به گزارش روترز، این افشاگری‌ها اگرچه موجب خشم مقامات روسیه شد و سال‌ها تبعید را برای او به همراه داشت، با این حال، شهرت بین‌المللی فراوانی برای سولژنیتسین به ارمغان آورد. آثار این نویسنده

آورد: «در طی تمام سال‌های منتهی به ۱۹۶۱، من نه تنها متقاعد شدم که نباید هرگز حتی یک خط از نوشته‌هایم را چاپ شده ببینم؛ بلکه واهمه داشتم که به آشنایان نزدیکم اجازه دهم تا نوشته‌هایم را بخوانند؛ چون می‌ترسیدم که این نوشته‌ها علنی شوند.»

به دنبال اعلام خبر مرگ سولژنیتسین، دمتری مدودف - رئیس جمهور روسیه - در پیامی درگذشت او را به خانواده‌اش تسلیت گفت. هم‌چنین نیکولا سارکوزی - رئیس جمهور فرانسه - در پیامی به سولژنیتسین ادای احترام کرد. وی در پیام خود آورده است: «سولژنیتسین یکی از بزرگ‌ترین وجدان‌های قرن بیستم روسیه بود که ایده‌ها، سرسختی‌ها و زندگی پر ماجرا، از او یک شخصیت داستانی ساخت که وارث داستایوفسکی است. او متعلق به مشاهیر تاریخ جهان است و به او ادای احترام می‌کنم.» سال گذشته، ولادیمیر پوتین - رئیس جمهور وقت روسیه - بالاترین نشان ملی این کشور را در مراسمی به سولژنیتسین اعطا کرد. پس از مرگ نجیب محفوظ - نویسنده‌ی نام‌دار مصری - در سال ۲۰۰۶، سولژنیتسین سال خورده‌ترین برنده‌ی در قید حیات نوبل ادبیات در جهان نام گرفت.

روزنامه‌ی ایندپندنت انگلیس آخرین مصاحبه‌ی سولژنیتسین را که سال گذشته پس از وخامت اوضاع جسمانی‌اش، برای آخرین بار رودر روی خبرنگاران نشست، منتشر کرد.

اردوگاه‌های کار اجباری، کتاب «روزی از زندگی ایوان دنیسوویچ» بود که در آن، نجاری را به تصویر کشید که پس از خدمت در جنگ و محکوم شدن به حضور در اردوگاه کار اجباری، سعی دارد زنده بماند. این کتاب در سال ۱۹۶۲ به دستور نیکیتا خروشچف - رهبر وقت شوروی - به چاپ رسید، که تمایل زیادی به افشا کردن جنایات استالین داشت؛ اما پس از برکناری او، سازمان اطلاعات جاسوسی شوروی به سانسور آثار سولژنیتسین پرداخت و با ممانعت از چاپ کتاب‌هایش، وی را از انجمن نویسندگان شوروی اخراج کرد. سولژنیتسین در کتاب «اولین دایره»، بار دیگر زندانیان یکی از اردوگاه‌های کار اجباری زمان استالین را به تصویر کشید. رمان «بخش جراحی» که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد، دیگر اثر داستانی بود که براساس زندگی این نویسنده نوشته شد، که موضوع آن، درمان سرطان وی در تاشکند ازبکستان بود. سولژنیتسین در سال ۱۹۷۰، افتخار کسب جایزه‌ی نوبل ادبیات را به دست آورد. آکادمی نوبل پس از این انتخاب، «قدرت اخلاقی سولژنیتسین را که وی به کمک آن، سنت‌های حیاتی ادبیات روسیه را دنبال می‌کرد»، مورد تمجید قرار داد. با این حال، مقامات شوروی از سفر او به استکهلم برای دریافت این جایزه ممانعت کردند و همسرش - ناتالیا - از طرف سولژنیتسین، این جایزه‌ی ارزشمند را دریافت کرد. سولژنیتسین در شرح حالی که پس از آن برای آکادمی نوبل نوشت،



سویفت، جوناتان (۱۶۶۷-۱۷۴۵ م)

«سویفت» نویسنده‌ی انگلیسی به سال ۱۶۶۷ در شهر دوبلین ایرلند و در خانواده‌ی لرد انگلیس و سرشناس به دنیا آمد.

او پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و مدارج آن را به خوبی طی نمود.

«سفرهای گالیور» از مجموعه داستان‌های بلند وی می‌باشد که ابتدا به صورت اثری طنزآمیز و انتقادی از حماقت‌ها و جاه‌طلبی‌های مردان کشورش منتشر گردید که فیلم‌ها و نمایش‌نامه‌های متعددی از روی آن ساختند. سویفت در آن کتاب که با افسانه‌های مسخره‌آمیز همراه است، دشمنان احمق خود را به باد انتقاد می‌گیرد.

گزیده‌ای از آخرین گفت‌وگوی خالق «مجمع الجزایر گولاگ» را به نقل از ایسنا می‌خوانیم:

از زمان کودکی یک نیروی درونی برای کار کردن داشته‌ام و همیشه خودم را وقف کار و درگیری‌ها کرده‌ام. این توانایی‌ام در سن ۸۸ سالگی نشأت گرفته از همین نیروی درونی است. من حتی هنگام عبور از جنگل‌های آمریکا نیز می‌نوشتم. در اردوگاه گولاگ که بودم، بعضی مواقع روی دیوارهای سنگی و تکه‌های پاره شده‌ی کاغذ، مطالبم را می‌نوشتم و پس از به حافظه سپردن، آن‌ها را پاره می‌کردم.

همیشه خوش‌بین بوده‌ام و به آنچه انجام می‌دهم، اطمینان دارم و هرگز بر خلاف وجدانم کاری نکرده‌ام.

آثار بزرگ ادبی همواره در دوران ثبات کشورها خلق شده‌اند؛ نه در هنگامه‌ی تغییرات سریع و بنیادین.

همیشه ترس آن را داشته‌ام که قبل از آن که دستاوردهای ادبی‌ام به بار بنشیند، بمیرم. اما در سن ۳۰ و ۴۰ سالگی، دیدگاهم درباره‌ی مرگ عوض شد، مرگ یک حادثه‌ی طبیعی است؛ اما نه خط پایان؛ بلکه نقطه‌ی عطف زندگی هر انسان است.

مذهب، شالوده و بنیاد زندگی هر انسانی است.

ثروتمندی ازدواج نمود که دوام آن یک سال بیش نبود و مجدداً به فرانسه بازگشت.

«رنه شاتوبریان» اولین اثرش را در مورد زندگی سرخ‌پوستان امریکا نوشت که با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو گشت و از این راه به ثروت کلانی دست یافت.

بریان به سال ۱۸۱۱ عضو آکادمی علوم فرهنگستان فرانسه شد و سفرهای گوناگونی به فلسطین، اسپانیا، یونان و قسطنطنیه کرد و در بازگشت به فرانسه علیه ناپلئون به مبارزه پرداخت.

بعد از روی کار آمدن لویی هیجدهم در سال ۱۸۲۰ و ۱۸۲۱ وی به عنوان سفیر فرانسه در برلن و سپس به همین مقام در انگلستان برگزیده شد. او به سال ۱۸۲۴ به فرانسه بازگشت و به مقام وزیر امور خارجه منتخب گردید.

اشتهار شاتوبریان بیش‌تر به خاطر اشعار رومانتیک و نثر شاعرانه‌ی وی می‌باشد.

او از پیش‌قراولان سبک رمانتیسیم به شمار می‌رود، اما به نظر تاریخ‌نویسان و محققان، زمان و تمدن جلوتر از شاتو بریان بود.

از آثار مهم و برجسته‌ی وی می‌توان از:

«مناظرات پس از مرگ»، «موهبت آتشین مسیح»، «نبوغ مسیحیت» و «مسافرت به بیت‌المقدس» نام برد.

وی به سال ۱۸۴۸ در حالی که ۸۰ سال از زندگانی را پشت سر می‌نهاد، به ابدیت پیوست.

شهرت سویت بیش‌تر به خاطر دو اثر مهم او یعنی «جنگ کتاب‌ها» و «داستان یک تنگار» می‌باشد که از برجسته‌ترین آثار وی به شمار می‌رود.

وی به سال ۱۷۴۵ دیده از جهان فروبست و این در حالی بود که ۷۸ سال از عمرش می‌گذشت.



شاتوبریان، فرانسوارنه دو

(۱۷۶۸ - ۱۸۴۸ م)

این نویسنده و شاعر سخن‌سرای خیال‌انگیز فرانسوی به سال ۱۷۶۸ در «سن مالو» و در خانواده‌ی اشرافی چشم به جهان گشود. او سال ۱۷۹۱ در یک سفر اکتشافی به امریکا رفت.

شاتوبریان در امریکا با دختر هفده ساله‌ی

شا، در آثارش درد و آلام مردم را به خوبی به تصویر می‌کشد و با واقع‌بینی که همراه طنز و بذله‌گویی است، دست به خلق آثار جاویدانی زده است.

شیوه و متد اندیشه‌ی «شا» بر فلسفه‌ی تکامل استوار است و این برجستگی را می‌توان در ترتیب خلق آثارش به خوبی یافت نمود. از برجسته‌ترین آثار وی می‌توان از:

«بشر و فوق بشر»، «سنت جون»، «سزار و کلئوپاترا»، «جوهر اندیشه‌های ایبسن»، «پیر و شیطان»، «ژاندارک ورجاوند»، «اسلحه و بشر»، «کاندیدا»، «گاری سیب»، «کاروپیشه‌ی خانم وارن میچر باربارا»، «هارت برگ هوز» و ده‌ها اثر پر ارزش دیگر نام برد.

«برناردشا» در سال ۱۹۵۰ و هنگامی که ۹۴ بهار از زندگی پر ثمرش می‌گذشت، به جهان ابدیت پیوست.



شا، جورج برنارد (۱۸۵۶-۱۹۵۰ م)

«برناردشا» نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس معروف انگلیسی در سال ۱۸۵۶ در شهر دوبلین ایرلند و در خانواده‌ای تنگ‌دست به دنیا آمد.

پس از طی نمودن تحصیلات نیمه کاره‌اش، مشغول به کارهای مختلفی شد، تا این‌که در سال ۱۸۷۶ به روزنامه‌نگاری و نوشتن داستان در یک مجله پرداخت و از این راه چندین سال به‌طور گم‌نام امرار معاش نمود.

وی در نمایش‌نامه‌نویسی مهارت بیش‌تری از داستان‌نویسی داشت، بدین لحاظ اشتهاش با نمایش‌نامه‌ی «سلاح‌ها و انسان» بود که در امریکا روی صحنه رفت. سپس با کار دیگرش به نام «جزیره‌ی دیگر جان بول» به معروفیت بیش‌تری دست یافت.

نویسی و بازیگری روی آورد و سپس در مالکیت تئاتر «گلوب» شریک شد.

با رونق گرفتن تئاتر در سال ۱۵۹۴ که همراه با شروع اشتها شکسپیر بود، وی را به عنوان یکی از سه بازیگر مهم گروه بازیگران ملکه منتخب نمودند و او از آن پس به کار گسترده‌تری در نمایش‌نامه نویسی دست زد و به اوج شهرت رسید.

امروزه شکسپیر پدر نمایش‌نامه نویسی انگلستان لقب گرفته است. وی با استفاده از تاریخ رم باستان و کتاب «پلوتارخ» و به کارگیری نیروی اندیشه و خیال، زیباترین تراژدی‌ها را در سبک کلاسیک به تصویر می‌کشد.

او در آثارش علاوه بر تراژدی، به کمدی، رمان و تاریخ نظر وسیع داشت و به همین خاطر طیف علاقه‌مندان خود را در میدانی وسیع‌تر می‌یافت. او با تکیه بر احساسات و علایق قهرمانانش که به روشنی و وضوح بیان می‌گردید، فضای مناسبی را در زمینه‌ی آثارش فراهم آورد. اولین اثر وی داستان منظوم «ونوس و آدونیس» است که داستان «زهرة و منوچهر» ایرج میرزا هم از آن مقتبس شده است.

از درام‌های تاریخی وی می‌توان «پادشاه جوان» و «جولیوس سزار» را نام برد که تاریخ هانری ششم و ریچارد دوم را ترسیم می‌کند.

وی در نمایش‌نامه‌ی «هاملت» با دیدی فلسفی، ظرافتی خاص را جلوه‌گر می‌سازد و در «ماکبث» که جنبه‌ی اخلاقی دارد، جریان یک



شکسپیر، ویلیام (۱۵۶۴-۱۶۱۶ م)

«ویلیام شکسپیر» از نوابغ بزرگ عالم نمایش‌نامه نویسی، ادب و شعر در تاریخ ۱۵۶۴ در شهر «استرانفورد» انگلیس در یک خانواده‌ی کوچک و غیرسرشناس چشم بر گیتی گشود.

پدرش که مرد نسبتاً متمولی بود، به مزرعه‌داری و دام‌پروری روزگار می‌گذراند. او شکسپیر را به مدرسه‌ی دهکده فرستاد تا تحصیلات ابتدایی را در آن‌جا به اتمام رساند.

شکسپیر بعد از ورشکستگی پدر در سال ۱۵۷۷ به لندن رفت و به مشاغل مختلفی تن داد که می‌توان از نامه‌نویسی برای مردم، کارگری چاپخانه و نگه‌داری اسبان جلوی در تئاتر نام برد. وی از سال ۱۵۹۲ که به علت بیماری طاعون، فعالیت تئاترها کم شده بود به نمایش‌نامه



صفا، ذبیح‌الله (متولد ۱۲۹۰ هـ. ش)

دکتر ذبیح‌الله صفا در شه‌میرزاد سنگسر (نزدیک سمنان) چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات مقدماتی و متوسطه در رشته‌ی ادبیات فارسی، تحصیلات عالی‌ی خود را ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ موفق به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات فارسی شد و توانست در سمت ریاست دانشکده‌ی ادبیات تهران و عضو پیوسته‌ی فرهنگستان ایران مشغول به کار شود. از میان آثار ارزنده‌ی دکتر صفا می‌توان تاریخ ادبیات ایران (سه جلد) و گنج سخن را نام برد.

خیانت را در به‌دست آوردن قدرت به خوبی به تصویر می‌کشد.

آثار عشقی و احساسی وی را می‌توان در «رومنوژولیت» و «اتلو» دریافت که واقعاً از آثار جاودانه‌ی ادبیات کلاسیک جهان می‌باشند.

وی در سال ۱۶۱۱ از لندن به زادگاهش استرانفورد آمد و تا پایان عمر که در سال ۱۶۱۶ بود، آن جا ماند.

از برجسته‌ترین آثار دیگر وی می‌توان از: «رویای شب نیمه‌ی تابستان»، «شاه‌لیر»، «توفان»، «تاجر ونیزی»، «هیاهوی بسیار برای هیچ» نام برد.

وی به هنگام مرگ زودرس خود ۵۲ بهار را از زندگی‌اش پشت سر نهاده بود.



صور اسرافیل (۱۲۹۲-۱۳۲۶ ه. ق)

میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه‌ی صور اسرافیل از مبارزان سرسخت و طرفداران مشروطیت در ایران است. وی در نهضت مشروطیت فعالیت‌های زیادی کرد و عاقبت نیز در سوم تیر ماه ۱۳۲۶ با جمعی دیگر از وطن‌دوستان در باغ‌شاه تهران به وسیله‌ی قزاقان روسی به دار آویخته شد.



تصویر نمادین

صفا، شجاع‌الدین (متولد ۱۲۹۷ ه. ش)

شجاع‌الدین صفا از مشهورترین مترجمان معاصر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی را در پاریس به پایان رسانید. آثاری که او ترجمه کرده است، در عین سادگی بسیار سلیس و روان و زیبا می‌باشد. ترجمه‌های مهم او عبارتند از: بهشت گم‌شده، کمدی الهی، منتخبی از شاهکارهای شعر جهان، نغمه‌های ایرانی، دیوار شرقی، نغمه‌های شاعرانه، ترانه‌های بیلی تیس، بهترین اشعار آمریکایی، سایه‌ی ایام، شراب شیراز، جامه‌ی ارغوانی، کاندیدا، برف‌های کلیمانجارو، بنفشه‌های بهاری و نامه‌های گذشته.

هیئت جدید (ترجمه) هستند. او در بعضی از
جراید عصر خود مقالاتی نیز می‌نوشت.



عظاملک جوینی (۶۲۳-۶۸۱ ه.ق)

علاءالدین عظاملک بن محمد از رجال و مورخین ایرانی در قرن هفتم هجری قمری، مؤلف تاریخ جهانگشای که در سه مجلد از آثار بسیار ارزنده‌ی او راجع به ایلخانیان و جنگ‌های چنگیز و خوارزمشاهیان و مغولان می‌باشد. وی برادر خواجه شمس الدین جوینی صاحب دیوان می‌باشد. عظاملک جوینی از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و در دستگاه مغول راه یافت. در ۶۵۴ ه. ق که هلاکو به خراسان آمد، وی به خدمت او رسید و در جنگ‌های هلاکو با اسماعیلیان و خلیفه‌ی عباسی در بغداد همراه هلاکو بود. سه سال بعد به حکومت عراق و خوزستان منصوب



طالبوف (۱۲۵۰-۱۳۹۲ ه.ق)

میرزا عبدالرحیم از نویسندگان اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری در محله‌ی سرخاب تبریز متولد شد. پدر وی شیخ ابوطالب نجار بود، ولی به مقاطعه‌کاری روی آورده و توانست ثروتی تهیه نماید. وی در نوشته‌هایش مردم را با افکار آزادی‌خواهی آشنا نمود.

مردم آذربایجان در ابتدای مشروطیت وی را در دوره‌ی اول به نمایندگی خود برگزیدند ولی طالبوف به جهاتی و شاید به علت پیری از قبول آن خودداری نمود. از کتاب‌های او: پندنامه‌ی مارکوس (ترجمه)، رساله‌ای در فیزیک، نخبه‌ی سپهری (خلاصه‌ای از شرح حال حضرت رسول)، سفینه‌ی طالبی یا کتاب احمد، رساله‌ی

بیش‌ترین فن‌های عهد خود بوده است و علاوه بر نویسندگی به زبان‌های فارسی و دری و طبری شعر می‌سرود و قطعات و رباعیات متوسط از او باقی است. وی در انشا و عروض و موسیقی و نجوم نیز مهارت داشت.

عنصرالمعالی در کتاب خود پیرامون مباحث گوناگون گفت‌وگو می‌نماید. روش نگارش او نثر مرسل بوده که در قرن پنجم و ششم میلادی این چنین نثرهایی متداول بوده است.



تصویر نمادین

عوفی بخارایی (وفات ۶۳۰ ه. ق)

نورالدین (یا سدیدالدین) محمد بن محمد بخاری تذکره نویس مشهور ایرانی و از فضلای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ه. ق در بخارا چشم به جهان گشود.

عوفی در بخارا تحصیل کرد و سپس به

شد و بیش از ۲۰ سال در این مقام بود. در زمان اباقاخان، او و برادرش شمس‌الدین به سبب سعایت مجدالملک یزدی، گرفتار شدند. عظاملک چندی محبوس بود، ولی پس از جلوس تکوادر خان (۶۸۱ ه. ق) آزاد شد، و کمی بعد درگذشت. پیکر وی را به تبریز آورده و در آن‌جا به خاک سپردند. در اواخر عمر رساله‌ای فارسی به نام تسلیه‌الاکخوان در شرح آنچه در ایام اباقاخان بر او گذشته بود نوشت.



تصویر نمادین

عنصرالمعالی (۴۱۲-۴۹۲ ه. ق)

امیر عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار از امرای دانشمند خاندان زیاری است که کتاب قابوس‌نامه (نصیحت‌نامه یا پندنامه) را برای پسرش گیلان‌شاه تدوین نموده است. عنصرالمعالی مردی دانشمند و آگاه از



فاضل، جواد (وفات ۱۳۴۰ ه. ش)

جواد فاضل از مترجمان و نویسندگان معاصر در آمل چشم به جهان گشود. شهرت او زمانی شروع گردید که سخنان مولای متقیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) را ترجمه کرد و در نگارش و ترجمه‌ی این کتاب چنان شور و هیجانی به کار برد که اهل ذوق را به تحسین واداشت. از آثار او می‌توان ترجمه‌ی سخنان علی از نهج البلاغه، دختران پیغمبر سخن می‌گویند، صحیفه‌ی سجادیه و معصومین چهارده گانه را نام برد.

سمرقند رفت و به خدمت دربار سمرقند پیوست و در دیوان انشا مشغول به کار شد. سپس به خراسان، هرات، نیشابور و سیستان مسافرت نمود و به لاهور رفته و به خدمت عین‌الملک فخرالدین حسین، وزیر ملک ناصرالدین قباچه رسید و کتاب مشهور خود لباب الباب را به نام عین الملک تألیف نمود.

مدتی نیز منصب قضا داشت که در این مدت ترجمه‌ی فارسی کتاب الفرج بعدالشدّه را به پایان رساند.

کتاب معروف دیگرش به نام جوامع الحکایات را در دوران شمس‌الدین ایل‌منش تألیف نمود و آن را به نام وزیر وی نظام‌الملک محمدبن ابی سعد جنیدی نمود.

کتاب لباب‌الاباب وی در دو جلد راجع به شرح حال شعرای ایران تا اول قرن هفتم می‌باشد که در سال ۶۲۵ ه. ق آن را به پایان رساند. از تاریخ وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست ولی آنچه واضح است، وی تا سال ۶۳۰ ه. ق که جوامع الحکایات را تألیف نمود در قید حیات بود.

وی به سال ۱۹۳۵ برجسته‌ترین اثرش را به نام «خشم و هیاهو» که شاهکار ادبی وی محسوب می‌گردد، نوشت.

وی به سال ۱۹۴۹ موفق به دریافت جایزه‌ی ادبی نوبل گردید. از آثار برجسته‌ی وی می‌توان به: «روشنایی در ماه اوت»، «مزاحمی در غبار»، «این سیزده تا»، «نخل‌های وحشی»، «آهنگ عزرا برای راهبه»، «شکست‌ناپذیر» و «پاک‌دامنی» اشاره نمود.

فاکنر در سال ۱۹۶۲ چشم از جهان فرو بست.



فاکنر، ویلیام (۱۸۹۷-۱۹۶۲ م)

این نویسنده‌ی آمریکایی در سال ۱۸۹۷ در خانواده‌ای متوسط در شهر «اکسفورد» در جنوب امریکا متولد گردید.

وی از کودکی علاقه‌ای وافر به کتاب و مطالعه داشت و در این راه مطالعات آثار بزرگان ادب و هنر را سر لوحه‌ی کارش قرار داد. اما موفق به کسب تحصیلات زیادی نگردید. او در جوانی به داستان‌نویسی پرداخت و گاهی هم به شعر زمزمه‌هایی می‌کرد.

فاکنر اولین اثرش را در سال ۱۹۲۴ در «نیوآرلئان» به چاپ رسانید که موفقیتی برایش به همراه نداشت. آن‌گاه در سال ۱۹۲۹ به اکسفورد بازگشت و به نگارش داستان‌های کوتاه و مختلفی رو آورد.



فرانس، آنا تول (۱۸۴۴-۱۹۲۴ م)

«آنا تول فرانس» نویسنده‌ی فرانسوی در سال ۱۸۴۴ و در پاریس چشم به جهان گشود. پدرش فرانسوا مغازه‌ی کتاب‌فروشی داشت و او از

کودکی با کتاب و مطالعه آشنا گردید.

وی در به پایان بردن تحصیلات موفقیتی نداشت و از جوانی به امور ادبی و هنری پرداخت، به طوری که اولین اثر خود را در سال ۱۸۷۳ در یک مجموعه به نام «اشعار طلایی» نشر داد. این هنگامی بود که ۲۹ سال بیش از عمرش نمی‌گذشت.

او کلیه‌ی اطلاعات و معلوماتش را از طریق خواندن کتاب به دست می‌آورد و آن‌ها را در قالب آثار نظم و نثر ارایه می‌داد که باعث شهرت فراوانش می‌گردید.

آناتول فرانس در سال ۱۸۹۲ به عضویت فرهنگستان علوم فرانسه درآمد و تا آن زمان آثار بی‌شماری را به جهان ادب و هنر ارزانی داشته بود.

وی بعد از عضویت در فرهنگستان ادبی فرانسه نیز آثار چندی هم‌چون: «جنگ قرمز»، «عقاید ژرویم کوانا»، «تاریخ معاصر» و «آقای برژه در پاریس» را نگاشت و اندکی بعد با نوشتن مقالات و داستان‌های کوتاه در مورد وضعیت بشر در قرن بیستم وارد جهان سیاست گردید.

از دیگر آثار برجسته‌ی وی می‌توان:

«خدایان تشنه‌اند» (در مورد انقلاب فرانسه)، «بریان پزی ملکه‌ی سبا»، «باغ اپیگور»، «زندگی در آغوش گل‌ها»، «پیر کوچک» و «زندگی ژاندارک» را نام برد.

«آناتول فرانس» در سال ۱۹۲۴ و در ۸۰ سالگی چشم از جهان پریاھو بست.



فروزانفر، بدیع الزمان

(۱۲۷۸-۱۳۴۰ ه. ش)

محمدحسین، بدیع‌الزمان فروزانفر فرزند شیخ علی بشرویه‌ای خراسانی در بشرویه چشم به جهان گشود. برای تحصیل و تحقیق و تتبع در شعر و ادب و منطق و حکمت رهسپار مشهد شد و نزد ادیب نیشابور کسب معرفت نمود. سپس در دانشکده‌ی حقوق و دارالمعلمین مرکزی به تدریس پرداخت و پس از چندی با سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات تهران مشغول تدریس شد.

وی از اعضای دایم فرهنگستان ایران بود و ریاست دانشکده‌ی الهیات و علوم و معارف اسلامی دانشگاه تهران را به عهده داشت.

سخن و سخنوران، خلاصه‌ی مثنوی، فرهنگ

به ریاست مجلس نایل شود. او به غیر از وکالت مجلس، وظایف دیگری چون ریاست وزرای جامعه‌ی ملل و ریاست دیوان کیفر را بر عهده داشت و از اعضای دایمی فرهنگستان ایران بود. تاریخ مختصر ایران، حقوق سیاسی، تاریخ ملل شرق (ترجمه)، تاریخ فیزیک، آیین سخنوری، رساله‌ی اندیشه‌ی دور و دراز و بالاخره سیر حکمت در اروپا (در سه مجلد) از جمله تألیف‌های اوست که به دلیل نثر بسیار شیوا و محکم و استوارش مورد توجه دانش پژوهان و مخصوصاً علاقه‌مندان به فلسفه واقع شده است. هم‌چنین وی به تصحیح و حاشیه‌نویسی کتبی چون کلیات سعدی، خلاصه‌ی شاهنامه، منتخب شاهنامه، گزیده‌ی حافظ و رباعی‌های خیام پرداخته است.

تازی به فارسی، مأخذ قصص مثنوی، تصحیح فیه مافیه و معارف بهاء ولد از آثار اوست.



فروغی، محمدعلی (۱۲۵۰-۱۳۲۱ ه. ش)

محمدعلی فروغی ملقب به ذکاءالملک (دوم) پسر مرد دانشمند، شاعر و نویسنده؛ محمد حسین فروغی ملقب به ذکاءالملک اصفهانی از نویسندگان بزرگ معاصر می‌باشد. میرزا محمدعلی تحصیلات طب را در دارالفنون آغاز نمود، ولی پس از چندی آن را رها کرد و به تحصیل و مطالعه‌ی کتب حکمت و فلسفه پرداخت. پس از فراغت از تحصیل به تدریس فیزیک و زبان فرانسه پرداخت و به معلمی مدرسه‌ی سیاسی انتخاب شد و پس از فوت پدر ادیش به ریاست مدرسه‌ی سیاسی برگزیده شد. وی پس از چند سال وکیل مجلس شد و توانست

دوران کودکی و تحصیلات

ملا محسن چهارمین فرزند شاه مرتضی در دو سالگی پدر خود را از دست داد. از آن پس دایی و عمویش تعلیم و تربیت او و دیگر برادرانش را به عهده گرفتند. چون فیض از برادران خود باهوش‌تر بود، مقدمات علوم دینی و بخش‌هایی از آن را تا سن بلوغ در کاشان نزد عمو و دایی‌اش نورالدین محمد مشهور به حکیم و آخوند نورا (متوفای ۱۰۴۷ ق.) فراگرفت.

بیست ساله بود که با برادر بزرگش عبدالغفور برای ادامه‌ی تحصیل به اصفهان که در آن روزگار پایتخت کشور و مرکز تجمع علمای بزرگ و اساتید ماهر در رشته‌های مختلف علوم اسلامی بود، رهسپار گردید.

تألیفات

فیض کاشانی عمر خود را صرف تعلیم، تدریس و تألیف کرد. او پس از کسب معارف و استفاده‌ی علمی و معنوی از استادان بزرگ خود نوشتن کتاب و رساله را از هیجده سالگی آغاز نمود و در طی ۶۵ سال نزدیک به دویست جلد اثر نفیس در علوم و فنون مختلف تألیف کرد.

خدمت پر ارج ایشان در این آثار نسبت به ترویج مذهب شیعه با خدمات و زحمات مردان زیادی از عالمان دینی برابری می‌کند. فیض در فهرست‌های متعددی که خود نگاشته است، تعداد تألیفات را تا هشتاد جلد ذکر کرده و فرزندش علم‌الهدی تعداد آثار او را یکصد و سی



تصویر نمادین

فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷ هـ. ق.)

محمد مشهور به ملا محسن و ملقب به فیض در چهاردهم ماه صفر سال ۱۰۰۷ ق. در یکی از معروف‌ترین خاندان علم، عرفان و ادب، که سابقه‌ی درخشان آنان به حدود چهار قرن می‌رسد، در کاشان به دنیا آمد.

پدرش رضی‌الدین شاه مرتضی (۹۵۰-۱۰۰۹ ق) فقیه، متکلم، مفسر و ادیب در کاشان حوزه‌ی تدریس داشت.

مادر او زهرا خاتون (متوفای ۱۰۷۱ ق.) بانویی عالم و شاعر، دختر ضیاء‌العرفای رازی (از عالمان بزرگ شهر ری) بوده است. جد فیض، تاج‌الدین شاه محمود فرزند ملاعلی کاشانی، عالم و عارفی شاعر از ناموران زمان خویش در کاشان بود و در آن‌جا مدفون است.

اوست. از این آثار به سیر تطور افکار و اندیشه‌های او و زمانش پی می‌بریم.

ایشان در تمامی ابواب فقه چنانچه از کتاب فقهی روایی او مفاتیح الشرایع استفاده می‌شود نظراتی خاص دارد. یکی از فتاوا و نظریات مهم فیض که در موضوع غنا شهرت دارد بدین شرح است:

«فیض، به استناد روایاتی معتبر غنا (آواز خوانی) را در مجالس عروسی جایز و هم‌چنین در رساله‌ی «مشواق» خود غنا و خواندن اشعار دینی و اخلاقی را به صورت خوش برای ترویج روح مؤمنان جایز دانسته است. اما در همه‌ی آثارش با بیانی روشن مردم را از هر گونه استفاده‌ی باطل از غنا و لهو و لعب بر حذر داشته و گفته است: در عصر حکومت اموی و عباسیان که با ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام هم عصر بوده‌اند غنا به گونه‌ای مبتذل در دربار رواج داشت، به طوری که زنان مغنیه در مجالس خلفا و وزرا در میان مردان به لهو و لعب مشغول بودند و بدون شک این نوع غنا نمی‌توانسته مورد قبول پیشوایان بر حق امامیه باشد.

ملاحسن فیض در ۸۴ سالگی در کاشان بدرود حیات گفت و در قبرستانی که در زمان حیاتش زمین آن را خریداری و وقف نموده بود، به خاک سپرده شد. بر طبق وصیت ایشان، بر قبر وی سقف و سایبان ساخته نشده است ولی اهالی مسلمان آن دیار، هر صبح جمعه به «قبرستان فیض» رفته، با قرائت فاتحه و توسل به او، از روح

جلد نام برده است.

در این جا به چند تألیف مهم فیض که در علوم مختلف نگاشته شده اشاره می‌کنیم:

تفسیر صافی: از کتب معتبر در تفسیر قرآن است. فیض این تفسیر را در سال ۱۰۷۵ ق. با مطالع‌ی اکثر تفاسیر قرآن (از سنی و شیعه) نوشته و در ضمن بیان آیات، روایات معتبر و مستند شیعه را گردآورده است.

الوافی: محدث کاشانی برای نوشتن کتاب وافی چهار کتاب معتبر حدیث شیعه (کافی، تهذیب، استبصار، من لایحضره الفقیه) را در سال (۱۰۶۸ ق.) تنقیح و با حذف احادیث مکرر، آن را یک‌جا در اجزای متعدد جمع کرده است. پس از آن، فرزندش علم‌الهدی با نوشتن و افزودن یک جزء که شامل معرفی رجال حدیث، کشف رموز و... بود، آن را تکمیل کرده است. هم اکنون کتاب «الوافی» در مجلدات متعدد چاپ گردیده است.

المحجة البیضاء: فیض در سال ۱۰۴۶ ق. کتاب احیاء العلوم غزالی را تنقیح و تصحیح کرد و با استفاده از احادیث و روایات معتبر شیعه آن را شرح و تکمیل نمود. سپس در سال ۱۰۹۰ ق. المحجة را تلخیص و به نام «الحقایق» ارایه کرد.

آرا و اندیشه‌های فیض

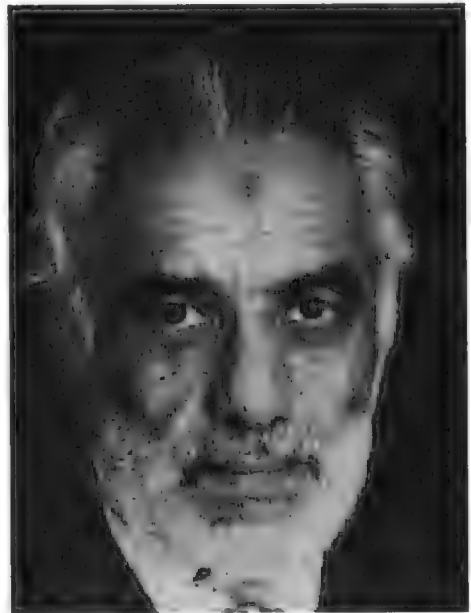
در لابه‌لای نوشته‌ها و گفته‌های فیض نظرات و آرای ویژه‌ای در مسایل فقهی، فلسفی و کلامی به چشم می‌خورد که گویای شخصیت واقعی

ملکوتی‌اش استمداد می‌کنند.



قزوینی، علامه‌ی (۱۲۵۴-۱۳۲۸ ه. ش)

علامه شیخ محمدبن عبدالوهاب قزوینی از ادبا و محققین و متبعان بزرگ معاصر و استاد مسلم زبان و ادبیات فارسی است. او سال‌ها در انگلستان، فرانسه و آلمان عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در کتب و نسخ خطی اسلامی نمود. او را بایستی از بزرگ‌ترین خدمت‌گزاران زبان و ادبیات فارسی معاصر دانست. در اثر عمل جراحی به بیماری قانقاریا دچار گشت که همان باعث مرگ وی در خرداد ماه سال ۱۳۲۸ شد.



قریب، میرزا عبدالعظیم

(۱۲۵۶-۱۳۴۴ ه. ش)

میرزا عبدالعظیم خان قریب فرزند مرحوم میرزا علی سررشته‌دار در قریه‌ی گرگان از توابع اراک چشم به جهان گشود. وی از استادان بزرگ و مسلم ادبیات فارسی است که بسیاری از دانشمندان و ادیبان و رجال کنونی کشور افتخار شاگردی او را داشتند. از میان تألیف‌های استاد دوره‌ی دستور زبان فارسی و تصحیح و تحشیه‌ی کتاب کلیله و دمنه بهرام‌شاهی را می‌توان نام برد. استاد قریب از اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان ایران بود.



کاظم زاده ایرانشهر، حسین

(۱۲۴۲-۱۳۴۰ ه. ش)

حسین کاظم زاده‌ی ایرانشهر فرزند حاج میرزا کاظم در شهر تبریز چشم به جهان گشود. ایرانشهر از دانشمندان و نویسندگان مشهور ایرانی است که در قصبه‌ی دگرس‌هایم ایالت سن گال سوئیس به تألیف و نگارش کتاب‌های گوناگون همت گماشت.

ایرانشهر به زبان‌های فرانسه و انگلیس و آلمانی تسلط داشت و مدت‌ها در دانشگاه کمبریج با سمت معاونت پرفسور ادوارد براون مستشرق معروف زبان فارسی تدریس می‌کرده است. او در برلن مجله‌ای ۱۶ صفحه‌ای را در ژوئن ۱۹۱۹ به نام مجله‌ی ایرانشهر منتشر نمود. اصول اساسی فن تربیت، راه نو در سیر نژاد



تصویر نمادین

قیس رازی، شمس (قرن هفتم ه. ق)

شمس‌الدین محمدبن قیس از فضلا و نویسندگان ایرانی قرن هفتم می‌باشد. او مدت درازی در ماوراءالنهر و خراسان و خوارزم اقامت داشت. در سال ۶۱۷، از ملازمان سلطان محمد خوارزمشاه بود که در خراسان و خوارزم اقامت داشت. پس از شکست از سپاه مغول او هم گریخت. وی در سال ۶۲۳ ه. ق با وخیم شدن اوضاع خوارزمشاهیان از عراق به فارس رفت و به خدمت اتابک سعدبن زنگی درآمد. تاریخ وفات وی به درستی معلوم نیست. مهم‌ترین اثر او کتاب العجم فی معائیر الاشعار العجم می‌باشد که به زبان دری می‌باشد و آن را به نام اتابک ابوبکر بن سعد نوشته است.

یاس‌آمیز داشت و به همه چیز با دیده‌ی یأس و عبث می‌نگریست. وی پس از فارغ‌التحصیلی مسدتی به شغل‌های اداری پرداخت اما روح کنجکاو بدبینانه، او را بر آن داشت تا دست به قلم ببرد.

کافکا پس از نوشتن چند کتاب به خلق برجسته‌ترین اثر خود در سال ۱۹۱۶ به نام «مسخ» دست زد. محور و موضوع این کتاب، داستان مردی است که پس از بیداری خود را شبیه یک حشره‌ی بزرگ می‌یابد و افکارش در محیطی مالمیخولیایی دست به خلق حوادثی می‌زند.

بدبینی فوق‌العاده و جهان‌بینی پوچ و زجرآورش وی را نویسنده‌ای پیچیده و وهم‌دار جلوه‌گر ساخته است؛ هر چند که روان و سلیس می‌نویسد اما موضوعاتش در استتار، کنایه و شک و ابهام است.

او به اندیشه و اعتقاد دیگران همواره به دیده‌ی تمسخر و ریشخند می‌نگرد و پوچی مرام‌شان را جلوه‌گر می‌سازد.

در سال ۱۹۲۴ کافکا در پایان عمر که همواره با بیماری عجین بود در اوج آن به بستر مرگ رفت و در اثر گرفتاری به بیماری سل دنیای پر وحشت و پوچ خود را یک باره طلاق گفت.

از دیگر آثار وی می‌توان به:

«قصر دادخواست»، «گروه محکومین» و «فتوا» اشاره نمود.

نو، راه نو در تعلیم و تربیت، رهبر نژادنو، شرح زندگانی زرتشت، شرح زندگانی پیامبر اسلام، شرح حال و آثار مولانا، اسرار هبوط، آدم و حوا، قصه‌ی بهشت و کیمیای حقیقی از آثار ایرانشهر می‌باشد.



کافکا، فرانز (۱۸۸۳-۱۹۲۴ م)

«فرانز کافکا» نویسنده و سنبل بدبینی و فلسفه‌ی پوچی در سال ۱۸۸۳ در شهر «پراگ» چک‌اسلوواکی دیده به جهان گشود.

پدر و مادر یهودی وی، فرانز را به مدرسه فرستادند و این نوجوان با استعداد پس از طی نمودن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به دانشگاه راه یافت، تا مدارج عالی دکترای حقوق خود را با موفقیت طی نماید.

او از همان اوان کودکی ذهنی کنجکاو ولی

او اولین اثر خود به نام «جشن‌ها» را در سال ۱۹۳۸ منتشر کرد و در کنار آن به خلق آثار دیگری نیز تلاش نمود.

در این هنگام شروع مبارزات روشن‌فکران علیه ظلم بر بشریت در فرانسه اوج گرفته بود و روشن‌فکران بی‌شماری با عقاید گوناگون در صف واحد علیه فاشیسم و ظلم قدرت‌های سلطه‌گر به مبارزه پرداختند که «کامو» یکی از آنان به حساب می‌آمد.

وی در سال ۱۹۴۷ بعد از نوشتن آثاری چون «طاعون»، «افسانه‌های میزیف» و «بیگانه» موفقیت‌های بزرگی را برای خود رقم زد که از آن جمله دریافت جایزه‌ی بزرگ ادبی نوبل در سال ۱۹۵۷ و جایزه‌ی بزرگ «کریستیک» را می‌توان نام برد.

کامو در سال ۱۹۶۰ در یک حادثه‌ی رانندگی جان خود را باخت.



کامو، آلبرت (۱۹۱۳-۱۹۶۰ م)

«آلبرت کامو» نویسنده‌ی بزرگ و نام‌آور قرن اخیر در سال ۱۹۱۳ در خانه‌ی فقیر و روستایی در شهر «مون‌دوی» الجزایر به دنیا آمد.

پدرش کشاورز فرانسوی و مادرش اهل کشور اسپانیا بود. چند سال پس از تولد «کامو» پدرش در یک حادثه جان خود را باخت و کامو از شدت تألمات روحی این حادثه دچار ناراحتی‌های روانی شدیدی گشت.

از طرف دیگر تنگ‌دستی، وی را بر آن داشت که در کنار تحصیل به کار نیز بپردازد. وی پس از پایان تحصیلات به دانشگاه راه یافت و در رشته‌ی فلسفه به بررسی و کسب علم مشغول گردید؛ اما در راه تحصیل با بیماری سل روبه‌رو گردید که وی ناچار از ادامه تحصیل بازماند.

جنایت‌های آن‌ها برداشت.

البته کریم‌پور شاعری نام‌آور بود که از میان اشعار زیبای وی، نوای انقلاب، مکتب عشق و گل عشق را می‌توان نام برد:

ساز کن مردانه ای مطرب نوای انقلاب
تا که افتد بر سر مردان هوای انقلاب
از نسوای زاری این بینوایان خسته‌ام
ساز کن ای جنگی پردل نوای انقلاب
سر به زیر افکنده از بیچارگی تا چند چند
هان زجا برخیز و بفکن سر به پای انقلاب
هر چه گفתי ای... آسمان سودی نکرد
زین سپس باید بگویی ای فدای انقلاب
ترس و ذلت ملت بیچاره را از پا فکند
نقشه‌ای باید کشیدن از برای انقلاب
داروی صبر و شکیبایی نمی‌بخشد اثر

درد ما را نیست درمان جز دواي انقلاب
کاخ این خون‌خوارگان را واژگون بایست کرد
ریختن باید ز نو از خون بنای انقلاب
امیر مختار کریم‌پور شیرازی روزنامه‌نگار
شجاع سال‌های میان ۲۹-۳۲ به راهی می‌رفت که
قبلاً توسط محمد مسعود مدیر روزنامه‌ی "مرد
امروز" پی‌ریخته شده بود. قلمش بی‌پروا،
رسواکننده و افشاگر بود که صبح هر دوشنبه تن
خائنین و چپاول‌گران و بند و بست‌چی‌های
سیاسی را می‌لرزاند و چشم واقع بین ملت را به
حقایق امور می‌گشود. در قاموس او ترس و
واهمه معنا و مفهومی نداشت؛ او با تنها حربه‌اش
یعنی قلم به جنگ خدایان زور و قدرت می‌رفت



کریم‌پور شیرازی، امیر مختار

(۱۳۰۰-۱۳۳۳ ه. ش)

امیر مختار کریم‌پور متخلص به شورش فرزند
امیر قدمعلی از دودمان کریم‌خان زند در فسا از
شهرستان‌های فارس به دنیا پا نهاد. او علوم
ابتدایی و متوسطه را در شیراز و تهران به پایان
رسانید و به اخذ گواهی‌نامه توفیق یافت. در سال
۱۳۲۷ شمسی وارد دانشکده‌ی حقوق گردید و
به تحصیل ادامه داد، لکن بر اثر سخنرانی‌هایی که
درباره‌ی قتل محمد مسعود ایراد کرد، به دستور
مقامات دولتی مدت یک سال از دانشکده اخراج
شد. کریم‌پور در سال ۱۳۲۹ شمسی امتیاز
روزنامه‌ای به نام شورش را گرفت و به نشر آن
پرداخت و مقالات افشاگرانه‌ای ضد دربار و فساد
آن دستگاه نوشت و پرده از روی پلیدی‌ها و

برنده‌تر می‌شود و بی‌محابا دربار را که با نهضت ملی مردم و دکتر مصدق مخالفت می‌ورزد، هدف قرار می‌دهد و در یکی دیگر از نوشته‌هایش پیشنهاد مصادره‌ی اموال خاندان سلطنتی را می‌دهد و...

عاقبت، کریم‌پور شیرازی مدیر روزنامه‌ی شورش به جرم وطن‌پرستی و مبارزات ضد استعمارش به شهادت رسید. او را بدون محاکمه به دستور شاهپور غلامرضا و اشرف پهلوی برادر و خواهر شاه سابق و به‌دست دژخیمان زندان قصر آتش زدند و از قفا هدف رگبار گلوله قرار داده و شهید کردند.



گورکی، ماکسیم (۱۸۶۹-۱۹۳۶ م)

«الکسی پشکوف» ملقب به ماکسیم گورکی نویسنده‌ی خلاق و روسی به سال ۱۸۶۹ و در

و از افشای خیانت‌ها و دسیسه‌چینی‌های پشت پرده نمی‌هراسید. او به‌خوبی می‌دانست که با این کارش دست به نوعی انتحار می‌زند و همیشه هم می‌گفت که عاقبت به سرنوشت محمد مسعود می‌رسم. با این حال لحظه‌ای درنگ را جایز نمی‌دانست. او شورش را با رنگ قرمز چاپ می‌کرد که نشانی از خون باشد و در بالای صفحه‌ی اول همیشه این گفته‌ی علی‌الحق را می‌نوشت: پیکار کنید؛ بگذارید به جای لکه‌ی مذلت، دامن کفن شما آغشته به خون باشد. پیکار کنید که مرگ شرافت‌مندانه از زندگی ننگین ستوده‌تر است.

او گوشه‌ای دیگر از بالای صفحه‌ی اول روزنامه‌ی خود را با این گفته از حقوق بشر زینت می‌داد: وقتی که حکومت حقوق ملت را نقض می‌کند، شورش و انقلاب برای ملت و برای هر دسته از ملت مقدس‌ترین و ناگزیرترین وظایف است.

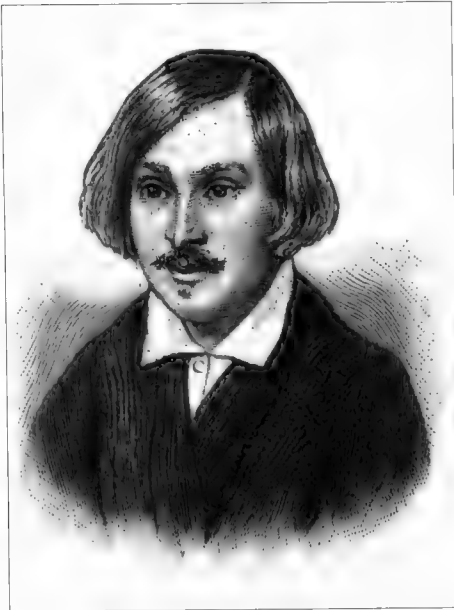
نخستین شماره‌ی شورش در ۲۳ بهمن سال ۲۹ انتشار یافت. کریم‌پور شیرازی از همان ابتدا با نوشتن سرمقاله‌ای تحت عنوان «من ملت ایران را به شورش و انقلاب خونین دعوت می‌کنم.» جهت مبارزه و ایده‌اش را روشن ساخت.

کریم‌پور شیرازی علاوه بر دارا بودن قلم تند و تیز، قریحه‌ی نابی هم برای شاعری داشت و گاهی هم به مناسبت، شعر می‌گفت. بیش‌تر اشعارش مردمی و سیاسی و انتقادی بود. پس از قیام سی تیر، قلم و حملات او تیزتر و

احساس و تلقیات خود را نیز به خوانندگان
آثارش انتقال می‌دهد.

وی اثر برجسته‌ی خود را به نام «مادر» در
سال ۱۹۰۵ خلق می‌نماید که در همین سال هم
دوباره دستگیر شده و در قلعه‌ی «پاولوف» زندانی
می‌شود.

این نویسنده در سال ۱۹۳۶ در سن ۶۸
سالگی رهسپار دیار ابدیت گردید و جنازه‌اش را
سوزانیدند و خاکسترش را در کنار قبر لنین به
خاک سپردند.



گوگول، نیکلای (۱۸۰۹-۱۸۵۲ م)

«نیکلای گوگول» نویسنده و درام نویس شهیر
روسیه در سال ۱۸۰۹ در منطقه‌ی اوکراین و در
خانواده‌ای متوسط پا به عرصه‌ی هستی پهن‌اور
نهاد.

خانواده‌ی گم‌نام چشم بر هستی گشود.

او به همراه پدرش که در کارخانه‌ی کشتی
سازی مشغول به کار بود و مادرش «کاترین»
زندگی محقرانه‌ای را دارا بودند؛ بدین خاطر
گورکی تحصیلات زیادی نکرد و خیلی زود وارد
بازار کار گردید. حرفه‌هایی چون شاگرد نانواپی،
کفاشی، دالان‌داری، باربری و مدتی کار در
راه‌آهن را برگزید و به خاطر مساعد نبودن آن‌ها
مجبور به ترک شهر و دیار خود شد.

اما وی همواره علاقه‌ی وافری به ادبیات و
کتاب و مطالعه داشت و از هر فرصتی که پیش
می‌آمد جهت باروری فکری خود استفاده
می‌نمود.

او در سال ۱۸۹۲ نخستین اثر خود را به نام
«کارچودرا» منتشر می‌نماید که موفقیتی نسبی
برای وی به همراه می‌آورد.

سپس در سال ۱۸۹۸ کتاب‌های «داستان‌ها» و
«آثار» را منتشر می‌نماید که مورد توجه اهل فن و
جامعه قرار می‌گیرد. گرایش‌ات سیاسی اجتماعی
در وی منجر به دستگیری‌اش به جرم فعالیت‌های
ضد حکومتی و به زندان رفتن او در همین سال
می‌گردد. پس از آزادی، وی را تبعید کردند که در
تبعید نمایش‌نامه‌ی معروف «اعماق اجتماع» را
می‌نویسد.

قهرمانانش اکثر از طبقه‌ی کارگر و زحمت‌کش
روسیه می‌باشند که او به نقاشی روحیات، کردار و
زندگی آنان می‌پردازد. گورکی بنیان‌گذار نوعی از
«رنالیسم ادبی» می‌باشد که علاوه بر واقع‌گرایی،



لندن، جک (۱۸۷۶-۱۹۱۶ م)

این نویسنده‌ی توانا و پرکار آمریکایی در سال ۱۸۷۶ در شهر سانفرانسیسکو از خانواده‌ی گم‌نام پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

پدرش شکارچی و چوپان دام‌ها بود. جک به علت شرایط خاص خانوادگی و اجتماعی آن روز آمریکا نتوانست درس زیادی بخواند و مجبور بود به کار پردازد. شروع زندگی کارگری وی خیلی زود بود و مدتی به کارهای طاقت‌فرسا پرداخت و حتی چند بار به زندان افتاد.

در سال ۱۸۹۵ و در اثر آشنایی و علاقه‌مندی به کتاب، مسیر زندگی‌اش دگرگون گردید. از آن پس به تحصیل پرداخت تا این‌که به دانشگاه راه یافت و بعد از آن به نویسندگی روی آورد. بیش‌تر آثارش منبعث از سرگذشت زندگی پرماجرا و

از کودکی علاقه‌ی شدیدی به هنر و ادبیات داشت اما نتوانست تحصیلات زیادی را انجام دهد؛ لذا بلافاصله وارد کار و زار زندگی گردید و تجارب فراوانی اندوخت.

مدتی به شغل کارمندی مشغول بود و پس از آن به سال ۱۸۲۹ به شهر «پترزبورگ» رفت و در آن‌جا به کار نوشتن اشتغال ورزید. اولین اثر خود را به سال ۱۸۳۱ به نام «شب‌نشینی‌ها در مزرعه» منتشر ساخت که مورد استقبال قرار نگرفت.

آثار شاخص دیگر وی عبارتند از:

«پادداشت‌های روزانه‌ی یک نفر دیوانه»، «پالتو»، «منازعه‌ی ایوان ایوانیچ»، «تصویر»، «مالکین عصر گذشته»، «بازرس کل»، «بازار مکاره» و «تاراس بولبا»

قلم این نویسنده‌ی بزرگ در سال ۱۸۵۲ از کار افتاد و دیگر نتوانست به خلق اثر پردازد؛ زیرا به دیدار معبود خویش شتافت و این در حالی بود که فقط ۴۳ بهار از عمرش را پشت سر می‌نهاد.



مان، توماس (۱۸۷۵-۱۹۵۵ م)

«توماس مان» بزرگ‌ترین داستان‌سرای آلمانی در سال ۱۸۷۵ در یک خانواده‌ی مهم و سرشناس و در شهر «لویک» با به حیات دنیوی گذارد.

پدرش سیاست‌مدار و مادرش هنرمندی با هوش بود. او پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه (که در آن شاگرد فوق‌العاده و بسیار موفقی نبود) مدتی در یک مؤسسه‌ی بیمه مشغول به کار گردید و از این راه امرار معاش نمود.

«مان» اولین نوول خود را در سال ۱۹۰۱ به نام «بادنبروکس» نشر داد که زندگی یک خانواده‌ی آلمانی را طی نسل‌های متمادی به خوبی به تصویر کشیده است. او سپس دست به نگارش چندین اثر برجسته زد که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب «مرگ درونیز» در سال ۱۹۱۳ و

متلاطم خود او می‌باشد؛ به‌طوری که این آثار مملو از حوادث و ماجراجویی است.

نحوه‌ی نگارش و سبک او خوشایند شخصیت‌های برجسته و مطبوعات امریکایی نبود؛ زیرا او تصویرگر آنچه می‌دید بود و پلیدی‌ها و نابکاری‌ها را با همان ابعاد گسترده‌اش در آن جامعه به نقاشی می‌کشید؛ به همین سبب وی را انسانی ماجراجو و ستیزه‌جو جلوه دادند و این مبارزه علیه وی تا دم مرگش ادامه داشت و حتی تاریخ ادبیات امریکا او را جزو نویسندگان مکتوب خود نیاورد.

او علاوه بر روحیات انسانی، در احساسات روانی حیوانات نیز مجرب بود و آثاری چون «سپید دندان» و «ندای جنگل» در همین زمینه می‌باشد. آثار برجسته و شاخص وی را: «عشق زندگی»، «خاموشی سپید»، «گرگ دریا»، «دوزخیان»، «مارتین ایدن»، «پاشنه آهنین»، «گرگ شکلاتی»، «جای پای خورشید»، «مسکن یک روزه»، «آوای وحش» و ده‌ها اثر دیگر تشکیل می‌دهد.

این نویسنده‌ی جنجال‌برانگیز در سال ۱۹۱۶ و در حالی که ۴۱ سال از عمر پرثمرش می‌گذشت، چشم از دنیای اطراف خود بست و به دیار ابدیت پیوست.



مترلینگ، موریس (۱۸۶۳-۱۹۴۹ م)

«موریس مترلینگ» نویسنده، شاعر، محقق و درام نویس بلژیکی در سال ۱۸۶۳ در شهر «کان» پا به پهنه‌ی گیتی نهاد.

وی تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی «سن بارب» به پایان برد و جهت فراگیری رشته‌ی حقوق، فلسفه و حشره‌شناسی وارد دستگاه گردید و مدارج آن را با موفقیت پشت سر نهاد و پس از فارغ التحصیلی به سال ۱۸۸۴ به عضویت کانون وکلای دادگستری شهر کان درآمد و بعد به ریاست این کانون رسید.

مرگ پدر اثر عجیبی در وی گذارد و عاملی گشت که غور او را در فلسفه‌ی هستی و حیات زیاد نماید و از آن پس شروع به نوشتن نمایش‌نامه کرد.

کتاب «کوه سحرآمیز» در سال ۱۹۲۴ اشاره نمود. این آثار برای وی شهرت فراوانی به ارمغان آورد. او در سال ۱۹۲۴ یعنی ۱۲ سال بعد، برای اثر شاخص خود به نام «کوه جادویی» به دریافت جایزه‌ی نوبل نایل آمد.

او در آن‌جا نیز به مبارزه علیه نژادپرستی‌های هیتلر و نازیسم دست زد و آثار ارزنده‌ای از خود به‌جای گذارد که می‌توان از آثار آن دوره به کتاب‌های: «دربار‌های پیروزی‌های آینده‌ی دمکراسی»، «در مسأله‌ی آزادی»، «سرهای آشفته» و «فاوست» اشاره نمود.

وی علاوه بر نویسندگی متفکری فلسفی بود و اندیشه‌های خود را متأثر از «نیچه» و «شوپنهاور» می‌دانست. وی نویسنده‌ای «رنالیست» بود که با تکیه بر جنبه‌های روان‌شناسی و روان‌کاوی در آثار خود به تجزیه و تحلیل اندیشه و روحیات و گرایش‌ات قهرمانانش به تصویرگری می‌نشیند.

غروب خورشید عمرش در سال ۱۹۵۵ و هنگامی که ۷۰ بهار از عمرش می‌گذشت، اتفاق افتاد.



تصویر نمادین

محمد بن منور (قرن ششم ه.ق)

محمد بن منور بن شیخ الاسلام ابی سعد از نوادگان ابوسعید ابوالخیر است. او مطالبی را که شیوخ و پیران خاندان و مریدان شیخ ابوسعید و دیگران درباره‌ی شیخ گردآورده بودند، به هم پیوست و کتاب اسرارالتوحید را که بسیار فصیح و نفس و ساده و روان و به زبان فارسی است تألیف کرد. سال تألیف این کتاب را ۵۸۰ هجری نوشته‌اند.

«مترلینگ» در اوج محبوبیت و شهرت در سال ۱۹۲۰ به امریکا رفت و تا پایان جنگ دوم جهانی و اشغال بلژیک توسط هیتلر در سال ۱۹۴۰ در امریکا ماند.

وی شاهکار نمایش‌نامه نویسی خود را در سال ۱۹۰۷ به نام «پرنده‌ی آبی» به قلم کشید که در کم‌ترین مدت به چندین زبان ترجمه گشت. حال دیگر او در اوج شهرت بود و پادشاه بلژیک به وی لقب اشرافی «کنت» را داده بود و پادشاه انگلستان کاخی را برای وی در آن‌جا ساخت.

او به شیوه‌ی سمبولیست‌ها اشعار خود را می‌سرود و ترجمه‌هایش جزو شاهکارهای جاویدان ادبیات فرانسه محسوب می‌گردد. او آثار زیادی از خود به جای گذارد که می‌توان به: «موناوانا»، «مورچگان»، «دیوان شعر»، «موریانه» و «زنبور عسل» اشاره نمود.

وی در سال ۱۹۴۹ در سن ۸۷ سالگی در اثر سکته‌ی قلبی جان به جان آفرین تسلیم نمود.



تصویر نمادین

مشکان، ابونصر (وفات ۴۳۱ ه.ق)

ابونصر منصورین مشکان، صاحب دیوان سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی بوده و از رجال معروف و از نویسندگان قرن پنجم هجری است. وی در دربار مسعود غزنوی مقام داشت و ابوالفضل بیهقی او را استاد خود خوانده و فضایل او را می ستاید. ابوالفضل بیهقی آنچه را از مشکان شنیده بود در کتابی به نام مقامات ابونصر مشکان گرد آورد که امروزه فقط قسمت هایی از آن در دست است.



تصویر نمادین

مستوفی، حمدالله (۶۸۰ - ۷۵۰ ه.ق)

شاعر و مورخ و جغرافی نویسنده ایران در قرن هشتم هجری قمری بود که در شهر قزوین متولد شد. افراد خاندانش غالباً مستوفیان و متصدیان امور دیوانی بوده اند. خود وی نیز با خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر هم صحبت بوده و از جانب او متصدی مالیات قزوین، زنجان، ابهر و... گردید. از آثار او سه کتاب باقی مانده است: تاریخ گزیده که در سال ۷۳۰ هجری قمری به اتمام رسانده و به نام خواجه رشیدالدین نمود. اثر دیگرش ظفرنامه که تاریخ منظومی به وزن شاهنامه می باشد و در سال ۷۳۵ تکمیل گردید. نزهةالقلوب کتاب دیگری است که در هیأت و جغرافیا به فارسی در سال ۷۴۰ توسط وی نوشته شده است.



معری، ابوالعلا (۳۶۳-۴۴۹ ه.ق)

وی در معره از شهرهای سوریه‌ی فعلی به دنیا آمد. در چهارده سالگی بر اثر بیماری آبله نابینا شد. وی مدتی در بغداد بود و در سال ۳۹۹ هجری به معره بازگشت و شروع به نگاشتن آثار خود نمود. وی تحصیلات مقدماتی را در معره و حلب فرا گرفت و از علمای ممتاز زمان خود گردید. او به تبعیت از برخی فلاسفه‌ی یونانی مدت ۴۵ سال از خوردن گوشت امتناع ورزید و گیاه‌خواری پیشه ساخت. از فلاسفه و علمای به نام خصوصاً در صرف و نحو و لغت بود، از آثار او می‌توان: لزوم مالایلم - سقط الزند - الایک والعضون - لامع و غیث الولید را نام برد.



تصویر نمادین

مشیرالدوله (۱۲۵۲-۱۳۱۴ ه.ش)

مشیرالدوله حسن بن نصرالله پیرنیا فرزند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله از دانشمندان و مورخان معاصر ایران است. وی برای تحصیل به مسکو رفت و به تحصیل حقوق پرداخت. پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت نمود و در وزارت خارجه مشغول به کار شد و پس از مدتی ریاست وزارت امور خارجه را عهده‌دار شد. وی توانست چندین دوره به وکالت مجلس و هم‌چنین به مقام نخست‌وزیری برسد. از جمله آثار او تاریخ ایران باستان در سه جلد، داستان‌های ایران قدیم و حقوق بین‌الملل می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. آرامگاه او در امام‌زاده صالح تجریش در مقبره‌ی خانواده‌ی پیرنیا واقع است.

وی در آثارش با تبحر و چیره‌دستی به بروز نفرت خویش از دنیای پست و دون اطراف خود می‌پردازد و از زنان بی‌اراده که عروسک دست گردانی بیش نیستند بیزاری می‌جوید و با قلم قوی خود به پردازش اخلاق و رفتار و ویژگی‌های قهرمانانش رو می‌آورد.

از آثار برجسته‌ی وی می‌توان به: «تسخیرناپذیر»، «ماه و شش پنی»، «درخت کازووا رنیا»، «خانه‌ی ییلاقی»، «ارض موعود» و «لبه‌ی تیغ» اشاره نمود. «موام» در سال ۱۹۶۵ درگذشت.



موام، ویلیام سامرست (۱۸۷۴-۱۹۶۵ م)

«سامرست موام» نویسنده‌ی توانا و ادیب انگلیسی در سال ۱۸۷۴ در شهر پاریس چشم به جهان گشود. وی هنگام تحصیلات مقدماتی پدرش را از دست داد و سرپرستی او را عموی کشیش وی بر عهده گرفت.

او در سال ۱۸۹۴ اولین اثر خود به نام «لیزامت لامبس» را که نقاشی‌ای از محرومیت و رنج و درد مردم انگلیس بود، به رشته‌ی تحریر درآورد.

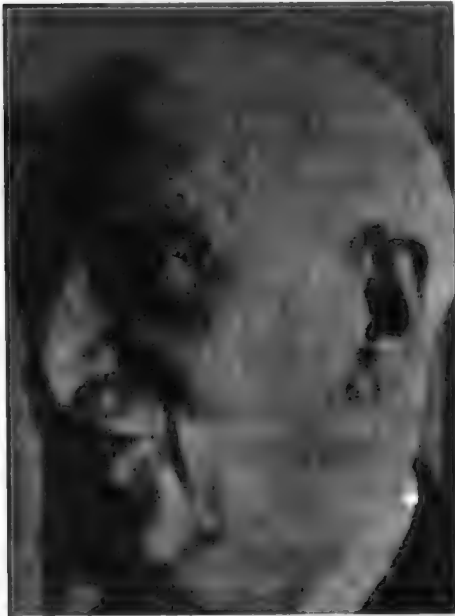
او در جنگ جهانی مدتی به عنوان عضو صلیب سرخ و اداره‌ی جاسوسی مشغول به کار شد؛ آن‌گاه به منظور آشنایی با ملل دیگر سفری طولانی به دور اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی انجام داد.



موپاسان، گی دو (۱۸۵۰-۱۸۹۳ م)

این نویسنده‌ی شهیر فرانسوی در سال ۱۸۵۰ در شهر «میرومانسیل» در خانواده‌ای مرفه پا به جهان پنهانور نهاد.

تشکیل می‌دهد. این نویسنده‌ی قهار در اوج بیماری مرموز روانی، در سال ۱۸۹۳ چشم از جهان فروبست و این در حالی بود که فقط ۴۳ سال از عمرش را پشت سر می‌نهاد.



مورو، آندره (۱۸۹۲-۱۹۶۷ م)

«آندره مورو» از نویسندگان برجسته و محققان نامی فرانسوی می‌باشد که در سال ۱۸۹۲ در خانواده‌ای مهم و سرشناس چشم بر گیتی گشود. آندره مورو پس از تحصیلات مقدماتی و دبیرستانی به دانشگاه راه یافت و به فراگیری رشته‌ی پزشکی مبادرت ورزید و مدارج آن را با موفقیت به پایان برد.

او هر دو جنگ جهانی اول و دوم را تجربه کرد و شرکت وی در آن، اندوخته‌های بزرگی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی و اجتماعی به وی داد.

وی کودکی درون‌گرا بود و کم‌تر با کسی هم‌بازی می‌گردید. او پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و دبیرستانی در وزارت دریاداری و فرهنگ فرانسه به خدمت مشغول گردید و پس از چندی در سال ۱۸۸۰ کار روزنامه نگاری خود را شروع نمود.

«موپاسان» ابتدا چند مجموعه شعر منتشر نمود. آن‌گاه داستان معروف «گل‌وله‌ی پی» را نگاشت که این اثر اولیه برای او شهرت و آوازه‌ای در فرانسه به ارمغان آورد.

«موپاسان» هم‌چون نویسندگانی مثل «داستا یوفسکی»، «وان کوک»، «هدایت» و «نیچه» می‌ماند که همه چیز را با خود در تطابق نمی‌بینند، آن‌ها تنها زندگی می‌کنند و به تمامی مراودات پوزخند می‌زنند، و بالاخره در پایان مجنون شده و از جهان در می‌گذرند.

او از بزرگ‌ترین نویسندگان «ناتورالیست» قرن نوزدهم فرانسه محسوب می‌گردد و در آثارش بیش‌تر به تصویرگیری احساسات و حالت‌های روانی خود پرداخته است.

او نیروی شگرفی در نقاشی سرشت‌ها و نمودار کردن نقش‌ها و حالات دارد و بدین لحاظ توانایی کم‌نظیری به خرج می‌دهد. از داستان‌های برجسته و ارزشمند وی می‌توان به: «یک زندگی»، «داستان یک دختر»، «روستایی نیرومند»، «هم‌چون مرگ»، «بول دولسویف» و کتاب دهشتناک «هورلا» اشاره نمود. نمایش‌نامه‌های کم‌دی وی را: «صلح در خانه» و «موزوت»



مولیر، ژان باپتیست (۱۶۲۲-۱۶۷۳ م)

«مولیر» نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس کمیک فرانسوی در سال ۱۶۲۲ در خانواده‌ای سرشناس و متمول چشم بر گیتی گشود.

پدرش بازرگانی بود که در دبار «لویی سیزدهم» منزلتی خاص داشت. «مولیر» ابتدا تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در آموزشگاه و بعد نزد پدر فرا گرفت و جهت فراگیری رشته‌ی حقوق به دانشگاه راه یافت.

او تماشاخانه‌ای تأسیس نمود که خود نیز بازیگر آن بود ولی این کار با ورشکستگی همراه گردید و طلب کاران، وی را به زندان انداختند.

«مولیر» پس از آزادی از زندان، به توصیه و تشویق «لویی چهاردهم» دوباره به زندگی هنری برگشت و به همراه گروهی از بازیگران هم

آن‌گاه از حرفه‌ی پزشکی روی برتافت و به ادب و هنر پرداخت.

او همت خود را در نوشتن بیوگرافی شخصیت‌ها به کار برد و از این راه به شهرت فراوانی رسید.

وی مدتی به کاوش و تحقیق در ادبیات و تاریخ پرداخت و بالاخص در فرهنگ و تاریخ انگلستان همتی والا نهاد و سپس به «عضویت فرهنگستان ادبی» برگزیده شد.

وی در کاوش‌های تاریخی و بررسی‌های ادبی، شیوه‌ای علمی و جذاب دارد و نظریات او جملگی بر پایه‌ی مطالعه و تجربه و تحقیق استوار است.

از آثار برجسته و شاخص وی در زمینه‌ی تحقیق تاریخی می‌توان از:

«تاریخ انگلستان و خاموشی‌های کلنل برامبل»، «تاریخ آمریکا»، «مطالعات انگلیسی» و «بیانات دکترا و گرادی» نام برد.

این محقق و نویسنده‌ی برجسته در سال ۱۹۶۷ به هنگامی که ۷۵ سال از عمر پرثمرش را پشت سر می‌نهاد، چشم بر حیات خویش فرو بست.



تصویر نمادین

میبیدی (نیمه‌ی نخست قرن ششم ه.ق)

ابوالفضل رشیدالدین المیبیدی که اثر معروف او کشف الاسرار و عدة الابرار می‌باشد و آن در حقیقت شرحی است بر تفسیر قرآن خواجه عبدالله انصاری در اواخر قرن پنجم و نیمه‌ی نخست قرن ششم می‌زیست. تألیف تفسیر معروف او که بیش از دو هزار صفحه دارد، در اوایل سال ۵۲۰ هجری آغاز شد و روشن نیست که مؤلف چند سال به نگاشتن این اثر ارزنده سرگرم بوده است. در این تفسیر بعد از نقل آیه‌ها سه نوبت درباره‌ی آن‌ها سخن گفته شده است: نخست به جنبه‌های لغوی و پارسی ظاهر آیه‌ها توجه شده است. در نوبت دوم احکام و اخبار و نوادر بیان شده و در نوبت سوم، تأویل صوفیان و رموز عارفان، لطایف و اشاره‌های اهل طریقت

فکرش شهر به شهر گشت و به اجرای نمایش پرداخت. آنان بدون واهمه از منتقدان و دشمنان خویش مدت ۱۳ سال بدین منوال تلاش نمودند. مولیر از سال ۱۶۵۸ دست به نوشتن نمایش‌نامه زد و آن‌ها را در پاریس روی صحنه برد. وی که بیش‌ترین نمایش‌نامه‌های خود را کمدی می‌نوشت، توانست در جهان هنر و ادب جایی شایسته برای خود برگزیند. وی با تلاشی بی‌وقفه و شب‌نخوابی‌های طولانی در تمامی ابعاد قلمروی هنری خویش به تفحص و کنکاش پرداخت و به خوبی با آن‌ها آشنا گردید.

آثار برجسته و شاخص وی عبارتند از:

«مريض خیالی»، «مردم گریز»، «مضحک‌های دقیق»، «آقای ثروتمند»، «خسیس»، «زنان دانشمند»، «مکتب شوهران» و ده‌ها اثر ارزنده‌ی دیگر.

«مولیر» در سال ۱۶۷۳ در حالی که آخرین اثرش روی صحنه بود، در سن ۵۱ سالگی جهان را بدرود گفت.

ذکر شده است.



تصویر نمادین

واعظ کاشفی (وفات ۹۱۰ ه. ق)

ملاحسین واعظ کاشفی از دانشمندان نامی اواخر دوره ی تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا و اهل سبزوار است.

از آثار معروف او کتاب انوار سهیلی است که به تقلید کلیله و دمنه ابوالمعالی نگاشته شده و دیگر، صحیفه ی شاهی (مخزن الانشاء)، روضة الشهداء، المواهب العلیه، اسرار قاسمی و معروف تر از همه، اخلاق محسنی است.



واعظ اصفهانی، سید جمال الدین

(۱۲۷۹-۱۳۲۶ ه. ق)

از آزادی خواهان و سخنوران نامدار و فداکار ایران در دوره ی انقلاب مشروطیت است. او با خطابه ها و نطق های هیجان انگیز خود رشته ی انسجام و وحدت را در بین انقلابیون استحکام می بخشید.

وی سرانجام جان خود را در همین راه گذاشت؛ بدین معنی که به دستور محمدعلی شاه به او قهوه ی مسموم خوراندند و سپس وی را خفه کردند.

محمدعلی جمال زاده نویسنده ی معاصر، فرزند این آزادی خواه بزرگ است.

نمایش‌نامه، شعر و حتی گفتارها، آوازه‌ای جاویدان یافت. آثار وایلد از جنبه‌ی هنری این برجستگی را دارد که افکارش را مبتنی بر تز «هنر برای هنر» نمود و این در زمانی است که قسمت اعظم ادبیات اروپا با گرایشات به طبیعت و اجتماعی بودن مطرح بود.

ویژگی دیگر او از جنبه‌ی فردی است که با به هم ریختن آداب و سنن و رسوم سنتی مردم انگلیس همراه بود.

وی با نوشتن دو نمایش‌نامه‌ی معروف به نام‌های «بادبزن خانم ویندرمیر» و «شوهر ایده‌آل» به شهرت فراوان رسید.

او علاوه بر نمایش‌نامه به شعر و مقالات هزل و انتقادآمیز نیز روی آورد، به طوری که زمانی به جرم خدشه‌دار نمودن اخلاق عمومی اجتماع، دستگیر و روانه‌ی زندان شد که مدت دو سال در حبس، اثر بد روحی و روانی در وی گذارد؛ به طوری که تا آخر عمر در حالت منزوی زیست.

اسکار وایلد در اواخر عمر به شهر کوچک «برنوال» رفت و پس از چندی به شهر «نابل» سوئیس و سپس به شمال فرانسه رفت و عاقبت، در سال ۱۹۰۰ در شهر پاریس چشم از حیات فروبست و به دیار ابدیت پیوست، در حالی که فقط ۴۴ سال داشت.



وایلد، اسکار افلاهر تی ویلز

(۱۸۵۶-۱۹۰۰ م)

«اسکار وایلد» نویسنده، نمایش‌نامه نویس و شاعر انگلیسی در سال ۱۸۵۶ در شهر «دوبلین» و در خانواده‌ای با فرهنگ و نیمه مرفه به دنیا آمد.

«وایلد» پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی پادشاهی «پتوراسکیلن» در کالج شهر دوبلین به دانشگاه راه یافت و در رشته‌ی ادبیات کلاسیک یونان و رم در دانشگاه «ماکدالن کالج آکسفورد» مشغول تحصیل گردید.

وایلد جوان در سال ۱۸۸۴ شروع به نویسندگی کرد و قدم به جهان قلم و اندیشه گذارد. او مدتی قبل از شروع نویسندگی نیز به عنوان معلم زیباشناسی مشغول به کار بود.

او با خلق آثاری در زمینه‌ی داستان،

او سال‌ها قبل از کشف قطب شمال، مطالعات جغرافیایی عمیقی به توصیه‌ی دوستش «گلردوبل» کرد که در انتها به نگارش کتاب‌های «ارزنده‌ای چون «مسافرت به مرکز زمین» و «سرگذشت ناخدا هاتراس» از طرف وی انجامید. «ورن» با همان ذهن قوی و تخیلی خود که در چهارچوب فواید و تئوری‌های ریاضی و علمی پرورش می‌داد، آثاری چون «گردش در اطراف ماه» و «از زمین تا ماه» را نگاشت که اشتهاوی را نه تنها در فرانسه بلکه در سایر کشورهای اروپایی رقم زد.

سپس به نگارش کتاب‌های «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» و «میشل استروگف» پرداخت که با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو گشت.

او خود معتقد بود که روزی این تخیلاتش مبدل به حقیقت عینی خواهد شد. در حال حاضر از آثار او اختراع زیردریایی‌ها، ماهواره‌ها و موشک‌ها به حقیقت پیوسته است.

هر چند که وی ۲۰ سال قبل از مرگش به وسیله‌ی جوانی دیوانه با گلوله مجروح شد و این امر او را خانه‌نشین کرد و حتی در اواخر عمر او را به کوری و کری کشاند، ولی ذهن و اندیشه‌ی او همچنان در تلاطم و خلاقیت بود و آثار بدیع و ژرفی را خلق نمود که هرگز از خاطره‌ها فراموش نخواهد شد.

شاهکار او را منتقدان، «دور دنیا در ۸۰ روز» می‌خوانند، که از زیباترین بیان‌ها برای آرایه‌ی ذهن پیچیده و خلاق استفاده نموده است.



ورن، ژول (۱۸۲۸-۱۹۰۵ م)

این نویسنده‌ی خیال پرداز و روشن فکر در سال ۱۸۲۸ در فرانسه و در خانواده‌ای متوسط الحال پا به عرصه‌ی هستی نهاد.

پدرش قاضی عالی‌رتبه بود و او را نیز تشویق به فراگیری رشته‌ی حقوق نمود؛ اما با درس کمی که در کودکی خوانده بود، نتوانست در این رشته موفقیتی کسب کند و با مختصر خرجی فرستاده‌ی پدر به نگارش داستان و نمایش‌نامه پرداخت.

ژول ورن با دنیای تخیلات خود که همراه با آینده‌گویی بود، به خلق اولین اثر خود به نام «پنج هفته در بالن» همت گماشت. این اثر با استقبال ناشران رو به رو نگشت و فقط ناشری به نام «هنزل» اقدام به چاپ آن کرد که موفقیت غیر منتظره‌ای برای او به ارمغان آورد.

ژول ورن در سال ۱۹۰۵ و در سن ۷۷ سالگی دیده از جهان فرو بست.



ولتر، فرانسوا ماری آروه (۱۶۹۴-۱۷۷۸ م)

این نویسنده و متفکر بزرگ فرانسوی سال ۱۶۹۴ در شهر پاریس و در خانواده‌ای متمول چشم بر آسمان نیلی گشود.

وی پس از اتمام تحصیلاتش در مدرسه‌ی «ژزوئیت‌ها» به کارهای ادبی و بعضاً سیاسی روی آورد. او با شور و شغف فراوان به تفکر در مسایل و معضلات آفرینش پرداخت و اولین اثر تراژدی خود را سال ۱۷۱۸ که منبعت از داستان «اودیپ» می‌باشد، انتشار داد.

وی سال ۱۷۳۰ مجموعه‌ای به نام «نوشته‌هایی چند درباره‌ی ملت انگلستان» منتشر ساخت و مورد استقبال مردم فرانسه قرار گرفت. «ولتر» در تدوین دایرةالمعارف معروف «افریم چمبر» که حاوی اندیشه‌های فلسفی



تصویر نمادین

وصاف الحضرة (متولد ۱۸۶۳.ق)

ادیب شهاب‌الدین عبدالله از نویسندگان و شاعران قرن هفتم هجری است. لقبش وصاف الحضرة و تخلصش شرف می‌باشد و در شیراز به دنیا آمده است.

مهم‌ترین اثر او تاریخ وصاف می‌باشد که نام اصلی آن تجزیه الامصار و ترجیه الاعصار است و در ۵ جلد و ذیل (دنباله‌ی) تاریخ جهان‌گشای جوینی است.

سبک انشای کتاب متکلف و مصنوع است و در آن قرینه سازی و سجع بازی و مزدوج‌پردازی بسیار وجود دارد.



هدایت، رضاقلی خان (۱۲۱۵-۱۲۸۸ هـ. ق)

رضا قلی خان طبرستانی که به الله باشی ملقب شد، در تهران به دنیا آمد و در شیراز به تحصیل دانش پرداخت. در موقع سفر فتحعلی شاه به اصفهان مورد توجه شاه قرار گرفت و به لقب امیرالشعراایی مفتخر شد. چون فتحعلی شاه درگذشت، به دربار محمدشاه و بعد از آن به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و از طرف ناصرالدین شاه به ریاست مدرسه‌ی دارالفنون رسید. هدایت در لغت، تاریخ و تذکره تألیف‌هایی دارد که از آن جمله است:

تذکره‌ی مجمع‌الفصحاء، فرهنگ انجمن آرای ناصری، بکتابش نامه، نژادنامه، ریاض العارفین و بحرالحقایق.

این مرد دانشمند سه مجلد بر مجله‌های

جاری زمان بود به همراهی «بوفون»، «متسکیو» و «روسو» شرکت جست و با «دالامبر» و «دیدرو» نیز همکاری نزدیک داشت.

وی فیلسوفی به معنای واقعی «انتلکتول» می‌باشد که همه چیز را بر مبنی عقل و منطق می‌پذیرفت و از خرافه‌پرستی عوام و اشراف به شدت بیزار می‌جست. از آثار مهم وی می‌توان به:

«فرهنگ فلسفی»، «کاندید»، «تاریخ شارل دوازدهم» و «قرن لویی چهاردهم» اشاره نمود. این اندیشمند شهیر در پایان عمر با آوازه‌ی بلند و عزت فراوان زیست و سال ۱۷۷۸ چشم بر این جهان بست، در حالی که ۸۴ سال از عمر پر ارزش و ثمربخش او می‌گذشت.

تاریخ روضه الصفا افزود و آن را روضه الصفا
ناصری نامید.



هدایت، صادق (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ه. ش)

نویسنده‌ی ماهر و داستان‌پرداز معاصر ایران،
فرزند اعتضاد الملک در ۲۸ بهمن ۱۲۸۱ هجری
شمسی در خانواده‌ای مرفه در تهران متولد شد. از
همان اوان جوانی از طبقه‌ی اعیان و اشراف
گریزان و به میان افراد عامی و طبقات متوسط
اجتماع می‌رفت. اکثر داستان‌های خود را نیز در
همین زمینه‌ها به رشته تحریر درآورده است.
هدایت، قلمی توانا داشت و در نویسندگی و روان
نویسی بسیار متبحر بود. علاوه بر آن، علاقه‌ی
شدید به ایران‌شناسی و ادبیات و هنر ایران داشت
و از جمله کسانی بود که با اولین دسته از محصلین
اعزامی ایران به اروپا رفت و تحصیلات خود را

در پاریس ادامه داد.

در همان‌جا بود که یک‌بار به قصد خودکشی
خود را در رودخانه‌ی سن انداخت ولی نجات
پیدا کرد.

در ۱۳۱۵ سفری به هندوستان کرد و در آن‌جا
به فراگیری زبان پهلوی پرداخت و آثار گران‌بهایی
را از این زبان به فارسی ترجمه کرد.

وی عضو اداره‌ی اقتصاد و اداره‌ی موسیقی
در آن زمان بود و مدتی نیز به عنوان مترجم زبان
فرانسه به فعالیت در دانشکده‌ی هنرهای زیبا
پرداخت.

در ادبیات مدت‌ها با اساتیدی چون مجتبی
مینوی و مسعود فرزند همکاری داشت و آثار
گران‌بهایی را به ادبیات ایران تقدیم داشته است.
روژه لسکو عضو انجمن بین‌المللی یونسکو
متفکر بزرگ فرانسوی او را نابغه‌ای بزرگ قلمداد
کرده است.

برخی وی را نابغه و بعضی دیوانه و کج‌خو و
مالیخولیایی و سرخورده توصیف کرده‌اند؛ ولی
هر چه بود آثار ارزنده‌ی ادبی او را نباید نادیده
گرفت و به قول مولوی:

هر کسی از ظن خود شد یار من

وز درون من نجست اسرار من

هدایت در ۱۳۲۹ بار دیگر به پاریس رفت و

در ۲۵ فروردین ۱۳۳۰ با گشودن شیر گاز به
حیات خود خاتمه داد.

وی را در پرلاشز (بزرگ‌ترین و معتبرترین

گورستان فرانسه) در جوار مشاهیری چون امیل

او نیز همانند برخی از هم صنفان خود درس زیادی نخواند و پس از سال‌ها پرداختن به حرفه‌های مختلف، بالاخره به نویسندگی و شاعری روی آورد و مدت مدیدی به مطالعه و نوشتن اشعار پرداخت.

او به سال ۱۸۹۹ اولین مجموعه شعری خود را انتشار داد. آن‌گاه سفری به خاور زمین نمود و مدتی در هند زندگی و از فرهنگ آن دیار ارتزاق نمود. وی سال ۱۹۱۲ به سوئیس رفت و مدت ۱۱ سال را در آن‌جا سپری کرد تا این‌که تابعیت آن کشور را پذیرفت و تا پایان عمر در آن‌جا باقی ماند. وی سال ۱۹۴۶ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبی گردید.

شالوده و مضمون اصلی داستان‌هایش تنازع میان مادیت و معنویت است که در آن میان به سوی راهی به درون خویش می‌باشد.

آثار ارزنده و شاخص وی عبارتند از:

«گرترو» «بازی مهره‌های شیشه‌ای» (که به خاطر آن موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل شد).
«دمیان»، «داستان گلازپرن شپیل» شاهکار وی محسوب می‌گردد و «گرگ بیابان».

او در سال ۱۹۶۲ در کشور سوئیس دیده از هستی بر بست و در دل خاک سیاه مسکن گزید.

زولا - اسکاروایلد - لافونتن - پیتروایلار و آلفرد دوموسه دفن کردند. از آثار وی می‌توان به کتاب‌های:

زنده به گور - حاجی مراد - آبجی خانم - علویه خانم - مرده خورها - سه قطره خون - سایه روشن - سگ ولگرد - آب زندگی - فواید گیاه‌خواری - اصفهان نصف جهان - نیرنگستان - ترانه‌های خیام - بوف کور (که به فرانسه نیز ترجمه شده است) حاجی آقا - پروین دختر ساسان - مازیار - افسانه‌ی آفرینش و وغ وغ ساهاب، نام برد.



هسه، هرمان (۱۸۷۷-۱۹۶۲ م)

«هرمان هسه» داستان‌سرا و نویسنده‌ی بزرگ آلمانی در سال ۱۸۷۷ در یک خانواده‌ی مذهبی دیده به جهان مادی گشود.

او یک رئالیست به تمام معنی بود و بدین خاطر در جنگ بین‌الملل اول و جنگ‌های داخلی اسپانیا در راه حق و آزادی جنگید و حتی مجروح گردید. وی با تجاری که از این جنگ‌ها به عنوان خبرنگار روزنامه‌ی «کانزاس سیتی استار» به دست آورده بود، توانست روح داستان‌هایش را با واقع‌بینی آمیخته ساخته و اسکت واقعی برای آن‌ها بسازد.

او کتاب «برای که زنگ‌ها به صدا درمی‌آید» را شاید با تأسی از خروش فیدل کاسترو در قاره‌ی امریکا نوشت و کتاب بزرگ «مرد پیر دریا» را با تمامی استعداد وجودیش نگاشت که برایش جایزه‌ی بزرگ نوبل را به همراه داشت.

ارنست همینگوی در سال ۱۹۶۱ در ویلای خود در «سون والی» ایالت «آیداهو» با گلوله‌ی یک تفنگ شکاری به طرز مشکوکی جان خود را باخت و به ظاهر خودکشی نمود.



همینگوی، ارنست (۱۸۹۸-۱۹۶۱ م)

«ارنست میلر همینگوی» نویسنده و روزنامه‌نگار معروف امریکایی سال ۱۸۹۸ در شهر «اوک پارک» ایالت «ایلی نویز» چشم بر گیتی پهن‌آور گشود.

پدرش پزشکی متبحر و حاذق بود و تمایل داشت پسرش نیز از این راه خدمت خود را به جامعه ارزانی دارد؛ اما او که شوخ طبع بود و ذوق سرشاری داشت به حرفه‌ی نویسندگی روی آورد.

«همینگوی» اولین اثر خود را سال ۱۹۲۳ که شامل سه داستان و چند شعر بود در شهر «دیژون» فرانسه منتشر کرد. اما اثر بعدی این بزرگ مرد ادبیات جهان به نام «وداع با اسلحه» بود که اشتهار فراوانی برای وی کسب نمود.

هوگو سال ۱۸۴۱ به «عضویت فرهنگستان علوم» برگزیده شد و بیش‌تر عمر خود را به امور سیاسی گذراند که از انتخاب نمایندگی مجلس وی در سال ۱۸۴۸ و تبعید او در اثر مخالفتش مبنی بر به قدرت رسیدن ناپلئون سوم به عنوان آثار و تلاش‌های سیاسی وی می‌توان نام برد.

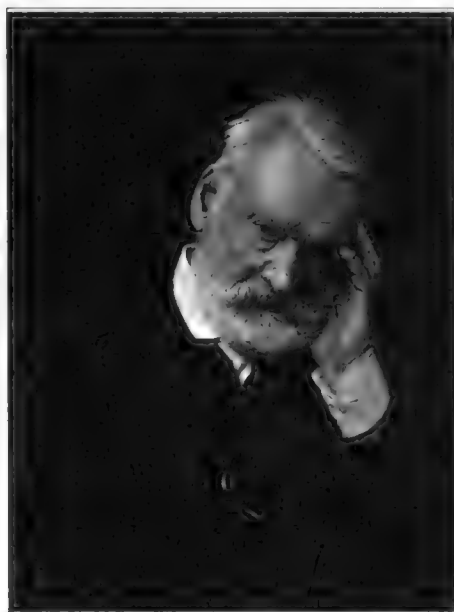
وی سال ۱۸۷۰ به فرانسه بازگشت و باقی عمر خود را در راه ادبی، هنری و سیاسی گذراند. وی سپس با دست‌یابی به قله‌ی رفیع اندیشه‌ی بشری دست به خلق بزرگ‌ترین آثارش زد و کتاب معروف «بینوایان» را به رشته‌ی تحریر کشاند.

هوگو در مدت تبعید خود نیز اثر مهم و برجسته‌ای خلق کرد که صورتگر جاویدی از زندگی و خلق و خوی مردم فرانسه در قرون وسطا به حساب می‌آید و آن کتاب معروف «گوژپشت نتردام» می‌باشد.

اگر چه مکتب «رمانتیسیم» قبل از وی خلق و پیشرفت نموده بود؛ ولی این سبک به دست توانا و متبحر وی به اوج قدرت و رونق رسید؛ لذا بدین سبب وی را پیش‌قراول و بنیان‌گذار این مکتب می‌خوانند.

گذشته از این‌ها، وی شاعری توانا بود و در اخلاق، سمبل مهرورزی و نوع دوستی محسوب می‌گردید. آثار وی همه آکنده از اندوه و شادی، رنج‌ها و بی‌عدالتی‌ها، ظلم و ستم‌کاری و روحیات متضاد انسان‌های متفاوتی از جامعه‌ی اطراف خود می‌باشد.

از آثار برجسته‌ی دیگر وی می‌توان به:



هوگو، ویکتور (۱۸۰۲-۱۸۸۵ م)

«ویکتور - هوگو» نویسنده و شاعر و سیاست‌مدار فرانسوی در سال ۱۸۰۲ در خانواده‌ای متمول و متشخص پا به گیتی نهاد.

او در اوایل کودکی ذوقی خاص و وافر به ادب و هنر داشت و بدین سبب جوانی را به تحصیل و انجام کار گذراند. دوران تولد تا جوانی هوگو هم‌زمان با تسخیر اروپا توسط ناپلئون بود و عواملی چون بیهودگی جنگ و محیط پر حادثه و آشنایی‌اش با نویسندگان بزرگی چون شاتوبریان و لامارتین چنان او را پخته و متبحر نمود که توانست این مجموعه را با روح حساس و نکته‌سنجش بیامیزد و به خلق آثاری فناپذیر دست بزند که این آثار برای وی شهرتی فراوان فراهم نمود.

«کارگران دریا»، «مردی که می‌خندد»،
«آخرین روز یک محکوم»، «ناپلئون کوچک»،
«آلپ و پیرنه»، «کلود ولگرد»، «تئاتر آزاد شده» و
«تیره‌بختان» اشاره نمود.



شاعران

تخلص او (م. امید) است. آثار او عبارتند از:
 (ارغنون ۱۳۳۰) (زمستان ۱۳۳۵) (آخر شاهنامه
 ۱۳۳۸) (از این اوستا ۱۳۴۴) (پاییز در زندان
 ۱۳۴۸)

کارهای دیگر او نیز: بهترین امید، عاشقانه‌ها
 و کبود، درخت و جنگل، پیر و پسرش، نقیضه و
 نقیضه سازان، بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج،
 دوزخ، اما سرد، اینک بهار دیگر، عطا و لقای نیما
 یوشیج، زندگی. می‌گوید: اما باید زیست.

وی در روز یکشنبه چهارم شهریور ۱۳۶۹ در
 تهران بدرود حیات گفت و بنابر وصیت خودش،
 او را در جوار فردوسی بزرگ در باغ طوس مشهد
 به خاک سپردند.

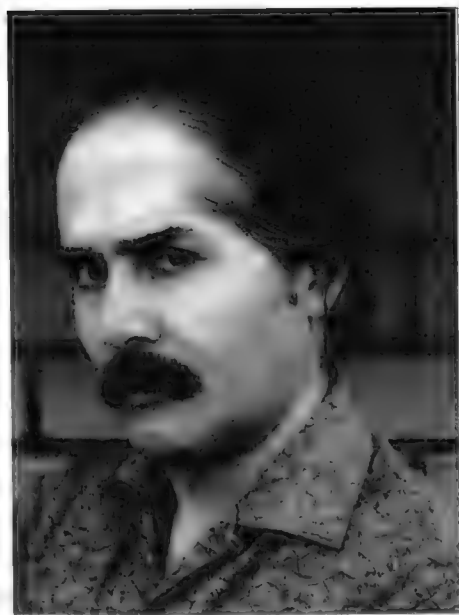
لحظه‌ی دیدار نزدیک است

باز من دیوانه‌ام، مستم

باز می‌لرزد دلم، دستم

بازگویی در جهان دیگری هستم.

های! نخراشی به غفلت گونه‌ام را تیغ!



اخوان ثالث، مهدی

(۱۳۰۷-۱۳۶۹ ه. ش)

مهدی اخوان ثالث در سال ۱۳۰۷ شمسی در
 خراسان دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۲۷ به
 تهران آمد. او کار خود را با معلمی آغاز کرد،

های! نپیشی صفای زلفکم را دست!
و آبرویم را نریزی، دل!
ای نخورده مست
لحظه‌ی دیدار نزدیک است.

ادیب تمام عمر مجرد زیست و در ۱۲
ذیقعه‌ی ۱۳۴۴ ه. ق در مشهد درگذشت. اشعار
وی در حدود پنج هزار بیت قصیده و غزل و
رباعی است و بیش‌تر به سبک خراسانی است که
در کتابی تحت عنوان «لثالی مکنون» به چاپ
رسیده است:

کاشکی دلبر من، با دل من داد کند
گاه‌گاهی به نگاهی دل من شاد کند
ترسم آن لیلی رخسار، بدان شیرینی
دل مجنون مرا، روزی فرهاد کند
چون بر آن روی و بر آن موی، وز باد همی
دل من یاد ز فرموده‌ی استاد کند
«آن سیه زلف بر آن عارض گویی که همی
به پر زاغ کسی، آتش را باد کند»
باده‌ی تلخ دهد، بوسه‌ی شیرین ندهد
داوری کو که میان من و او داد کند



ادیب نیشابوری (۱۲۸۱-۱۳۴۴ ه. ق)

شیخ عبدالجواد ادیب فرزند ملاعباس در سال
۱۲۸۱ ه. ق در نیشابور به دنیا آمد. پدر او کشاورز
بود. وی در چهار سالگی به علت بیماری آبله،
چشم راست و قسمتی از چشم چپ خود را از
دست داد؛ ولی با این وجود تا ۱۶ سالگی علوم
مقدماتی را در زادگاهش آموخت. سپس به مشهد
رفت و در مدرسه‌ی خیرات خان و بعد در
مدارس «فاضل خان و نواب» فنون ادبی و شعر و
لغت عرب را آموخت و چهل و سه سال در
مشهد به تدریس طلاب پرداخت.

فرومایه را دار دور از برت
مکن آن که ننگین شود گوهرت
چو دستت رسد دوستان را بپای
که تا در غم آرند مهرت به جای



اسعدگرگانی، فخرالدین (وفات ۴۶۶ هـ. ق)
فخرالدین اسعدگرگانی از شاعران شیرین بیان قرن پنجم هجری است. از زندگی او اطلاع روشن و درست در دست نیست. نظم داستان شیرین و روان و زیبای «ویس و رامین» به او منسوب است که آن را از اصل پهلوی به شعر فارسی بازنویسی کرده و با عبارت و کنایتی خوش و دلپذیر بیان شده و به علت چیره دستی در سخن و لطف طبع و رقت احساس یکی از بهترین و دلنشین ترین داستانهای منظوم عاشقانه به شمار می رود. نظم این داستان را در سالهای ۴۴۶ هجری به بعد



اسدی طوسی (وفات سال ۴۶۵ هـ. ق)
از شعرای قرن پنجم است. او مشهور به اسدی و محل تولدش طوس از شهرهای خراسان است. گرشاسب نامه منظومه‌ی معروف حکیم ابونصر علی بن احمد طوسی است که به سبک مثنوی نوشته شده است. از دیگر آثار این حکیم عبارتند از: فرهنگ لغات توس، الابنیه، عن الحقایق الادویه (این کتاب از ابومنصور موفق هروی است ولی به خط اسدی استنساخ گردیده است). ابیات ذیل از گرشاسب نامه‌ی اسدی نقل می شود:

پس از من چنان کن که پیش خدای
بنازد روانم به دیگر سرای
نگر تا گناهت نباشد بسی
به یزدان ز رنجت نالد کسی

شاعره‌ی ارجمند چندان طولانی نبود و به سال ۱۳۲۰ ه. ش بر اثر بیماری حصبه درگذشت. مزار وی در جوار صحن مطهر حضرت معصومه (س) در شهر قم است. چند بیت از شعر معروفش به نام «مست و هوشیار»:

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت
مست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست
گفت می‌باید تو را تا خانه‌ی قاضی برم
گفت رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست
گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان
گفت کار شرع، کار درهم و دینار نیست
گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه
گفت در سر عقل باید بی‌کلاهی عار نیست

دانسته‌اند. سال وفات او که پس از این تاریخ است، به درستی معلوم نیست.

اینک چند بیت از شکوه و زاری ویس هنگامی که می‌شنود رامین همسر دیگری اختیار کرده است که به دایه‌ی خود پیغام می‌دهد و درد دل می‌کند که به رامین برساند:

دریغا رفته رنج روزگارم
دریغا این دل امیدوارم
دریغا رنج بسیار که بردم
که خود روزی ز رنجم برنخوردم
بگردم در جهان چون کاروانی
که تا یابم زگم‌گشته نشانی



اعتصامی، پروین (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ه. ش)

او اشعار بسیار نغز و پر معنی با نگرشی بر اوضاع اجتماعی مردم عصر خود دارد. عمر این



امیر معزی (قرن ششم ه.ق)

عبدالله محمد بن عبدالملک برهانی معزی نیشابوری از شعرای بنام و استاد دوره‌ی سلجوقیان می‌باشد و پدرش عبدالملک برهانی شاعر دربار آلب ارسلان بود. وی پس از مرگ پدر در دستگاه سلجوقیان وارد شد و به دربار ملک‌شاه سلجوقی راه یافت. سپس در دربار سلطان سنجر بود و در همین ایام بود که به ضرب تیر سلطان سنجر که اشتباهی به وی اصابت نمود زخمی شد و به روایتی بر اثر ضرب همین تیر کشته شد:

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

تا یک زمان زاری کنم بر ربع و اطلال دمن

ربع از دلم پر خون کنم، خاک دمن گلگون کنم

اطلال را جیحون کنم از آب چشم خویشتن



امرؤ القیس (۵۰۰-۵۴۰ ق.م)

شاعر دوره‌ی جاهلیت و از افراد قوم بنی‌اسد بود. مدتی مداح قیصر روم بود و امارت فلسطین را نیز بر عهده داشت و به مرض آبله درگذشت. اشعارش از جمله اشعاری بودند که به سبب استحکام ادبی به نام تعلقات سبعة بر دیوار کعبه آویزان می‌شدند. دیوان وی در سال ۱۸۷۷ م در پاریس چاپ گردید.

آری چو پیش آید قضا، مُروا شود چون مرغوا
جای شجر گیرد گیا، جای طرب گیرد شجن

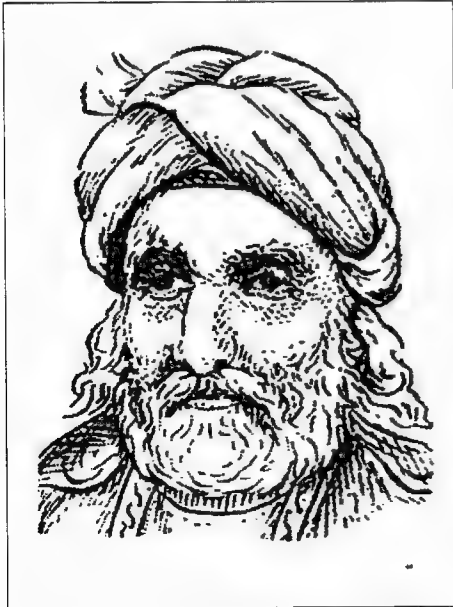
هر عضو، ز اعضای تو غارتگر دل‌هاست
ای آفتِ جان، بهر کجای تو بمیرم
گر عمر آید خواهم از آنست که خواهم
آن‌قدر نمیرم، که به جای تو بمیرم



امیری فیروز کوهی (۱۲۸۹-۱۳۶۳ ه. ش)

نامش کریم و نام خانوادگی‌اش امیری است. او به سال ۱۲۸۹ ه. ش در روستای فرخ آباد فیروز کوه پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. در هفت سالگی در تهران پدرش از دنیا رفت و پس از آن در مدارس همان شهر به تحصیل پرداخت. در ضمن در مدرسه‌ی مروی علوم قدیم را فرا گرفت. وی در مهر ماه ۱۳۶۳ در تهران در گذشت. دیوان اشعار استاد امیری در دو جلد به چاپ رسیده است که شامل: قصاید و غزلیات، مثنویات، قطعات و منظومه‌ها می‌باشد:

مپسند که دور از تو برای تو بمیرم
صید تو شدم من، که به پای تو بمیرم



انوری (۵۲۰-۵۵۸۷ ه. ق)

اوحدالدین محمدبن محمد در قریه‌ی بدنه از توابع ابیورد دشت خاوران خراسان متولد گردید. القاب وی امیرالاجل و حجة الحق می‌باشد. ابتدا خاوری تخلص می‌کرد و سپس انوری را برگزید. علاوه بر ادبیات که به درجه‌ی اعلی‌ مهارت و استادی رسید، در ریاضیات و فلسفه نیز مهارت داشت. بیش‌تر عمر وی در معیت سلطان سنجر گذشته است:

آلوده‌ی منت کسان کم شو
تا یک شبه در وثاق تو نمانست

ای نفس به رسته‌ی قناعت شو

کانجا همه چیز نیک ارزانست

تا بتوانی حذر کن از منت

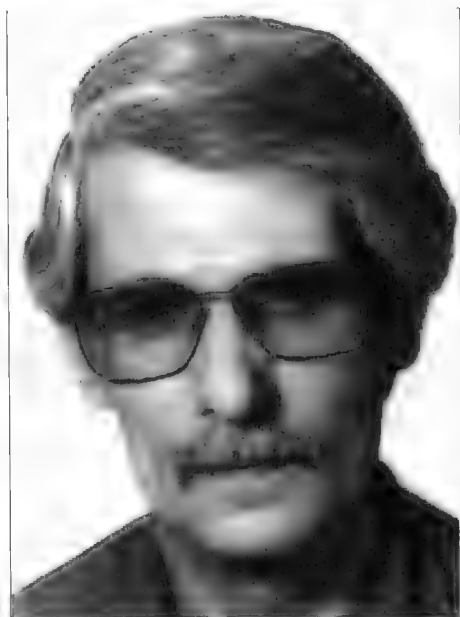
کاین منت خلق کاهش جانست

ای آمده‌گریان تو و خندان همه کس

وز آمدن تو گشته شادان همه کس

امروز چنان باش که فردا چو روی

خندان تو برون روی و گریان همه کس



اوستا، مهرداد (۱۳۰۸-۱۳۷۰ ه. ش)

از غزل‌سرایان معروف معاصر است. اشعار دل‌نشین و مردم‌پسند زیادی سروده است. وی کتب متعددی را تصحیح و تألیف کرده، از جمله: عقل و اشراق، رسالاتی در منطق و فلسفه و روان‌شناسی و اخلاق، دیوان سلمان ساوجی، رسائل خیام، سخن‌شناسی در شعر. مجموعه اشعار وی نیز بارها تجدید چاپ شده است. اوستا مدتی هم در وزارت ارشاد اسلامی به خدمت اشتغال داشت. در سال ۱۳۷۰ ه. ش این شاعر گران‌قدر وفات یافت:



اوحدی مراغه‌ای (۶۷۰-۷۳۸ ه. ق)

رکن‌الدین اوحدی در مراغه متولد شد و از شعرای متصوف آذربایجان است. به عرفان و تصوف علاقه‌ی زیادی داشت و از پیروان ابوحامد اوحالدین احمد کرمانی (از عرفای معروف) بوده و تخلص خود را نیز از نام وی گرفته است.

وی پیش‌تر عمر خود را در اصفهان گذراند و در اواخر عمر به مراغه رفت و در همان‌جا نیز وفات یافت. دوبیتی ذیل از اوست:

حافظ مدفون است:

من که بیهوشم از او، مست شرابم مکنید
مکنید از لب او یاد خرابم مکنید
یاد او در سر می، بیش ترم می سوزد
سوختم آخر از این بیش کبابم مکنید
باری از یاری غیرش به من ای هم‌نفسان
مدهید آگهی و دیده پر آبم مکنید



ایرج میرزا (۱۲۹۱-۱۳۴۴ ه.ق)

ایرج میرزا جلال النلک در تبریز متولد شد. از طرف ناصرالدین شاه قاجار ملقب به صدرالشعرا گردید. زبان‌های فرانسه و روسی و ترکی را به خوبی می‌دانست و مشاغل دولتی زیادی را عهده‌دار بود و بیش‌تر در وزارت فرهنگ خدمت کرده است.

سبک وی در شعر معمولاً سادگی و روانی

با من بگو تا کیستی؟ مهری؟ بگو، ماهی؟ بگو
خوابی؟ خیالی؟ چیستی؟ اشکی؟ بگو، آهی بگو
راندم چو از مهرت سخن، گفתי بسوز و دم مزن
دیگر بگو از جان من، جانا چه می‌خواهی؟ بگو...
من عاشق تنهایم، سرگشته‌ی شیداییم
دیوانه‌ی رسواییم، تو هر چه می‌خواهی بگو



اهلی شیرازی (وفات ۹۴۲ ه.ق)

از شاعران دوره‌ی صفوی است. از آثار معروف او مثنوی‌های سحر حلال و شمع و پروانه را می‌توان نام برد. ابیات لطیف و غزل‌های عارفانه‌ی زیبایی دارد.

قصاید زیادی در ذکر مناقب و صفات‌های نیک رسول اکرم ﷺ و خاندان عصمت و طهارت دارد. مجموعه رباعیات وی به نام ساقی‌نامه نیز معروف است. وی در جوار قبر



باباطاهر همدانی (۳۹۰-۴۷۷ یا ۴۵۰ ه.ق)

باباطاهر همدانی معروف به عریان از شعرای عارف و متصوف ایران است و بیش‌تر حیاتش معاصر با سلاطین سلجوقیان بوده است. مسلک درویشی و دل بریدن از ظواهر دنیوی، شیوهی عارفانهی اوست. وی ملقب به (عریان) است. باباطاهر از شعرای صاحب‌دل و دردمند بوده و اشعار وی که اغلب به لهجهی محلی (شبیه به لری) سروده شده جزء فهلویات محسوب می‌شوند:

یکی درد و یکی درمون پسند

یکی وصل و یکی هجرون پسند

من از درمون و درد و وصل و هجرون

پسندم آنچه را جانون پسند

مجموعه‌ی کلمات قصار وی به عربی در

اشعار او می‌باشد:

وہ چه خوب آمدی صفا کردی

چه عجب شد که یاد ما کردی

ای بسا، آرزویت می‌کردم

خوب شد آمدی، صفا کردی

آفتاب از کدام سمت دمید

که تو امروز، یاد ما کردی

اشعار و ابیات زیبایی در موضوعات

اجتماعی سروده است که هر یک در نوع خود ظرافت و استحکام خاصی دارند.

وی در سال ۱۳۴۴ بر اثر سکته‌ی قلبی

درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله (بین

تجریش و دربند تهران) مدفون است. نوشته‌ی

سنگ مزار وی با این ابیات شروع می‌شود:

ای نکویان که در این دنیا بید

یا از این بعد به دنیا آید

این که خفته است در این خاک منم

ایرجم، ایرج شیرین سختم

مدفن عشق جهان است این جا

یک جهان عشق نهان است این جا

مروکه سوز «فغانی» بگیرد دامن

سحر که یاد کند مجلس شبانه‌ی خویش



بادغیسی، حنظلله (وفات ۲۲۰ ه. ق)

هم دوره با سلسله‌ی طاهریان بوده و در نیشابور
زندگی می‌کرد، دیوانی داشته که فقط ابیاتی از آن
در دست است از جمله:

مهری گر به کام شیر دراست

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویاروی

رساله‌ها و کتب وی ضبط گردیده‌اند. اما بیش‌تر
شهرت وی به خاطر سرودن دوبیتی‌هایی است که
از وی به جا مانده‌اند.

مقبره‌ی این شاعر و عارف نامی در قسمت
غربی همدان موسوم به بن بازار و روبه‌روی
مقبره‌ی امامزاده حارث بن علی واقع است.



بابا فغانی شیرازی (وفات ۹۲۵ ه. ق)

از شعرای دوره‌ی صفوی است. مدتی در تبریز
اقامت داشته و در دربار سلطان یعقوب
آق‌قویونلو می‌زیسته است. اشعار و قصایدی در
مدح مولی الموحّدین علی‌علیه‌السلام سروده است:

به بستر اقم و مردن کنم بهانه‌ی خویش

بدین بهانه مگر آرمت به خانه‌ی خویش

بسی شب است که در انتظار مقدم تو

چراغ دیده نهادم بر آستانه‌ی خویش...



برهان تبریزی (قرن یازدهم)

محمد حسین بن خلف تبریزی معروف به برهان
خلف تبریزی شاعر و لغت‌نامه نویس ایرانی در
قرن ۱۱ ه. ق در تبریز متولد شد.

وی مؤلف کتاب لغت برهان قاطع و معروف
به برهان است و برای تألیف کتاب خود از
فرهنگ جهانگیری و فرهنگ سروری استفاده
نمود و آن را به نام سلطان عبداللّه قطب شاه،
پادشاه شیعه مذهب هند نمود. این کتاب به اهتمام
دکتر محمد معین در چهار جلد چاپ و منتشر
شده است.

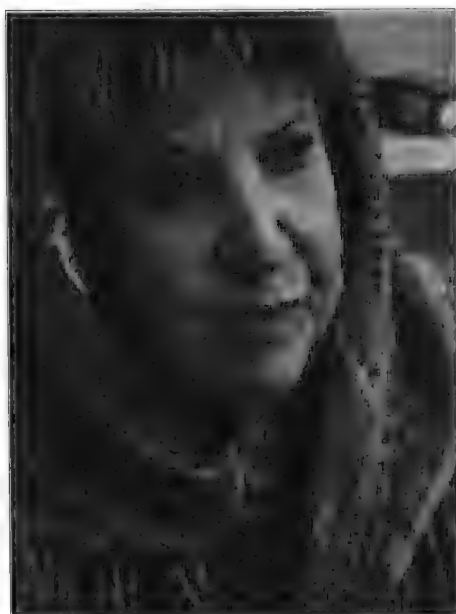


بایرون، لرد جورج (۱۷۸۸-۱۸۲۴ م)

شاعر بزرگ انگلیسی در لندن به دنیا آمد. از
شاعران رومانتیسم است که مدتی در سوئیس و
آلمان به سر برد و چند سالی نیز به مشرق زمین
سفر کرد. در سفری به یونان به مبارزان
آزادی‌خواه یونان جهت رهایی از استعمار
عثمانی‌ها پیوست و در ۳۶ سالگی در جبهه‌ی
جنگ کشته شد. آثار وی عبارتند از:

ساعات فراغت - رامشگران انگلیسی - زیارت
چایلدهارولد - نامزد آیدوس - راهزن - زندانی
شیلان - دون ژوان.

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست
کار ایران با خداست
مذهب شاهنشیه ایران ز مذهب‌ها جداست
کار ایران با خداست
شاه‌مست و میرمست و شحنه‌مست و همه‌مست
مملکت رفته زدست
هر دم از دستان مستان فتنه و غوغا به‌پاست
کار ایران با خداست



بهبهانی، سیمین (متولد ۱۳۰۶ ه. ش)

سیمین بهبهانی (خلیلی) در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در تهران متولد شد. پدرش عباس خلیلی نویسنده و روزنامه‌نگار و صاحب ده‌ها تألیف بود.

مادرش نیز شاعر و نویسنده و روزنامه‌نگار بود. سیمین تحصیلات دانشگاهی را در



بهار، محمدتقی (۱۲۶۵-۱۳۳۰ ه. ش)

محمدتقی بهار ملقب به ملک‌الشعرا، در تهران به دنیا آمد و از شاعران نام‌آور معاصر است. چند دوره نماینده‌ی مجلس بوده و سال‌ها به تدریس در دانشگاه اشتغال داشته و در کابینه‌ی قوام‌السلطنه وزیر فرهنگ بوده است. کتاب معروفی به نام سبک‌شناسی یا تاریخ تحول نشر پارسی دارد که بسیار ارزشمند است. محمدتقی بهار در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در اثر ابتلا به بیماری سل درگذشت. اشعار او بسیار روان و ارزشمندند. وی از شاعران مبارز دوره‌ی مشروطیت بود. او در مورد استبداد محمدعلی شاه قاجار شعری گفته، که چند بیتی از آن ذکر می‌شود:



پوشکین، الکساندر سرگینویچ

(۱۷۹۹-۱۸۳۷ م)

«الکساندر سرگینویچ پوشکین» شاعر و نویسنده‌ی اهل شوروی در سال ۱۷۹۹ میلادی در خانواده‌ای ثروتمند پا به جهان نهاد.

علاقه‌ی وافرش به کتاب از کودکی جلوه‌گر بود. بدین لحاظ پس از اتمام تحصیلاتش در مدرسه‌ی اشرافی «تسارلس کویه‌سلو» به شاعری پرداخت و آن‌گاه پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی به شغل‌های دولتی روی آورد و دارای گرایش‌ات سیاسی گردید.

محیط آن زمان روسیه مخصوصاً در طبقه‌ی اشراف چنین تلقی می‌گردید که تکلم به زبان روسی کسرشان شخص محسوب می‌گردید و بدین لحاظ پوشکین نیز به ادبیات و زبان فرانسه

دانشکده‌ی حقوق، رشته‌ی قضایی به پایان رساند. او از چهارده سالگی به سرودن پرداخت. با چارپاره‌های نیمایی شعر را آغاز کرد و سپس به غزل روی آورد، و در غزل تحولی بی‌سابقه پدید آورده و آن را با مسایل روز و سوژه‌های نمایشی و گفت‌وگوها، پیوند داده است. غزل سیمین سبکی خاص و متمایز دارد که در نوع خود منحصر به فرد است. آثار او به نام‌های: (جای پا، چلچراغ مرمر، بوده‌ها مرمر افزوده‌ها، رستاخیز، خطی از سرعت و از آتش، دشت ارژن، یک دریچه آزادی و تازه‌ها) منتشر گردیده است. اینک نوعی شعر چهارپاره:

آه ای پیک، پیکِ شادی بخش

نامه آورده‌ای زِ همسر من

نامه از او، که روزگاری داشت

سایه‌ی لطف و مهر بر سرِ من

او که می‌گفت: «دوست دارم»

او که می‌گفت: «نگسلم پیوند»

او که می‌گفت: «با وفای توام»

او که می‌گفت «نشکنم سوگند»

نامه از اوست، او که رفت و شکست

عهد و پیمانِ مهر و یاری را

او که در گوش دیگران سر داد

نغمه‌ی عشق و بی‌قراری را



تاگور، رابیندرانات (۱۸۶۱-۱۹۴۷ م)

این نویسنده و شاعر بزرگ هندی در خانواده‌ای متمول و سرشناس، در سال ۱۸۶۱ میلادی در ایالت بنگال و در شهر کلکته چشم به جهان گشود.

وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و مقدماتی در سال ۱۸۷۷ میلادی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق به انگلستان عزیمت نمود.

او علاوه بر رشته‌ی حقوق به آموختن ادبیات نیز پرداخت، اما در آن‌جا دوام نیاورد و پس از مدت کوتاهی به بنگال بازگشت و در این زمان اشعاری را سرود که تحولی در زمینه‌های فرهنگی و فلسفی محیط خود به وجود آورد.

آشنایی او با مردم هند، از لحاظ دردها و

روی آورد و در آشنایی با این زبان و تفحص و کنکاش در آثار بزرگانی چون روسو، دیدرو، متسکیو و ولتر به شدت تحت تأثیر این بزرگان قرار گرفت و این تأثر در آثارش به حدی است که در بلند آوازه گشتن او نقش بسیار مهمی ایفا نمود.

پوشکین به سال ۱۸۱۷ وارد وزارت امور خارجه‌ی روسیه گردید که بعد از سه سال با انتشار یک مجموعه شعر به موفقیت بزرگی دست یافت.

«پوشکین» به سال ۱۸۲۳ به شهر «اوسا» رفت و در سال ۱۸۲۴ مجدداً وی را به شهر «پسکوف» زادگاهش تبعید کردند. پس از سالیان دراز در تبعید به دربار امپراتور رفت که گاهی مورد لطف و گاهی مورد بی‌مهری وی قرار می‌گرفت. کتاب تاریخی «پتر کبیر» از آثار ورودش به دربار می‌باشد، اما نیکلای اول آن را توقیف نمود که بعد از مرگ پوشکین منتشر شد.

پوشکین در آثارش بیش‌تر به حمایت از مردم ستم‌دیده‌ای می‌پردازد که به مبارزه علیه حاکمیت مستبد به قیام برخاسته‌اند.

وی در سال ۱۸۳۷ در سن ۳۷ سالگی در دوئلی با یکی از شیفتگان همسر زیبای وفادارش جان خود را باخت و بدورد حیات گفت.



توللی، فریدون (۱۲۹۶-۱۳۶۴ ه. ش)

فریدون توللی فرزند جلال در سال ۱۲۹۶ ه. ش در شیراز به دنیا آمد و در رشته‌ی باستان‌شناسی موفق به اخذ دانش‌نامه‌ی لیسانس شد و به ریاست حفاریات استان فارس منصوب گردید. علاوه بر شعر «باستان‌شناسی» برخی دیگر از آثار او نیز رنگی از این زمینه دارد نظیر: «اندوه شامگاه» «دخمه‌ی راز» «کوی مردگان» «دره‌ی مرگ» آثار دیگر او: «شعر پشیمانی ۱۳۱۹» «رها ۱۳۲۹» «نافه ۱۳۴۱» «پویا ۱۳۴۵» «بازگشت ۱۳۶۹» به چاپ رسیده است.

وی در سال ۱۳۶۴ شمسی درگذشت و در شیراز به خاک سپرده شد:

بلم آرام چون قویی سبک‌بار

به نر می بر سر کارون می‌رفت

رنج‌ها و آلام این مردم، وی را به سرودن اشعار و نوشتن داستان و نمایش‌نامه واداشت که در میان آن‌ها می‌توان از «باغبان و سنگ‌های گرسنه»، «امید دهقان» و «مہتاب درخشنده» نام برد.

وی به سال ۱۹۱۰ دچار ضربه‌ی شدید روحی گردید و این، به‌خاطر آن بود که در ظرف یک سال همسر و دو فرزندش در اثر بیماری جان خود را از دست دادند. شدت این ضربه‌ی روحی چنان بود که وی بیمار گشت و جهت معالجه به انگلستان سفر نمود.

در سال ۱۹۱۲ با ترجمه‌ی اشعار معروفش، چون «آوازه‌هایی از قربانی»، «مرگ امید» و «چستیان جالی» به انگلیسی را به جهانیان شناساند و زمینه‌ی دریافت جایزه نوبل را فراهم نمود.

از تا گور بیش از شصت جلد کتاب که شامل شعر و داستان و نمایش‌نامه است، باقی مانده که اکثر آن‌ها به زبان‌های دیگر ترجمه شده.

این شاعر گران‌قدر به سال ۱۹۴۱ در سن ۸۰ سالگی دیده از جهان فرو بست.

به نخلستان ساحل، قرص خورشید

ز دامان افق بیرون همی رفت

شفق بازی‌کنان در جنبش آب

شکوه دیگر و راز دگر داشت

به دشتی پر شقایق باد سرمست

تو پنداری که پاورچین گذر داشت



جامی، عبدالرحمن (۸۱۷-۵۸۹۸ ه.ق)

نورالدین عبدالرحمن جامی، متولد خرچرد جام خراسان است. او متخلص به جامی و علت آن نیز، تولدش در شهر جام است.

وی از بزرگ‌ترین شعرای ایران و سرآمد شعرای قرن نهم هجری است و به این علت او را خاتم‌الشعرا لقب داده‌اند. وی مدت‌ها خلافت طریقت نقشبندیه را به عهده داشت. جامی هم دوره با سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمندش

امیر علی شیر نوایی بود که او را مورد تفقد قرار داده‌اند.

جامی سفرهای زیادی به بلاد مختلف کرده است، از جمله هرات و سمرقند که از مراکز علوم اسلامی و ادبیات ایرانی بوده‌اند. وی مهارت زیادی در علوم دینی و تصوف داشت. سپس در عالم عرفان به درجات معنوی بالایی نایل آمد. علاوه بر دیوان اشعار و غزلیات، آثار ذیل از وی به جا مانده است:

هفت اورنگ، سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار و سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خرد نامه‌ی اسکندری، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، نفحات الانس، لوامع، لوايح، شواهد النبوة، اشعة اللمعات و بهارستان.

تأثیر اشعار و افکار جامی در ادبیات هند و عثمانی بسیار بود، به طوری که اولین بنای ادبیات عثمانی بر آثار و افکار وی گذاشته شد و سلاطینی مانند سلطان محمد فاتح و بایزید دوم به وی توجه و ارادتی خاص داشته و با او مکاتبه می‌کردند. ابیاتی از ساقی‌نامه‌ی وی نقل می‌شود:

دلا، دیده‌ی دوربین برگشای

در ایمن دیر دیرینه‌ی دیربای

به عبرت نظر کن که گردون چه کرد

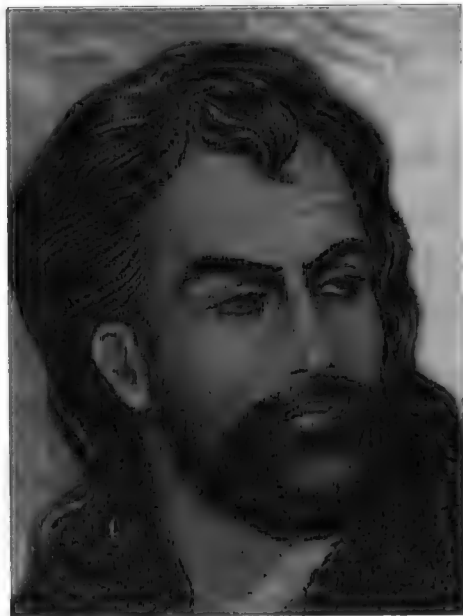
فریدون کجا رفت و قارون چه کرد

پی گنج بردند بسیار رنج

کنون خاک ریزند بر سر چو گنج

بدرود حیات گفت و در ابن بابویه شهر ری به
خاک سپرده شد:

چه خوش است پیش زلفت سر شکوه باز کردن
گله‌های روز هجران به شب دراز کردن
همه روز در خیالم که شب دگر بیاید
تو و نازها که داری من و آن نیاز کردن



حافظ (۷۲۶-۷۹۱ ه.ق)

شمس‌الدین محمد بهاء‌الدین شیرازی ملقب به
لسان‌الغیب که به علت از حفظ داشتن قرآن
متخلص به حافظ گردیده، در شیراز چشم به دنیا
گشود و پدرش از اهالی اصفهان و مادرش اهل
کازرون بود.

حافظ به تحصیل علوم در زادگاه خود
پرداخت و در مجالس درس بزرگان حاضر و
کسب فیض نمود و در علوم به مقام رفیع رسید.

به مردار جویی چو کرکس مباحث

گرفتار هر ناکس و کس مباحث



تصویر نمادین

جلوه، میرزا ابوالحسن

(۱۲۳۸- ۱۳۱۴ ه.ق)

میرزا ابوالحسن جلوه در سال ۱۲۳۸ هجری در
گجرات هند متولد شد.

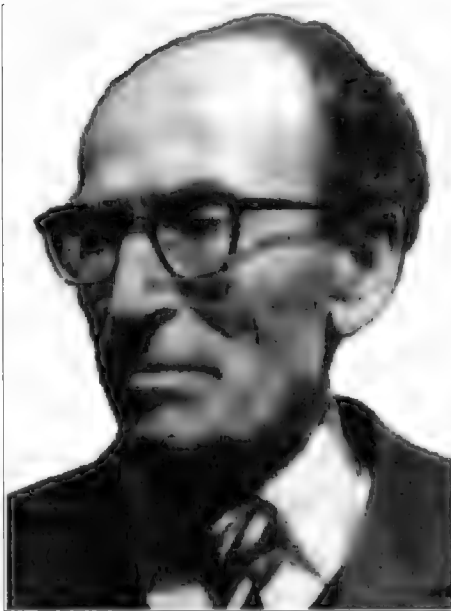
خاندانش روحانی بود و پدرش میر
سید محمد طباطبایی نام داشت. تخلص وی در
اشعارش «مظهر» بود.

اصلیت او نایینی بود و تحصیلاتش را در
اصفهان به پایان رساند و سپس به تهران آمد و در
تهران سکونت گزید. مظهر در فلسفه و حکمت و
ادب و شعر دارای مقام بلندی بود و تا آخر عمر
مجرد زندگی کرد.

سرانجام در سال ۱۳۱۴ در سن ۷۶ سالگی

سروده و بقیه‌ی اشعار او غزل هستند؛ غزلیاتی که آمیخته با عشق و عرفان بوده و در ادبیات ایران بی‌نظیرند.

انتخاب غزل از دیوان حافظ بسیار مشکل است؛ زیرا تمام غزلیات او شیوا و دارای معانی عارفانه و عاشقانه‌اند و تقریباً خانه‌ای نیست که دیوان حافظ را در بر نداشته باشد.



حالت، ابوالقاسم (متولد ۱۲۹۲ ه. ش)

ابوالقاسم حالت در سال ۱۲۹۲ ه. ش در تهران متولد گردید. وی یکی از شاعران و نویسندگان مشهور معاصر است که در هزل و اشعار فکاهی ورزیدگی خاص و لطیف دارد. آثار شعری زیبایی از خود به جای گذاشته است. اینک نمونه‌ای از شعر وی:

حافظ در اشعار خود گوید:

عشقت رسد به فریاد گر خود به سان حافظ

قرآن زبر بخوانی بر چارده روایت

و یا:

ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه‌داری

وی معاصر سلسله‌ی آل مظفر و اوایل

حکومت تیموریان بوده است و آل مظفر، به

خصوص شاه شجاع را مدح گفته است.

اغتشاشات و نابسامانی‌های آن دوران در برخی از

اشعار حافظ اثر گذاشته است، از جمله:

این چه شوری است که در دور قمر می‌بینم

همه آفاق پر از فتنه و شر می‌بینم

و یا:

در میخانه بپستند خدایا مپسند

که در خانه‌ی تزویر و ریا بگشایند

او در سال ۷۹۱ ه. ق یعنی صد سال بعد از

وفات سعدی در شیراز دار فانی را وداع گفت و

در خاک مصلای به خاک سپرده شد.

شاعری ماده‌ی تاریخ وفات حافظ را در همان

عبارت «خاک مصلای» یافته و گفته است:

چراغ اهل معنی خواجه حافظ

که شمع بود از نور تجلی

چو در خاک مصلای یافت منزل

بجو تاریخش از خاک مصلای

(به حساب ابجد عبارت خاک مصلای - مصلی

- ۷۹۱ می‌شود.)

حافظ دو مثنوی کوتاه و چند قطعه رباعی

خانواده‌ی عیسوی بود که سپس اسلام آورد. ابتدا نزد عموی خود به تحصیل علوم پرداخت. آن‌گاه از ابوالعلمای گنجوی رسوم شاعری آموخت. سپس به خدمت خاقان منوچهر رسید و لقب خاقانی گرفت و مدت‌ها نیز در دربار شروانشاه بود. از دست دادن پسر بیست ساله و سپس مرگ همسر غم بزرگی بر دل او نهاد.

او سفرهای زیادی کرد، از جمله عراق و ری و عربستان و در ملک عراق بود که با دیدن خرابه‌های مدائن قصیده‌ی معروف خود را که با این بیت شروع می‌شود سرود:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان

ایوان مدائن را آینه‌ی عبرت دان
او به سبب تألمات روحی اواخر عمرش را به عزلت گذراند و بالاخره در تبریز وفات یافت و در مقبرةالشعراي این شهر مدفون گردید. ابیاتی در مرثیه‌ی از دست دادن پسرش سروده که چند بیتی از آن نقل می‌شود:

من کجایم خیرم نیست که مست خطرم

گر شما نیز نه مستید کجایید همه

همه بیمار پرستان ز غم سیر شدند

آن‌که این غم خورد امروز شماید همه

نی، نی، از بند اجل کس به نوا باز نرست

کار کافتاد چه در بند نوایید همه

آه کامروز تمیز و زبان‌کنده شده است

تب ببندید و زیانم بکشایید همه

زین طیبیان غلط‌گوی چه گویم، که شما

نامبارک دم و ناساز درایید همه

چه کنم با دل خویش؟

آه از دل من

که ازو نیست به جز خون جگر حاصل من

زان که هر دم فکند جان مرا در تشویش

چه کنم با دل خویش؟

چه دل مسکینی؟

که غمین می‌شود اندر غم هر غمگینی

هم غم گرگ دهد رنجش و هم غصه‌ی میش

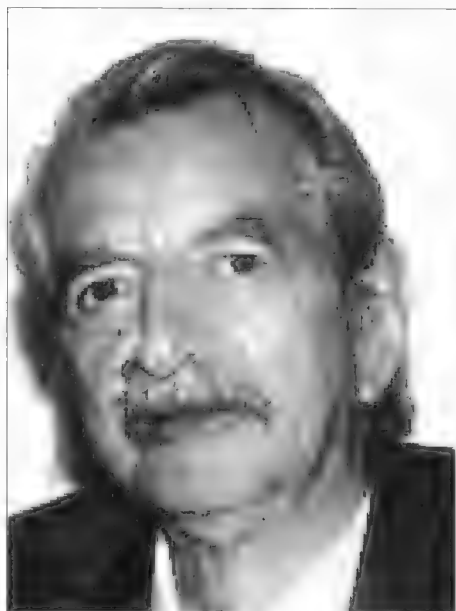
چه کنم با دل خویش؟



خاقانی، افضل الدین (۵۲۰-۵۹۵ ه.ق)

حسان العجم افضل الدین بدیل ابراهیم بن علی خاقانی حقایقی شروانی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین شعرای ایرانی و از گویندگان نامی آذربایجان است که در قریه‌ی دربند از توابع شروان متولد شد. پدرش درودگر و مادرش از

مهم‌ترین اثر خاقانی تحفة العراقین می‌باشد، که در واقع شرح ماجرای سفرهای وی می‌باشد.



خراسانی، عماد (۱۳۰۰-۱۳۸۲ ه. ش)

عمادالدین حسین برقی فرزند مرحوم سید محمد تقی معین دفتر (از صاحب منصبان آستان قدس رضوی) است که در مشهد متولد شد. او ابتدا شاهین تخلص می‌کرد و سپس عماد را برگزید، و بهترین غزل سرایان معاصر به شمار می‌رود. اشعارش به نام ورقی چند از دیوان عماد خراسانی انتشار یافته، و غزل‌های زیبا و ابیات دل‌نشینی دارد. دو بیت ذیل مطلع دو غزل او می‌باشند:

پیش ما سوختگان مسجد و میخانه یکی است

حرم و دیر یکی سجده و پیمانه یکی است

دوستت دارم و دانم که تویی دشمن جانم

از چه با دشمن جانم شده‌ام دوست ندانم



تصویر نمادین

خراسانی، حبیب (۱۲۶۶-۱۳۲۷ ه. ق)

حاج میرزا حبیب خراسانی متخلص به «حبیب» از علما و شاعران و دانشمندان طراز اول ایران است. پدرش میرزا محمد هاشم بود.

وی در سال ۱۲۶۶ هجری در مشهد به دنیا آمد و در همان‌جا پس از اتمام تحصیلات و علوم ظاهری در اصول شافعی «بوحنیفه‌ی» این مذهب گردید. او غزلیات پرشور و عرفانی دارد و سرانجام در سال ۱۳۲۷ وفات یافت:

در کعبه و در دیر، مرا یار تویی

مقصود من از سُبْحَه^۱ و زُنار تویی

مغیبه‌ی مست و صوفی سبچه به‌دست

در خانقهِ و خانه‌ی خُمّار تویی

هزار نیش جفا از تو نوش کردم و رفتم
هزار تیر بلا از تو خوردم و نریدم
به جای من اگر صد هزار دوست گزیدی
به دوستی، که به جای تو دیگری نگزیدم
بسی تو عهد شکستی که من رضای تو جستم
بسی تو مهر بریدی که از تو من نبریدم
از آن زمان که چو «خواجو» عنان دل به تو دادم
به جان رسیدم و هرگز به کام دل نرسیدم
مقبره‌ی وی در نزدیکی دروازه قرآن شیراز
است.



خواجوی کرمانی (۶۷۹-۵۷۵۳ ه.ق)

کمال‌الدین ابوالعطا، محمودبن علی کرمانی
متخلص به خواجو در کرمان متولد شد. در زادگاه
خود علوم آموخت و سپس به شیراز و اصفهان و
کازرون و عراق و مصر سفر کرد. در شیراز با
حافظ آشنا شد. وی معاصر سلطان ابوسعید بهادر
بود و او را مدح گفته است. او علاوه بر دیوان
شعر، آثار دیگری از خود به جا گذاشته، مانند:
همای و همایون، گل نوروژ، کمال نامه، روضه
الانوار، گوهر نامه، سام‌نامه. قطعه‌ی ذیل از اشعار
اوست:

نشان روی تو جستم به هر کجا که رسیدم
ز مهر در تو هیچ نشانی نه دیدم و نه شنیدم
چه رنج‌ها که نیامد به رویم از غم رویت
چه جوهرها که ز دست تو در جهان نکشیدم



خیام، حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم

(وفات ۵۱۷ ه.ق)

دانشمند، ریاضیدان، شاعر و فیلسوف ارزشمند
ایرانی در نیشابور پا به عرصه‌ی حیات نهاد و از
ریاضی دانان و منجمین معروف دوره‌ی سلجوقی



دانته (۱۲۶۵-۱۳۲۱ م)

«دانته» شاعر حماسه سرا، موسیقی دان و ادیب بزرگ ایتالیایی به سال ۱۲۶۵ میلادی در شهر فلورانس چشم بر هستی ناپیدا گشود.

پدر و مادرش از اشراف و اندیشمندان زمان خود بودند که طرد جهل و بیداد را در شیوه‌ی تربیتی خود سرمشق قرار داده بودند تا بتوانند انسانی وارسته و عالم را به جهان ادب و اجتماع تحویل دهند.

اما دانته در سال ۱۲۷۴ پدرش را از دست داد و مسئولیت تربیت وی به مادرش محول گردید. مادر، همراه استادش چنان همت گزیدند که وی در جوانی در حالی که ۱۸ بهار از عمرش را پشت سر می‌نهاد، به دریافت مقدمات بسیاری از علوم، تبحر یافت و حتی در ادبیات به چهار زبان دیگر

است. شهرت او بیش‌تر به خاطر رباعیات وی است که حالت عرفانی و حکیمانه‌ی خاصی دارند که به زبان‌های زنده‌ی دنیا نیز ترجمه شده‌اند. (اولین ترجمه به انگلیسی توسط فتیز جرالده انجام شده است).

مدفن وی در صحن امام‌زاده محروق در نیم فرسنگی نیشابور واقع است. از آثار وی می‌توان به مجموعه‌های ذیل اشاره کرد: نوروزنامه - روضة القلوب - رساله‌ای در جبر و مقابلات - رساله وجود - رساله‌ای در طبیعیات و فلسفه. اشعار ذیل از آثار اوست:

چون آب به جویبار و چون باد به دشت

روزی دگر از نوبت عرمم بگذشت

هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت

روزی که نیامدست و روزی که گذشت

مسلط گشت.

وی در دوران آموزش خود بیشترین تلاشش را در فراگیری علوم الهی و فلسفه‌ی مذاهب به کار برد و علاوه بر آن به نقاشی نیز مدتی روی آورد.

«دانته» که خود از طبقه‌ی اشراف بود، به خوبی احساس می‌کرد که ظلم این طبقه به خرده بورژواها و طبقات درجه دوم بسیار مشهود است؛ بدین لحاظ به جنبش بورژوایی که هراز چندی شدت می‌یافت، پیوست و علیه طبقه‌ی خود مبارزه می‌کرد تا آن‌ها به حق خود برسند.

ماجرای دل‌دادگی و عشق‌های آتشین نیز فصلی از زندگی این مرد بزرگ را رقم می‌زند.

وی یک بار در ۹ سالگی عاشق دختری گردید به نام «بئاتریس»؛ اما نوجوانی اجازه‌ی وصال به او نداد تا این‌که در هجدهمین بهار زندگی‌اش که دوباره او را دید، دل‌باخته‌ی وی گردید و این عشق زیبا که از عاطفی‌ترین و تاریخی‌ترین عشق‌های دنیاست او را به سرودن قطعه‌ی زیبای «زندگانی نو» واداشت.

وصال با «بئاتریس» خیلی زود پایان یافت؛ زیرا او را الهی‌مرگ به دیار دیگر فراخواند.

وی حدود سی سالگی به فعالیت‌های سیاسی دست زد و دو سال بعد از آن به عضویت «شورای صد نفری» شهر انتخاب گردید و به سال ۱۳۰۰ به عنوان یکی از شش تن حاکمان فلورانس انتخاب گردید.

او که بیش از هر مغربی با عشق و تأمل و

تعمق به خدای آسمان‌ها خیره شد و نگاه پرستش‌گر خود را درون پرهیاهوی خود متمرکز نمود تا آنچه را از درون ژرف‌نگر خود می‌کاود، بتواند به خوبی دریابد.

بدین‌سان اثر جاویدان خود به نام «کمدی الهی» را به رشته‌ی تحریر کشاند که در آن از گذار یک روح به ماورای اندیشه‌ها سخن به میان می‌آورد.

او با الهام از «ورژیل» به نام مظهر فلسفه و از «بئاتریس» که عشق ایده‌ال خود او می‌باشد به عنوان مظهر مذهب، به هدایت روح همت می‌گمارد و از بهشت و دوزخ بازدید می‌نماید.

«دانته» سعی نمود که جلوه‌ی حیات و هستی را به دور از قالب‌های تصنعی زمان خود، نمادین سازد و در این راه با گذشتن از رسوم و سنن قدیم که از ویژگی‌های اخلاق و مذهب زمان خود بود، به هنر شکلی متعالی بخشید. فهم او صدها سال از زمان خود جلوتر بود.

وی در اواخر عمر دچار استیصال اجتماعی گردید و آوارگی و در به دری‌های فراوانی را کشید تا این‌که بالاخره در شهر «راونا» نزد دوستش «کان‌گرانده‌دالاسکا» ماوایی یافت و تا پایان عمر در آن‌جا بود.

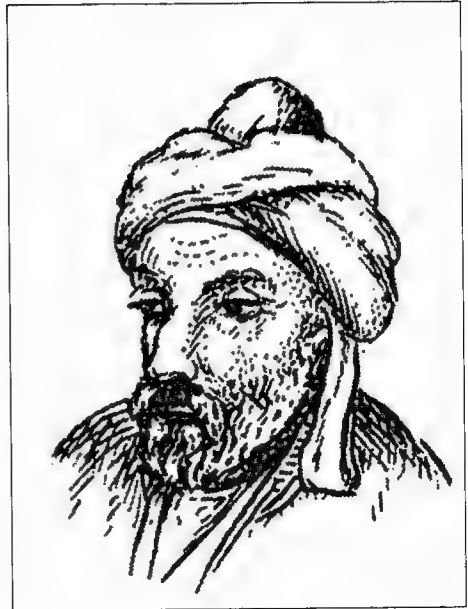
این فیلسوف شوریده حال به سال ۱۳۲۱ میلادی در حالی که ۵۶ سال از عمر خود را طی نموده بود، به دیار ابدیت رفت و به معشوق خلوت خویش پیوست.

ور نبودی کوکبش در زیر لب
مونسیم تا روز کوکب، نیستی
ور مرکب نیستی از نیکویی
جانم از عشقش مرکب نیستی
ور مرا بسی یار باید زیستن
زندگانی کاش یا رب نیستی



دهلوی، امیر خسرو (۶۵۱-۷۰۵ ه.ق)

پدر امیر خسرو در شهر «کش» ترکستان اقامت داشت و در حمله‌ی مغول به هندوستان گریخت و امیر خسرو در شهر پتالی هند به دنیا آمد. در عرفان و تصوف شعرهای زیاد دارد. وی از شعرای طراز اول ادبیات ایران است. سبک اصلی شعرهای امیر خسرو سبک هندی است. دیوان وی شامل پنج قسمت است، از اشعار دوران جوانی وی می‌توان به تحفة الصغر اشاره



دقیقی طوسی (وفات ۳۶۷ تا ۳۷۰ ه.ق)

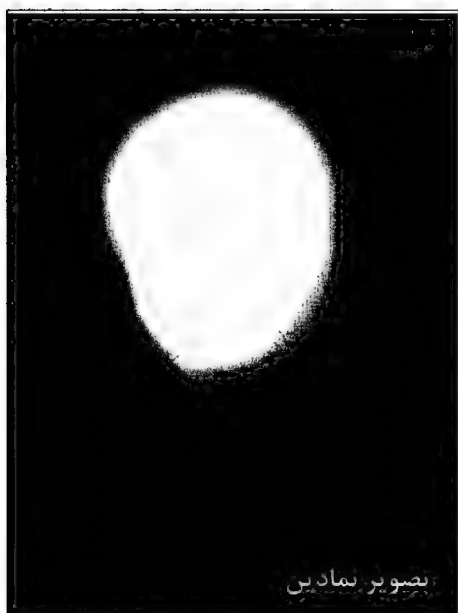
ابومنصور محمد بن احمد دقیقی پس از رودکی، مقام دوم در دوره‌ی سامانی را دارد. وی از مردم خراسان (طوس) بود و شاعر مشهور سده‌ی چهارم هجری است. دین او زرتشتی بوده است. دقیقی به دستور نوح بن منصور هشتمین امیر سامانی به نظم شاهنامه اهتمام ورزید؛ ولی در جوانی در حدود سال‌های (۳۶۷-۳۷۰) به‌دست غلامی کشته شد. از او چند قطعه و چند قصیده و مثنوی گشتاسب نامه که نزدیک هزار بیت است و فردوسی در شاهنامه آورده، به جا مانده است:

کاشکی اندر جهان، شب نیستی

تا مرا هجران آن لب، نیستی

زخم عقرب نیستی بر جان من

گر ورا زلف معقرب، نیستی



رابعه (قرن چهارم ه. ق)

رابعه، دختر کعب قزداري نخستين شاعره‌ی ایرانی است که در قرن چهارم هجری می‌زیست. وی که به فارسی و تازی شعر گفته و از مردم بلخ و معاصر سامانیان است، در شمار زنان زاهد و صوفی است. چنان‌که ابوسعید ابوالخیر گفته است رابعه عاشق و شیفته‌ی غلام برادر خود شد، اما آن عشق مجازی بوده، ولی همین امر باعث بدگمانی برادرش شده و به دست برادر خود کشته می‌شود:

عشق او باز اندر آوردم به بند

کوشش بسیار نامد سودمند

عشق دریایی کرانه ناپدید

کی توان کردی شنا ای هوشمند

عشق را خواهی که تا پایان بری

بس که بپسندند، باید ناپسند

کرد و مجموعه‌ی وسط الحیوة بین ۲۰-۳۰ سالگی شاعر بوده است. غرة الکمال را بین ۳۰-۴۰ سالگی سروده است و از اشعار دوره‌ی پیری وی بقیة النقیه است و نهاية الکمال که شامل آخرین اشعار شاعر است.

از دیگر آثار امیر خسرو دهلوی می‌توان از مجموعه‌های زیر نام برد:

مطلع الانوار، شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، آیینه‌ی اسکندری، هفت بهشت، قران السعدین، مفتاح الفتوح، خزائن الفتوح، رسائل الاعجاز، وی در سال ۷۰۵ ه. ق در دهلی دار فانی را وداع گفت:

من آن ترک طناز را می‌شناسم

من آن مایه‌ی ناز را می‌شناسم

شب آمد به گوش من آوای پایی

تو بودی، من آواز را می‌شناسم

ز من پرس سوز سخن‌های «خسرو»

که من آن نواساز را می‌شناسم

زشت باید دید و انگارید خوب

زهر باید خورد و انگارید قند

توسنی^۱ کردم ندانستم همی

کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند

جانا لب چون شراب داری

رخسار چو آفتاب داری

در پیش ضیاء^۲ آفتاب

از ظلمت شب نقاب داری

پیوسته ره فراق پویی

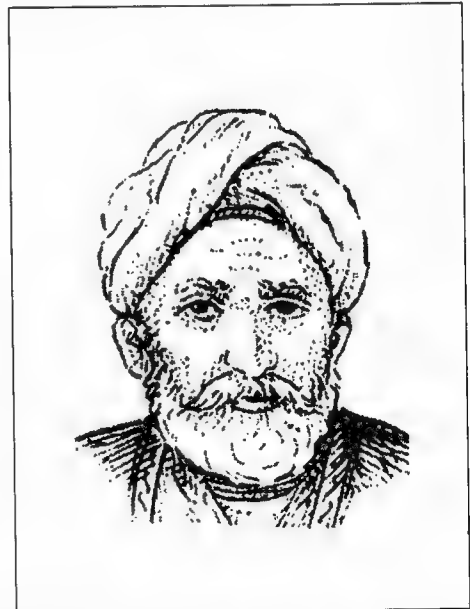
همواره سر عتاب^۳ داری

ای روح تو رحمت الهی

تا چند مرا عذاب داری

ای تافته زلف یار آخر

تا کی دل من به تاب داری



رشید و طواط (۴۸۰-۵۷۳ ه.ق)

رشیدالدین محمدبن عبدالجلیل بلخی ملقب به و طواط در حوالی سال ۴۸۰ در بلخ تولد یافت و از شعرای دربار خوارزمشاهیان بود. قسمتی از تحصیلات رشید در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بلخ بود و از استادان او امام ابوسعید هروی بود. او در فارسی و عربی مهارت داشت و از فلسفه و حکمت بهره‌مند بود. «حدائق السحر فی دقایق الشعر» او در بدیع شهرت دارد و چند رساله‌ی عربی نیز به نثر مسجع و مصنوع و متکلف از او باقی است. مرگ او را به سال ۵۷۳ نوشته‌اند:



رودکی، ابو عبدالله جعفر بن محمد

(۲۶۰-۵۳۲۹ ه.ق)

شاعر بزرگ قرن سوم و چهارم در قریه‌ی رودک

۱. توسنی: سرکشی، فرار کردن.

۲. ضیاء: نور شدید

۳. عتاب: ناز کردن



روزبهان شیرازی (۵۲۲-۵۶۰۶.ق)

محمد پسر ابی نصر از مردم فسای فارس و از فاضلان و عالمان و مفسران و شاعران قرن ششم هجری است که در شیراز سال‌ها به وعظ اشتغال داشت. چند کتاب معتبر از او برجاست:

۱ - تفسیر عرایس ۲ - کتاب الانوار فی کشف الاسرار ۳ - رساله‌ی شطحیات.

سال مرگ او را ۶۰۶ نوشته‌اند:

اگر آهی کشم صحرا بسوزم

جهان را جمله سر تا پا بسوزم

بسوزم عالم، ار کارم نسازی

چه فرمایی؟ بسازی یا بسوزم

سمرقند متولد شد. او چنان با هوش بود که در هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و نواختن ساز بربط را فراگرفت و چنان استاد شد که به دربار امیرنصر بن احمد سامانی راه یافت و صاحب مال و منال زیادی گردید. عده‌ای او را کور مادرزاد دانسته‌اند. از رودکی دیوانی به جا مانده است که حاوی اشعار حکیمانه و با معنی است. دیگری، کلیله و دمنه که کتابی است به نظم. این شاعر بزرگوار در زادگاه خویش دارفانی را وداع گفت. ابیاتی از رودکی نقل می‌شود:

ای آن‌که غمگینی و سزاواری

و ندر نهان سرشک همی باری

رفت آن‌که رفت و آمد آنک آمد

بود آن‌که بود خیره چه غم داری

هموار خواهی کرد گیتی را؟

گیتی است کی پذیرد همواری

اندر بلای سخت پدید آید

صبر و بزرگ مردی و سالاری

با یاد رنگ و بوی تو ای نوبهار عشق

هم چون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام



زاکانی، عبید (قرن هشتم هـ. ق)

عبید زاکانی قزوینی شاعر و نویسنده‌ی مشهور ایران در قرن هشتم هجری است. علت شهرت وی به زاکانی، انتساب او به خاندان زاکان که اعراب مهاجر به ایران بودند، می‌باشد. آثار عبید به نظم و نثر هر دو باقی است. اشعار وی بر دو قسم است:

۱- اشعار هزل و مطایبه ۲- اشعار جد

آثار عبید زاکانی عبارتند از:

- ۱- کلیات اشعار جدی او ۲- مثنوی عشاقانه
- ۳- کتاب نوادر الامثال ۴- کتاب اخلاق الاشراف
- ۵- ریش نامه ۶- صد پند ۷- رساله‌ی تعریفات ۸



رهی معیری (۱۲۸۸-۱۳۴۷ هـ. ش)

محمدحسن (بیوک) ره‌ی معیری متولد ۱۲۸۸ هـ. ش، از شیفتگان سعدی است که از فرط عشق به سعدی سخن خود را از رنگ و بوی شیوه‌ی استاد برخوردار کرده است و در چند سال اخیر گاهی غزل‌هایی سروده است که گرمی زبان مولانا از آن ساطع است و به خواننده می‌فهماند که سراینده، شوریده‌ی معروف قونیه نیست، بلکه هنرمندی است که تحت تأثیر دم گرم مولوی قرار گرفته است. او در سال ۱۳۴۷ هـ. ش چشم از جهان فرو بست.

مجموعه اشعار وی به نام «سایه‌ی عمر» در زمان حیاتش به چاپ رسیده است:

اشکم ولی به پای عزیزان چکیده‌ام

خارم ولی به سایه‌ی گل آرمیده‌ام



ساوجی، سلمان (قرن هشتم ه. ق)

خواجه جمال‌الدین سلمان بن خواجه علاء‌الدین محمد، در ساوه متولد شد. مدتی خواجه غیاث‌الدین محمد، وزیر سلطان ابوسعید بهادر را مدح گفت و سپس به دربار جلایریان رفت و مداح سلاطین آن خاندان گردید.

علاوه بر اشعار و غزلیات عارفانه، سلمان اشعار و قصایدی در مدح رسول اکرم ﷺ و ائمه‌ی معصومین مخصوصاً حضرت علی علیه السلام دارد.

وی از قصاید سرایان بنام است. هم‌چنین دو مثنوی به نام‌های جمشید و خورشید، و فراق‌نامه دارد. این غزل از اوست:

باز به زنجیر زلف، یار مرا می‌کشد

در پی او می‌روم تا به کجا می‌کشد

- اشعار هزلیه و تضمینات ۹ - رساله‌ی دلگشا ۱۰ - مکتوبات قلندران ۱۱ - فال نامه‌ی بروج ۱۲ - فال نامه‌ی وحوش و طیور ۱۳ - قصه‌ی موش و گربه ۱۴ - مقامات

وفات عبید زاکانی بین سال‌های ۷۶۹ تا ۷۷۲ هجری است:

بیش از این بد عهد و پیمانی مکن

با سبک روحان گران جانی مکن

غمزه را گو: خون مشتاقان مریز

ملک زان توست، ویرانی مکن

با ضعیفان آنچه در گنجند مگو

با اسیران هر چه بتوانی مکن

بیش از این جور و جفا و سرکشی

حال مسکینان چو می‌دانی مکن

ورکنی با دیگران جور و جفا

با عبیدالله زاکانی مکن

چندی به تهران احضار شد و در زمره‌ی اعضای دیوان قرار گرفت. در عهد محمدشاه، منشی و مستوفی دیوان شد و به امر شاه کتاب ناسخ التواریخ را نوشت. از آثار دیگر او براهین العجم و آیین‌های جهان‌نما می‌باشد. آرامگاه وی در نجف اشرف است.



سپهری، سهراب (۱۳۰۷-۱۳۵۹ ه. ش)

سهراب سپهری در سال ۱۳۰۷ در شهرستان کاشان دیده به جهان گشود. پدر سهراب اسدالله خان سپهر که مردی سوارکار و شکارچی بود و خط خوشی داشت و در مسایل هنری مثل نقاشی، منبت کاری و ساخت تار ذوقی سرشار داشت. مادرش خانم فروغ سپهری نوه‌ی لسان‌الملک سپهر مؤلف کتاب «ناسخ التواریخ» بود. او در بین فرزندان خانواده، سومین فرزند

نام همه عاشقان در ورق لطف او
گر قلمی می‌کشد بر سر ما می‌کشد
هر چه ز نیک و بدست، چون همه در دست اوست
بر من مسکین چرا خط خطا می‌کشد
بار تو من می‌کشم جور تو من می‌برم
پرده ز رویت چرا باد صبا می‌کشد
بار غمت غمیر من کس نتواند کشید
بر دل «سلمان» بنه آن همه تا می‌کشد



سپهر (۱۲۰۷-۱۲۹۷ ه. ق)

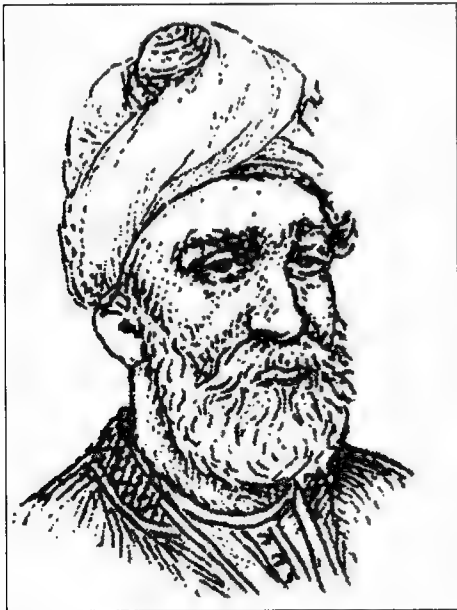
میرزا محمدتقی خان کاشانی، ملقب به لسان‌الملک مورخ و شاعر ایرانی در کاشان به دنیا آمد. در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا، ملک الشعراء فتحعلی شاه رسید. پس از فوت صبا به کاشان برگشت و محمود میرزا پسر فتحعلی شاه به وی تخلص سپهر داد. پس از

معنقد است:

«اهل کاشانم اما

شهر من کاشان نیست

شهر من گم شده است.»



سعد سلمان، مسعود (۴۴۰-۵۱۵ ه.ق)

مسعود پسر سعد سلمان از مردم لاهور و اصلش از همدان است. تولد او بین سال‌های ۴۳۸ یا ۴۴۰ هجری در لاهور اتفاق افتاده است.

او از شاعران بزرگ آخر قرن پنجم هجری است. حیات مسعود با سلطنت شش تن از پادشاهان غزنوی مصادف بوده است. مسعود در دستگاه سیف الدوله محمود به کار مشغول شد. در سال ۴۸۰ هجری بر اثر سوءظنی که سلطان ابراهیم به پسرش سیف الدوله پیدا کرد، او و اطرافیانش از جمله مسعود را در زندان «دهک» -

خانواده بود. پس از پایان سیکل اول متوسطه، به تهران آمد و در دانش‌سرای مقدماتی که شبانه‌روزی بود ثبت نام کرد. پس از پایان دوره‌ی دو ساله‌ی دانش‌سرا به کاشان بازگشت و در اداره‌ی فرهنگ استخدام و مشغول کار شد.

پس از گذشت مدتی به تهران آمد و پس از موفقیت در امتحان دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ مدرک لیسانس گرفت و در سال ۱۳۳۶ به پاریس اعزام شد و توانست در دانشکده‌ی هنرهای زیبای پاریس در رشته‌ی لیتوگرافی (چاپ سنگی) پذیرفته شود. سهراب در سال ۱۳۵۷ به سرطان خون مبتلا شد و به لندن جهت درمان اعزام شد و سرانجام در ساعت ۶ بعدازظهر اول اردیبهشت سال ۱۳۵۹ به ابدیت پیوست و پیکر او در زیارتگاه مشهد اردهال (امام‌زاده سلطان علی) به خاک سپرده شد. شعر سهراب از نقاشی‌هایش الهام گرفته و اندیشه‌هایش رنگی عارفانه و رنگارنگ دارد همراه با عواطف لطیف و تخیلات ظریف که خواننده را به افق‌های تازه می‌کشاند. او محیط و عصر خود را نمی‌پسندید و در جست‌وجوی عالمی والاتر و برتر بود.

دل آزرده‌گی وی از محیط را می‌توان در اشعار سهراب احساس کرد. تکرار کلمات در شعرش بسیار دیده می‌شود.

به هر حال سپهری هم نقاش و هم شاعری متبحر بود که خیال را با واقعیت توأم می‌ساخت و پدیده‌ای جدید می‌آفرید. سهراب در شعرش



سعدی (۶۰۶-۶۹۱ ه.ق)

شیخ مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی از ستاره‌های قدر اول آسمان ادب ایران است که نظم و نثر بدیع او به زبان فارسی، او را به اعلا درجه‌ی فصاحت رسانیده و در هر عصری آثار وی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

سعدی در شیراز متولد شد و در اوان جوانی پدرش را از دست داد. او علاقه‌ی زیادی به سیر و سیاحت داشت و فتنه‌ی مغول و آشفتگی اوضاع شیراز او را وادار به ترک وطن نمود. بغداد، سوریه، مکه، افغانستان، ترکستان، هند، کاشمر از جمله اماکنی بودند که سعدی در آن‌ها اقامت داشته است. پس از بازگشت به شیراز و آرام شدن اوضاع به خدمت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی

مکانی در هندوستان - محبوس ساخت. بعد از چند سال او را به زندان «سو» مکانی مرتفع و متعفن انتقال داد و بعد از هفت سال دیگر او را به قلعه‌ی «نای» که زندان سیاسی بود تبعید کرد. او هشت سال هم در زندان «قلعه‌ی مرنج» به سر برد. روی هم رفته ۲۵ سال در زندان بوده است و اشعارش شرح احوال پریشانی خویش در زندان است که به حبسیه معروف است.

او به سال ۵۱۵ هجری قمری در سن ۷۵ سالگی درگذشت:

از کرده‌ی خویشان پشیمانم

جز توبه ره دگر نمی‌دانم

کارم همه بخت بد بیچانم

در کام زبان همی چه پیچانم

این چرخ به کام من نمی‌گردد

بر خیره سخن همی چه گردانم

تا زاده‌ام ای شگفت محبوسم

تا مرگ مگر که وقف زندانم

چون پیرهن عمل بپوشیدم

بگرفت قضای بد گریبانم



سنایی غزنوی (۴۶۵ - ۵۳۵ ه. ق)

ابوالمجد مجدود پسر آدم متخلص به سنایی از شاعران بزرگ قرن پنجم هجری است. تاریخ تولد او به درستی معلوم نیست ولی اکثر تذکره‌نویسان تولد او را در اوایل نیمه‌ی دوم قرن پنجم بین سال‌های ۴۶۳ تا ۴۷۳ ذکر کرده‌اند. او پس از تغییر حال و راه یافتن به درگاه معرفت و سیر و سلوک عارفانه که برای او دست داد، از مدح و غزل کناره کشید و دست به دامان حقیقت دراز کرد. به جرأت می‌توان گفت اگر آتش افروخته‌ی باطنی و فریفتگی او به عالم حقیقت و عرفان نبود، حشمت و عظمتی در شعر و شاعری نداشت.

سنایی از شاعران بزرگی است که شعر قلندرانه‌اش، گرمی و روشنی بزم عارفان است.

رسید و تخلص خود (سعدی) را نیز از وی گرفته است.

در سال ۶۵۵ ه. ق کتاب بوستان را به نظم درآورد و در ۶۵۶ ه. ق گلستان را تصنیف کرد. گلستان یکی از شاهکارهای ادبی ایران به نثری آهنگین که نثر مسجع نام دارد نوشته شده است. علاوه بر بوستان و گلستان، سعدی کلیاتی دارد که حاوی غزلیات، قصاید و قطعات و ترجیع‌بندها و رباعیات وی است. سعدی در شیراز وفات یافت و در سعدیه‌ی شیراز که زیارتگاه صاحب‌دلان است مدفون گردید. جهت پی بردن به زیبایی اشعار سعدی و قدرت بیان وی شعری از شهریار که غزل معروف سعدی (من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی...) را تضمین کرده، در زیر آمده است:

ای که از کلک هنر نقش دل‌انگیز خدایی

حیف باشد مه من کاین همه از مهر جدایی

گفته بودم جگرم خون نکنی باز کجایی

«من ندانستم از اول که تویی مهر و وفایی

عهد تابستن از آن به که ببندی و نیایی»

مدعی طعنه زند در غم عشق تو زیادم

وین نداند که من از بهر غم عشق تو زادم

طبع خود را در هجا و هزل به کار برده ولی در آخر عمر دست از این کار برداشت. او به پیری و درماندگی رسید و بعد از سال ۵۶۰ بدرود حیات گفت:

ز هر بدی که تو دانی هزار چندانم
مرا نداند از این گونه گس، که من دانم
ز آشکار بدم، در نهان ز بد بترم
خدای داند، از آشکار و پنهانم
تن من است، چو سلطانِ معصیت فرما
من از قیاس غلام، مطیع سلطانم
غلام نیست، به فرمانِ خواجه رام چنان
که من به هرزه تنِ خویش را به فرمانم



شاملو، احمد (۱۳۰۴-۱۳۷۹ ه. ش)

متخلص به (۱. بامداد) در سال ۱۳۰۴ در تهران به دنیا آمد. شاملو به غیر از شعر در زمینه‌های قصه

او صاحب آثاری چون حدیقه الحقیقه - سیرالعباد الی المعاد و کارنامه‌ی بلخ است. رساله‌های عقل نامه و عشق نامه نیز به او منسوب است.

در سال مرگ سنایی اختلاف است ولی سال ۵۳۵، صحیح‌تر به نظر می‌رسد:
محراب جهان، جمال رخساره‌ی توست
سلطان فلک، اسیر و بیچاره‌ی توست
شور و شر شرک و زهد و توحید و یقین
در گوشه‌ی چشم‌های خون‌خواره‌ی توست



تصویر نمادین

سوزنی سمرقندی (وفات ۵۶۰ ه. ق)

تاج الشعرا، محمدبن علی سوزنی از مردم سمرقند و از شاعران قرن ششم ه. ق است. او روان طبع و ساده گوی بوده و شعرش از پیچیدگی عاری است. شاعری قصیده سراسر است که



شوریده‌ی شیرازی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ ه. ق)

حاجی محمد تقی شوریده، شاعر نابینای شیرازی که از قرار معلوم نسبش به اهلی شیرازی صاحب مثنوی معروف سحر حلال می‌پیوندد، در ذیحجه‌ی سال ۱۲۷۴ ه. ق به دنیا آمد و در هفت سالگی به بیماری آبله دچار شد و هر دو چشم خود را از دست داد. شوریده در سال ۱۳۱۱ ه. ق همراه حسینقلی خان مافی (نظام السلطنه) از شیراز به تهران آمد و توسط میرزا علی اصغر اتابک به ناصرالدین شاه و پسرش مظفرالدین شاه معرفی شد و قصایدی در مدح آن دو پادشاه سرود و لقب مجدالشعرا و بعد فصیح الملک گرفت.

شوریده در سال ۱۳۱۴ ه. ق به شیراز بازگشت و از درآمد دهی که دولت به وی واگذار

و نمایش‌نامه، تصحیح متون کهن، ترجمه‌ی رمان و قصه برای کودکان و گردآوری آثار فولکور و... آثار فراوانی منتشر ساخت.

احمد شاملو در بامداد دوم مرداد ماه ۱۳۷۹ به دنبال یک دوران طولانی بیماری در بیمارستان ایران مهر دار فانی را وداع گفت و در اسام‌زاده طاهر کرج به خاک سپرده شد:

گر بدین سان زیست باید پست
من چه بی‌شرمم اگر فانوس عمرم را به رسوایی
نیاویزم

بر بلند کاج خشک کوچه‌ی بن بست
گر بدین سان مرد باید پاک

من چه ناپاکم اگر نشانم از ایمان خود چون کوه
یادگار جاودانی برتر از این بی‌بقای خاک.



شهریار، سید محمد حسین

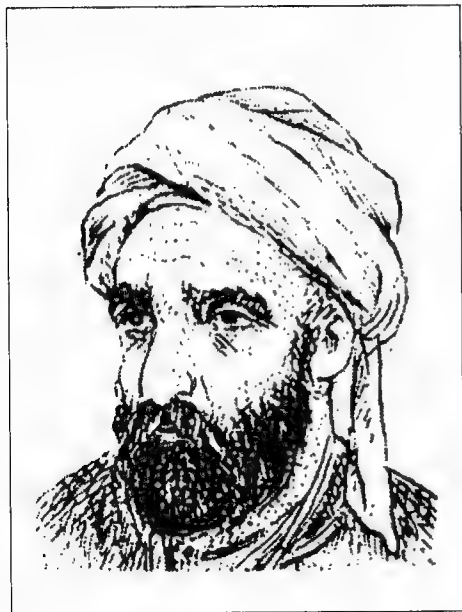
(۱۲۸۵-۱۳۶۷ ه. ش)

سید محمد حسین بهجت تبریزی در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز دیده به جهان گشود. شهریار تحصیلات خود را در مدرسه‌ی متحده، فیوضات تبریز و درالفنون تهران به پایان برد و تا آخرین کلاس مدرسه‌ی طب را گذراند ولی در سال آخر دنباله‌ی کار را رها کرد. وی ابتدا در اشعارش بهجت تخلص می‌کرد ولی بعداً دوباره برای انتخاب تخلص با دیوان حافظ فال گرفت و یک بار مصراع: «که چرخ این سکه‌ی دولت به نام شهریاران زد» و بار دیگر «روم به شهر خود و شهریار خود باشم» آمد و از این رو تخلص خود را به «شهریار» تبدیل کرد.

وی از برجسته‌ترین شاعران غزل سرای

کرده بود، زندگی مرفهی برای خود ترتیب داد. سرانجام در روز پنجشنبه ششم ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ درگذشت:

هر چه کنی بکن، مکن ترک من ای نگار من
هر چه ببری ببر، مبر سنگ‌دلی به کار من
هر چه قلی پهل، مَهَل پرده به روی چون قمر
هر چه ذری پَدَر، مَدَر پرده‌ی اعتبار من
هر چه دمی بده، مده زلف به باد ای صنم
هر چه نهی بنه، منه دام به رهگذار من
هر چه کشی بکش، مکش صید حرم که نیست خوش
هر چه شوی بشو، مشو تشنه به خون زار من
هر چه روی برو، مرو راه خلاف دوستی
هر چه زنی بزَن، مزن طعنه به روزگار من
هر چه کِشی بکش، مکش باده به بزم مدعی
هر چه خوری بخور، مخور خون من ای نگار من



شهید بلخی (وفات ۳۲۵ ه.ق)

ابوالحسن شهید پسر حسین جهودانکی از مردم بلخ و از شاعران اواخر قرن سوم هجری و نیمه اول سده ی چهارم هجری است. از سال تولدش اطلاعی در دست نیست ولی تاریخ مرگش را ۳۲۵ نوشته اند. او نزد معاصران خود به استادی شناخته شده و غیر از شعر، در کلام و فلسفه نیز تبحر داشته و با محمد زکریای رازی مناظرات و بحث در مسایل علمی و فلسفی داشته است. از وی اشعار چندانی در دست نیست و فقط صد بیت از اشعار او به جای مانده است. او به دو زبان عربی و فارسی شعر گفته است:

مرا به جان تو سوگند و صعب سوگندی

که از تو روی نیپیچم، نه بشنوم پندی

معاصر است. علاوه بر غزل، در سرودن انواع شعر فارسی مهارت داشت و در اشعارش با بهره گیری از زبانی صمیمی و عاطفی و ساده و روان، باور و ایمان عمیق و ارادت خود را نسبت به اهل بیت (ع) آشکار می سازد.

از آثار شهریار می توان به منظومه ی «حیدر بابایه سلام» به زمان ترکی آذربایجانی و کلیات اشعار در پنج جلد اشاره کرد.

شهریار در سال ۱۳۶۷ شمسی دیده از جهان

فروست:

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟

بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا؟

نوش دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی

سنگ دل این زودتر می خواستی حالا چرا؟

عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست

من یک امروز مهمان توأم فردا چرا؟

نازنینا! ما به ناز تو جوانی داده ایم

دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا؟

آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند

در شگفتم من، نمی باشد زهم دنیا چرا؟

شهریارا بی جیب خود نمی کردی سفر

این سفر راه قیامت می روی تنها چرا؟

حکومت شاه عباس به اصفهان مهاجرت کرد و صائب در همین شهر متولد شد.

وی در ایام جوانی پس از پایان تحصیلات به مکه سفر کرد و سپس عازم هند گردید و به دربار شاه جهان رفت و شش سال در کابل و هند اقامت گزید. سپس بنا به درخواست پدر به ایران آمد و در دربار شاه عباس دوم قدر و منزلتی یافت. از خصوصیات شعر صائب مضمون سازی و باریک‌اندیشی است که در واقع از مشخصات سبک هندی است. تک بیتی‌های وی جذابیتهای دارند. مدفن صائب در اصفهان است. این شعر از اوست:

در حفظ آبروی زجان سخت‌تر بکوش

کین آب رفته باز نگرده به جوی خویش

دست طمع چو پیش کسان می‌کنی دراز

پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

دهند پندم و من، پند هیچ نپذیرم
که پند سود ندارد به جای سوگندی

شنیده‌ام که بهشت، آن کسی تواند یافت
که آرزو پسرساند به آرزومندی

هزار کبک ندارد، دل یکی شاهین
هزار پنده ندارد دل خداوندی

ترا اگر ملک چینان بدیدی روی
نماز بردی و دینار بر پراکندی

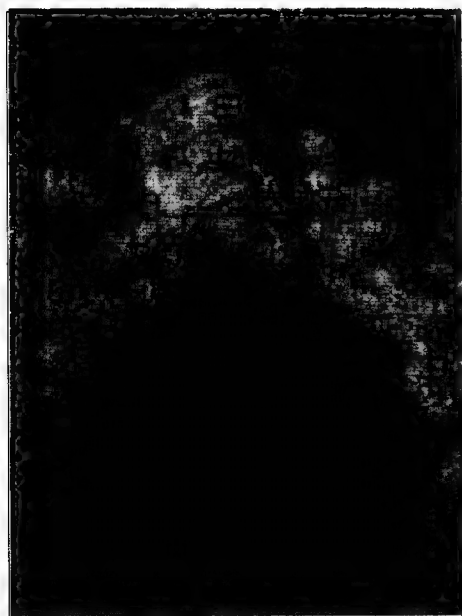
ترا اگر ملک هندیان بدیدی موی
سجود کردی و بتخانه‌هاش برکندی

ترا سلامت باد ای گل بهار و بهشت
که سوی قبله‌ی رویت نماز خوانندی



صائب تبریزی (۱۰۸۱-۱۱۰۸ ه.ق)

محمدعلی صائب در اصفهان متولد شد، پدرش میرزا عبدالرحیم اهل تبریز بود که در زمان



صبا، فتحعلی خان (۱۱۷۹ - ۱۲۳۸ ه. ق)

فتحعلی خان کاشانی، متخلص به صبا، معروف‌ترین شاعر دربار فتحعلی شاه قاجار است. وی در کاشان به دنیا آمد. در اوان جوانی نزد سلیمان بیک صباحی و بیدگلی تلمذ کرد و از طرف فتحعلی شاه قاجار حکومت قم و زادگاه خودش کاشان را داشت. او اغلب قصاید معروفش را در مدح فتحعلی شاه قاجار و شاهزادگان و امرای دربار سرود و به لقب ملک الشعرا^۱یی مفتخر گردید. گذشته از دیوان، مثنوی‌ها و رسالاتی منظوم سروده که مهم‌ترین مثنوی او «شاهنشاه نامه» به تقلید شاهنامه‌ی



صبحاحی بیدگلی (..... - ۱۲۱۸ ه. ق)

حاجی سلیمان کاشانی از شعرای قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ هجری است.

تخلص او صباحی و از مردم بیدگل، از توابع کاشان می‌باشد. وی در عصر امرای زندیه بوده و با آنان ارتباط داشته و با هاتف نیز معاصر و مباشر بود. صباحی ترکیب بندی در مرثیه‌ی امام حسین (ع) به تقلید کلیم ساخته که از استادی وی حکایت دارد. او در سال ۱۲۱۸ ه. ق وفات یافت:

افتاد شامگه، به کنار افق نگون

خور^۱ چون سر بریده، از این تشت وازگون^۲

افکند چرخ، مغفر^۳ زرین و از شفق

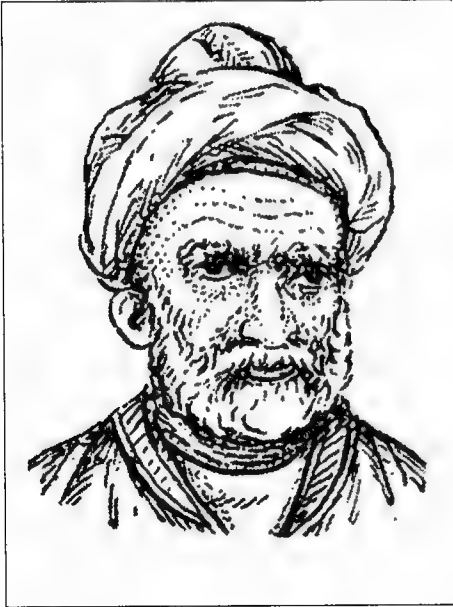
در خون کشید دامن خفتان^۴، نیلگون...

۱. خور: خورشید

۲. تشت وازگون: کنایه از آسمان

۳. مغفر: زرهی که زیر کلاه خود بر سر می‌گذاشتند.

۴. خفتان: لباس زرهی جهت در امان ماندن بدن از تیر



صفای اصفهانی (۱۲۶۹-۱۳۲۲ ه. ق)

محمد حسین صفای اصفهانی در سال ۱۲۶۹ ه. ق در شهر فریدن متولد شد.

در اوایل جوانی به تهران آمد و سپس به مشهد رفت. صفا سال‌های دراز گوشه نشین بود و زن و همسر اختیار نکرد. در سال ۱۳۱۴ ه. ق رنجور شد و ناتوانی وی مدت‌ها طول کشید و دو سه سال آخر عمر به کلی از پای افتاد و سرانجام در سال ۱۳۲۲ ه. ق زندگی را بدرود گفت.

از اشعار به‌جا مانده از صفا مقداری قصیده و غزل و چند مسمط و رباعی و یک مثنوی به سبک گلشن راز شبستری وجود دارد که در دیوان او چاپ شده است.

غزل‌های این شاعر که محصول شب زنده‌داری‌های او می‌باشد، زیبا و خوش آهنگ و

فردوسی، مثنوی «خداوند نامه» و منظومه‌ی «عبرت نامه» و «گلشن صبا» از اوست. او به سال ۱۲۳۸ ه. ق در ۵۸ سالگی درگذشت:

شنیدم یکی موید سالخورد

در آن دم که روشن روان می‌سپرد

یکی گفتش: ای پیر دیرینه روز

تن از تابش آفتاب بسوز

نستی چرا در سرای سپنج

سپنجی سرایی پی دفع رنج؟

بنالید و گفتا: در این روز کم

گر آسایش از سایه نبود چه غم؟

بزرگان چنین از جهان رسته‌اند

نه چو ما دل اندر جهان بسته‌اند

چو صاحب دلی، بر جهان دل منه

به بیهوده، گِل بر سر گِل منب

است.

آثارش: زیده الاسرار، عرفان الحق،
بحرالحقایق، میزان المعرفة، تفسیر قرآن منظوم،
و دیوان است که به چاپ رسیده‌اند:

رفت دلدار و غمش در دل غم‌خوار بماند

وز قفایش نگران دیده‌ی خون‌بار بماند

به شفا‌خانه‌ی لعل تو رسید ارچه، ولیک

دل ز چشم‌انثری داشت که بیمار بماند



تصویر نمادین

طیب اصفهانی (قرن ۱۲ ه.ق)

محمد میرزا نصیر طیب اصفهانی، یکی دیگر
از شاعران با ذوق شهر هنر پرور اصفهان است که
معاصر پادشاهی کریم خان زند می‌زیسته است.
وی مثنوی را نیکو می‌سرود و منظومه‌ی «پیر و
جوان» او مورد توجه اهل دل و شعر شناسان
می‌باشد. طیب در سال ۱۱۹۱ ه.ق بدرود حیات

از لطف و جاذبه و صفا برخوردار است:

دل بردی از من به یغما، ای ترک غارتگر من
دیدم چه آوردی ای دوست از دست دل بر سر من
مشق تو در دل نهان شد، دل زار و تن ناتوان شد
رفتی چو تیر و کمان شد، از بار غم پیکر من



صفی‌علیشاه (۱۲۵۱-۱۳۱۶ ه.ق)

حاجی میرزا حسن صفی‌علیشاه متخلص به
صفی، به سال ۱۲۵۱ ه. ش در اصفهان متولد
شد. پدرش محمد باقر در یزد بود و تجارت
می‌کرد. صفی تا بیست سالگی به کسب دانش
پرداخت و در سیر و سلوک پیرو زین‌العابدین
حاج میرزا کوچک رحمت‌علیشاه شیرازی بود.
او مسافرتی به حجاز و هندوستان کرد و در سال
۱۳۱۶ هجری در سن ۶۵ سالگی در اثر سکته
درگذشت. قبرش در تهران خیابان صفی‌علیشاه

گفت:

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند
به نازی که لیلی به محمل نشیند
به دنبال محمل چنان زار گریم
که از گریه‌ام ناقه در گل نشیند
خلد گر به پا خاری آسان بر آرم
چه سازم به خاری که در دل نشیند
پی ناقه‌اش رفتم آهسته ترسم
غباری به دامان محمل نشیند
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
ز بامی که برخاست مشکل نشیند
عجب نیست خندد اگر گل به سروی
که در این چمن پای در گل نشیند
بنازم به بزم محبت که آن جا
گدایی به شاهی مقابل نشیند



عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم

(۱۳۵۲-۱۳۰۰ ه. ق.)

وی در سال ۱۳۰۰ ه. ق در قزوین متولد شد. پس از خواندن مقدمات، خط و موسیقی را نیز فراگرفت. در سال ۱۳۱۶ به تهران آمد و به سوی مشروطه خواهان روی آورد. عارف به تصنیف صورت شعری داد و خدمت بزرگی به موسیقی ایران از نظر وزن نمود. از غزل‌های معروف او می‌توان: پیام آزادی، زنده باد و نامه‌ی مرغ اسیر را نام برد. عارف ساعات آخر عمر پر تأثر و حسرت بار خود را در دره‌های خاموش همدان گذراند و در روز یکشنبه اول بهمن ۱۳۱۲ شمسی در ۵۲ سالگی درگذشت و در جوار بقعه‌ی بوعلی سینا به خاک سپرده شد:

وفات عراقی را به سال ۶۸۸ هجری در دمشق
نوشته‌اند:

به طواف کعبه رفتم، به حرم رهم ندادند
که برون در چه کردی که درون خانه آیی
به قمارخانه رفتم، همه، پاک‌باز دیدم
چو به صومعه رسیدم، همه زاهد ریایی
در دیر می‌زدند من، که ندانم ز در درآمد
که در دروازه عراقی، که تو هم از آن مایی



عرفی شیرازی (۹۶۲-۹۹۹ ه.ق)

جمال‌الدین محمدبن بدرالدین شیرازی از
شعرای معروف دوره‌ی صفوی است که در شیراز
متولد شد. مدتی در دربار اکبر شاه در هندوستان
بوده است. قصاید و غزلیات و مثنوی‌های زیاد
سروده و دو مثنوی مخزن الاسرار و خسرو و
شیرین نظامی را استقبال کرده است. وی در

از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
در سایه‌ی گل، بلبل از این غصه خزیده
گل نیز چو من در غمشان جامه دریده...



عراقی، فخرالدین (۶۱۰-۶۸۸ ه.ق)

فخرالدین ابراهیم پسر بزرگمهر جوالقی همدانی،
متخلص به عراقی زادگاهش کمجان نزدیک
همدان است. او از شاعران بنام و از عارفان
گران‌قدر قرن هفتم هجری است که غزل‌های
عاشقانه و عارفانه‌اش شهرتی تمام دارد و سوز و
گداز و راز و نیازهای پر حال او در شعرش آشکار
است. از عراقی غیر از دیوان شعرش که قریب
پنج هزار بیت است، یک مثنوی به نام «عشاق
نامه» با بیش از هزار بیت و یک رساله‌ی نظم و نثر
در تعریف عشق به نام «لمعات» برجاست. تاریخ

جوانی در لاهور وفات یافت.

این شعر از اوست:

چنان با نیک و بد سرکن که بعد از مردنت «عرفی»

مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزاند

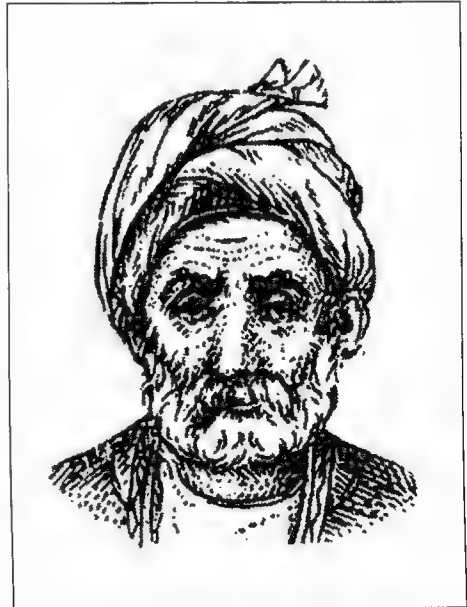
چه اعتبار بر این اختران نامعلوم

چه اعتماد بر این روزگار ناهموار



عشقی، میرزاده (۱۳۱۲-۱۳۰۳ ه. ش)

نامش سید محمد رضا متولد همدان است. در جریان جنگ جهانی اول به استانبول رفت و در رشته‌ی علوم به تحصیل پرداخت و قطعه‌ی اپرای رستاخیز ایران را در آن‌جا نوشت. سپس به همدان برگشت و نامه‌ی عشقی را منتشر کرد. وی شاعر آزادی‌خواه و وطن دوست بود و با دولت و حکومت مبارزه می‌کرد و بالاخره در تیر ماه ۱۳۰۳ ه. ش به قتل رسید. وی روزنامه‌ی قرن بیستم را منتشر می‌کرد و تابلوی مریم وی که بیانگر وضع اجتماعی ایران آن روز می‌باشد



عسجدی (وفات ۴۳۲ ه. ق)

ابونظر عبدالعزیز پسر منصور ملقب یا متخلص به عسجدی از مردم مرو و از شاعران معاصر سلطان محمود غزنوی بوده و او را مدح گفته است. سال مرگش را ۴۳۲ هجری نوشته‌اند. او از نخستین شاعران متصنع^۱ و لفظ پرداز فارسی زبان است. بیش از دو سه قصیده و چند قطعه و چندین شعر پراکنده از او در دست نیست:

فسان ز دست ستم‌های گنبد دوار

نغان ز سفلی و علوی و ثابت و سیار

۱. متصنع: شعری را می‌گویند که دارای الفاظ مشکل است.

معروف است.

سرانجام خود به مقام ارشاد رسید، و کعبه‌ی اهل دل گردید. به موجب بعضی اخبار و به فحوای اشعاری که به وی نسبت داده شده، مسافرت‌های بسیار کرده و مصر و دمشق و مکه و هند و ترکستان را سیاحت کرده است. لقب عطار به واسطه‌ی این است که دارو فروشی می‌کرد و در ضمن بیماران را معالجه هم می‌نمود.

مهم‌ترین آثار شیخ عطار، دیوان قصاید و غزلیات اوست که در حدود ده هزار بیت است. دوم مثنوی منطق‌الطیر و سوم، تذکرة الاولیا، در شرح احوال عارفان و مکارم پیشوایان طریقت است. وی در سال ۶۲۷ هـ. ق در آشوب مغول کشته شد.

تربت وی در نیشابور است. آثار ذیل از اوست:

اسرارنامه - الهی نامه - مصیبت نامه - جواهر الذات - وصیت نامه - بلبل نامه - حیدر نامه - اشترنامه - مختارنامه - شاهنامه - خسرونامه - مظهر العجایب - هیلاج نامه - لسان الغیب - مفتاح الفتوح...



عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین

(۵۱۲-۶۲۷ هـ. ق)

شیخ فریدالدین محمد، مشهور به عطار که یکی از بزرگان و پیشوایان و گویندگان مذهب عرفان، در نیشابور تولد یافت. تاریخ قطعی تولد وی معلوم نیست. در هر صورت می‌توان گفت که وی در اواسط قرن ششم یعنی اواخر دوره‌ی سلجوقیان در خراسان به دنیا آمد. از اخبار و قراین نیز چنین به دست می‌آید که عطار عمر درازی داشته و شاید به حدود صد سال یا بیش‌تر رسیده است. عطار روزگار جوانی را با تحصیل معارف و خدمت مشایخ و تهذیب نفس و کسب علم گذراند و در خدمت مجدالدین بغدادی شاگرد نجم‌الدین کبرا به کسب مقامات پرداخت تا

دلی که رامش جوید نیاید آن دانش
سری که بالش جوید نیاید او افسر
ز زود خفتن و از دیر خاستن هرگز
نه ملک یابد مرد و نه بر ملوک ظفر



فرخی سیستانی (قرن ۵ و ۴ هـ.ق)

ابوالحسن علی بن جلولغ (فرخی سیستانی) در سیستان متولد شد. ابتدا در خدمت ابوالمظفر چغانی بود و بعد به دربار سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی راه یافت. از شاعران ارزنده و از سخن سرایان به نام دوره‌ی غزنویان است، شعرهای با ارزش و قصاید زیبایی دارد که از نظر استحکام شعری کم نظیرند. در چند بیت از قصیده‌ای که ذکر می‌شود استادی فرخی پیداست:



عنصری (۳۵۰-۴۳۱ هـ.ق)

ابوالقاسم حسن بن احمد در بلخ متولد شد. او از شاعران معروف دوره‌ی غزنوی است که مدت‌ها در دربار سلطان محمود و مسعود غزنوی مدح آنان را گفته و از این راه نیز ثروتی اندوخته است. اولین بار وامق و عذرا را به نظم در آورد. آثار دیگر وی علاوه بر دیوان اشعار و قصایدش عبارتند از: سرخ بت، خنک بت و شادبهر و عین الحیات.

این چند بیت از عنصری ذکر می‌شود:

عجب مدار که نامرد مردی آموزد

از آن خجسته رسوم و از آن خجسته سیر

به چند گاه دهد بوی عنبر آن جامه

که چند روزه بماند نهاده با عنبر

ایران انتشار می‌داد. او در طی مبارزات طولانی خود چندین بار دستگیر و زندانی گردید. در سال ۱۳۰۰ شمسی روزنامه‌ی «طوفان» را انتشار داد، امنا چندی بعد روزنامه‌ی او توقیف گردید. سرانجام این شاعر آزاده در سال ۱۳۱۸ شمسی در زندان در گذشت. علت مرگش را بیماری مالاریا ذکر کردند، ولی حقیقت این بود که پزشک احمدی به وسیله‌ی آمپول هوا با کمک عده‌ای وی را به قتل رساند. می‌گویند گور او احتمالاً در قبرستان مسگرآباد تهران، در جایی دسته جمعی است که هرگز شناخته نشد:

آتش ظلم در این خاک نگرده خاموش

مَهدِ زرتشت عجب آب و هوایی دارد

گر به کام تو فلک دور زند، غَرّه مشو

که جهان از پی هر سور، عزایی دارد

پس چرا از ستم و جور چنین گشته خراب

آخر این خانه، اگر خانه خدایی دارد!

برآمد نیلگون ابری زروی نیلگون دریا
چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا
چو گردان گشته سیلابی میان آب و آسوده
چو گردان گردبادی تندگردی تیره اندر وا
بیارید و زهم بگست و گردان گشت بر گردون
چو پیلان پراکنده میان آبگون صحرا



فروخی یزدی (۱۳۰۶-۱۳۶۰ ه.ق)

میرزا محمد متخلص به فروخی، فرزند محمد ابراهیم در سال ۱۳۰۶ ه.ق در یزد متولد شد. او تحصیلات مقدماتی را در یزد فرا گرفت و به علت اشعار وطنی که می‌سرود و از آزادی دفاع می‌کرد، مورد تعقیب و آزار مستبدین به‌ویژه ضیغم الدوله‌ی قشقایی حاکم یزد قرار گرفت. در اواخر سال ۱۳۲۸ ه.ق به تهران آمد و در جراید، اشعاری آبدار و مقالاتی مؤثر راجع به آزادی

فردوسی در سال ۴۰۱ شاهنامه را به محمود غزنوی تقدیم کرد، ولی محمود به شاهنامه توجهی نکرد و فردوسی هجونا‌مه‌ی معروف خود را ساخت:

نکردی در این نامه‌ی من نگاه

به گفتار بدگوی، گشتی ز راه

چو اندر تبارش بزرگی نبود

نیارست نام بزرگان شنود

دلیل اساسی اختلافات محمود و فردوسی عقاید مذهبی بود. به علاوه تفکرات ملی هم از عوامل این اختلافات بوده است. فردوسی شیعه مذهب و در اصول و عقاید نزدیک به معتزله بوده است.

بعدها فردوسی نزد سپهبد شهریار از آل باوند رفت و عاقبت در سال ۴۱۶ در زادگاه خود طوس در گذشت. اینک آرامگاه او در طوس زیارتگاه دوستداران شعر و ادب فارسی است. اواخر عمر، فردوسی شاهنامه را تجدیدنظر کرد و اکنون نسخ مشهور مأخوذ از همان نسخه‌ای است که نزد خود فردوسی بوده است. شاهنامه از دو بخش عمده تشکیل یافته است:

۱ - بخش اساطیری، که شامل دوره‌ی پهلوانان و حکایات و افسانه‌های ملی ایران است و قسمت‌هایی از قصص اوستا در آن‌ها وجود دارد.

۲ - بخش تاریخی که پایان سلسله‌ی ساسانیان و انقراض آن سلسله به دست اعراب



فردوسی، ابوالقاسم (۳۲۹-۴۱۶ ه.ق)

حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از شاعران بزرگ حماسه سرای ایران و یکی از گویندگان مشهور عالم است. نام او و پدرش در برخی از منابع به صورت منصور بن حسن آمده است. تولد او در قریه‌ی باژ از ناحیه‌ی طوس بوده است. تولدش باید در حدود سال (۳۲۹ ه.ق) باشد. فردوسی مردی میهن‌پرست بود و از تاریخ نیاکان خود با خبر بود. در زمان او نظم داستان‌های ملی رواج داشت و دقیقی هم گشتاسب نامه را به نظم کشید. فردوسی نیز در جوانی پاره‌ای داستان‌ها را مانند (بیژن و منیژه) به نظم کشید و نظم اصلی شاهنامه در حدود سال (۳۹۵ ه.ق) آغاز شد.

ملاقات فردوسی با سلطان محمود غزنوی، به کوشش فضل بن احمد اسفراینی اتفاق افتاد.

مسلمان را در بر دارد.

شاهنامه حدود ۶۰/۰۰۰ بیت دارد و گنجینه‌ای گران قدر از زبان و تاریخ گذشته ماست.

گفتم از شر دهانت سخنی با دل تنگ

کشف این معنی نازک به کنایت کردم

قصه‌ی روز قیامت همگی آمد راست

وصفی از قد بلندت چو روایت کردم



تصویر نمادین

فرصت (۱۲۷۱-۱۳۳۹ ه. ق.)

محمد نصیر میرزا آقای حسینی شیرازی متخلص به فرصت در شعر و نقاشی و علوم قدیمه مهارت داشت و از هیئت و نجوم هم بی بهره نبود. او معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در سال ۱۲۷۱ هجری در شیراز متولد شد. در سال ۱۳۳۹ ه. ق در سن ۶۸ سالگی وفات یافت:

با دل خویش ز جور تو حکایت کردم

آه کز خویش به بیگانه شکایت کردم

جمع ما را همگی دوش پریشان شد حال

از سر زلف تو چون یک دو حکایت کردم

فروغ فرخزاد (۱۳۱۳-۱۳۴۵ ه. ش.)

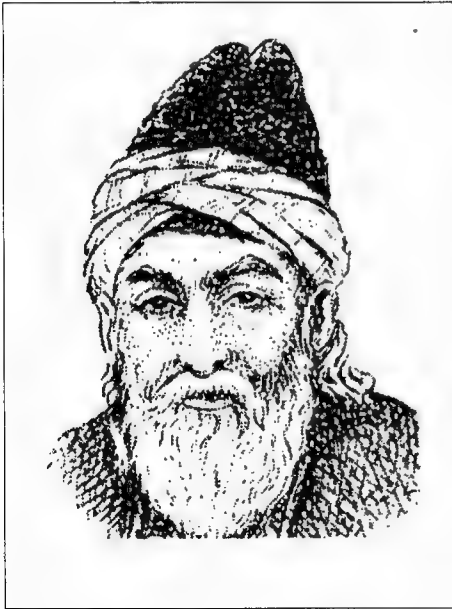
فروغ فرخزاد در دی ماه سال ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد. وی در دوران کوتاه زندگی خویش سفرهای متعددی به کشورهای اروپایی (فرانسه - آلمان - ایتالیا و انگلستان) داشت. او در روز دوشنبه ۲۴ بهمن سال ۱۳۴۵ ه. ش بر اثر تصادف اتومبیل درگذشت.

نخستین دفترهای شعر فروغ (اسیر - دیوار -

عصیان) شعرهایی بود زنانه و در عین حال

سرکش و رمانتیک و بحث‌انگیز.

سپس فروغ تحت تأثیر معاشرت با



فروغی بسطامی (۱۲۱۳ - ۱۲۷۴ ه.ق)

میرزا عباس، (فرزند آقا موسی بسطامی که آغا محمدخان قاجار به تهمت سخن‌چینی یک گوش آقا موسی را برید) در سال ۱۲۱۳ ه.ق در عتبات به دنیا آمد. او شانزده ساله بود که پدرش درگذشت و پسر با مادر تهی‌دست به ایران آمد و نزد عموی خود به مازندران رفت و در ساری اقامت گزید.

میرزا عباس سواد نداشت اما چندان رنج کشید که نوشتن و خواندن آموخت. او بیش‌تر اوقاتش را صرف مطالعه در دیوان غزل‌سرایان بزرگ مانند سعدی و حافظ کرد تا آن‌که در نتیجه‌ی مطالعه و ممارست، خود نیز غزل‌هایی سرود و خود را متخلص به «مسکین» کرد. عمویش که خزانه‌دار شاه بود، برادرزاده را در

نویسندگان معاصر و محیط ادبی و فکری دوستان و اطرافیان خود نگرشی دیگر نسبت به هنر و شعر و جامعه پیدا کرد؛ به اندازه‌ای که مجموعه‌ی اخیر شعر خود را «تولدِ دیگر» نامیده است که دارای روح و حالتی است متفاوت؛ شعرهایی اجتماعی و انتقادی.

از خصوصیات شعر فروغ وصف طبیعت و ستایش زیبایی‌های آن جایی خاص و گاه حالت نمادی دارد. شعر او، خواننده را به عوالم تازه‌ای می‌برد بعضی از آثار اجتماعی او: (عروسک کوکی)، (در غرویی ابدی)، (دیدار در شب)، (تنها صداست که می‌ماند) که اکثر در دفتر تولدی دیگر آمده است، در آن‌ها از تعبیرهای نمادی و رم‌آمیز سخن می‌رود.

شعر فروغ از حیث وزن رهاتر و قابل انعطاف‌تر از شعر برخی نوپردازان معاصر است و گاهی خواننده در شعر، موسیقی چندانی، احساس نمی‌کند.

آثار او به شرح زیر است:

(اسیر ۱۳۳۱)، (دیوار ۱۳۳۵)، (عصیان ۱۳۳۶)، (تولدِ دیگر ۱۳۴۲)، (ایمان بیاوریم ۱۳۵۲)، (برگزیده‌ی اشعار ۱۳۵۳)، (گزیده‌ی اشعار ۱۳۶۴)

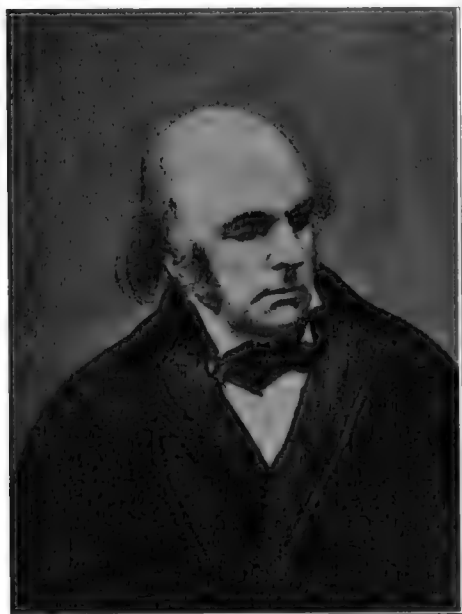
آن روزها رفتند

آن روزهای خوب

آن روزهای سالم سرشار

آن آسمان‌های پُر از پولک

آن شاخساران پر از گیلان...



فیتز جرالده، ادوارد (۱۸۰۹-۱۸۸۳ م)

«ادوارد فیتزجرالد» شاعر و مستشرق فرهنگی در سال ۱۸۰۹ در انگلیس به دنیا آمد.

وی پس از پایان تحصیلات مقدماتی و پایه‌ای به سال ۱۸۲۶ به دانشگاه «کمبریج» وارد گردید و مدارج علمی خود را در سال ۱۸۳۰ در این دانشگاه با موفقیت به پایان برد.

او پس از اتمام تحصیلاتش به مسافرت‌های گوناگونی پرداخت و کار نویسندگی خویش را از همان هنگام شروع کرد. وی پس از سفری به فرانسه، نخستین اثر خود را نوشت که شروع موفقیت‌آمیزی برایش محسوب می‌گردد.

«فیتز جرالده» بعد از خلق این اثر دست به آموزش و آشنایی فرهنگ مشرق زمین زد و با تلاش بی‌پایان که در اثر تشویق و راهنمایی استاد

بازگشت به تهران آورد و به خدمت فتحعلی شاه معرفی کرد. مسکین غزلی را که در مدح شاه ساخته بود به عرض رسانید و پسند افتاد و به فرمان شاه وی را نزد شجاع‌السلطنه والی خراسان به مشهد اعزام کردند.

شجاع‌السلطنه مقدم او را گرامی داشت و سمت منشی‌گری به او داد و پس از چندی «مسکین» به نام امیرزاده فروغ‌الدوله یکی از پسران شجاع‌السلطنه، تخلص خود را به فروغی تبدیل کرد. فروغی در زمان سلطنت محمد شاه و ناصرالدین شاه می‌زیست و از آن‌ها نوازش‌ها دید. ناصرالدین شاه چنان شیفته‌ی وی بود که هر وقت غزلی می‌سرود، بر فروغی می‌خواند و او آن را تکمیل می‌کرد. سرانجام در ۲۵ محرم سال ۱۲۷۴ ه. ق پس از یک کسالت شدید در شصت سالگی وفات کرد:

آخر این ناله‌ی سوزنده اثرها دارد

شب تاریک فروزنده سحرها دارد

غافل از حال جگر سوخته‌ی عشق می‌باش

که در آتشکده‌ی سینه شررها دارد

ناله سر می‌زند از هر بن مویم چون نی

به امیددی که دهان تو شکرها دارد...



قآنی، میرزا حبیب (۱۲۲۸-۱۲۷۰ ه.ق)

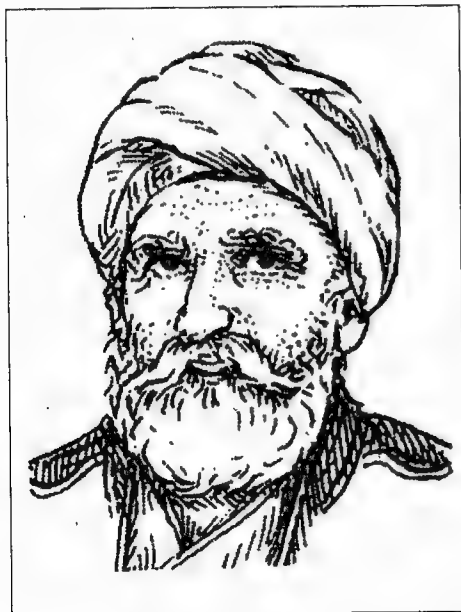
میرزا حبیب متخلص به قآنی در زمان سلطنت فتحعلی شاه در شیراز متولد شد. پدرش میرزا محمدعلی شاعر بود و گلشن تخلص داشت. در عهد جوانی به خراسان سفر کرد و در آنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت. در آغاز شاعری تخلص وی حبیب بود و به تدریج شهرتی یافت و نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه که حکومت آن سامان را داشت مقرب شد. به امر او تخلص قآنی یافت که آن به خاطر اسم پسر شجاع‌السلطنه یعنی او کتافآن بود. قآنی مدتی در خراسان و کرمان ملتزم حضور او بود و همین شاهزاده وی را پیش فتحعلی شاه معرفی کرد. بعد از اقامت در خراسان و شیراز و کرمان به تهران آمد و در آنجا معروف‌تر شد و در دربار

دانشگاه خود «کاول» دو چندان شده بود به فراگیری زبان و ادبیات خاور زمین به‌خصوص ایران مشغول گردید.

او تمام آثار «حافظ»، «جامی»، «مولوی»، «عطار»، «سعدی» و به‌خصوص «خیام» را به خوبی مطالعه نمود و با طرز تفکر آن‌ها آشنا گردید. سپس دست به ترجمه‌ی رباعیات خیام به سال ۱۸۵۹ زد و آن را چاپ و منتشر نمود.

او در پایان عمر از محبوبیت و شهرت به‌سزایی برخوردار گردید و منتقل‌کننده‌ی خوبی برای فرهنگ شرق در مغرب زمین بود.

«فیتز جرالده» در سال ۱۸۸۳ و هنگامی که ۷۳ سال بیش نداشت جهان مادی را ترک و به دیار باقی شتافت.



کسای مروزى (۳۴۱-۳۹۱ ه.ق)

ابوالحسن مجدالدین اسحق کسای مروزى از نامیان و سخن‌گویان اواخر قرن چهارم و از اهالی مرو بود که نزد گویندگان عصر خود منزلتى داشته است. وی در سال ۳۴۱ هجرى متولد شد و تا پنجاه سالگى ۳۹۱ هجرى خود را در شعرش نشان داده است؛ اما بعد از این مدت اطلاعى از وی در دست نیست؛ ولى وفاتش مسلماً بعد از ۳۹۱ هجرى یا در همان سال بوده است:

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال

چهارشنبه و سه روز، باقى از شوال

بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم؟

سرود گویم و شادى کنم به نعمت مال

محمدشاه و خاصه ناصرالدین شاه تقرب زیاد پیدا کرد. قآنى در تهران وفات یافت.



نصویر بنادین

قطران (وفات ۴۶۵ ه.ق)

شرف الزمان حکیم ابومنصور قطران عضدى تبریزی معاصر دوره‌ی سلجوقیان بوده است. وی یکی از معروف‌ترین سخن‌سرایان دوره‌ی خود بوده است. اغلب شاعران از خراسان یا حوالی آن ظهور کرده‌اند، ولى قطران تولد و شهرتش در تبریز بوده و گویا مسافرت مهمی جز به نواحی آذربایجان نکرده است.

قطران از قصیده‌سرایان درجه‌ی اول فارسى

است و بیش‌تر طرز شعرای خراسان را به کار برده

است. اشعار او در زمان دولتشاه (مؤلف

تذکره‌الشعرا) معروف بوده است. وفات قطران را

در ۴۶۵ ه. ق نوشته‌اند.

درام دو فصلی او را تشکیل می‌دهد و داستان زندگی «دکتر فاستوس» دانشمند آلمانی می‌باشد که گفته شده روحش را به شیطان فروخته است. آثار وی در نمایش‌نامه بسیار عمیق و پر معنا است و بر پایه‌ی کلاسیسیم، اشعار شیوا و دل‌نشینی نیز سروده است.

«گوته» در سال ۱۷۷۳ زندگی‌نامه‌ی حضرت محمد ﷺ را که به وسیله‌ی «تورپن» نوشته شده بود خواند که شاید سرآغاز آشنایی‌اش با فرهنگ شرق محسوب می‌گردد. از آثار وی می‌توان به:

«اعتراف یک روح پاک»، «همدستان و شعرها»، «ویلهم مایستر»، «رقص اموات»، «اعتراف بزرگ»، «هوس عاشق»، «شرکای جرم» و «پرومته» اشاره نمود.

این نویسنده‌ی خلاق و متفکر بزرگ در سال ۱۸۳۲ چشم بر هستی بی‌وفا بست و این در حالی بود که ۸۳ بهار پر ثمر از عمر خویش را پشت سر می‌نهاد.



گوته، یوهان ولفگانگ فون

(۱۷۴۹-۱۸۳۲ م)

«گوته» نویسنده، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس شهیر در سال ۱۷۴۹ در شهر «فرانگفورت» آلمان در خانواده‌ای سرشناس و مهم چشم به گیتی بزرگ گشود.

وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در سال ۱۷۶۵ تحصیلات عالی‌ی خود را در رشته‌ی حقوق و پزشکی در دانشگاه «لایپزیک» ادامه داد و پس از آن به مطالعه‌ی ادبیات و فلسفه دست زد.

آثار اولیه‌ی این شاعر مصادف با پیش فصل جنبش رومانتیکی قرن نوزدهم اروپا بود و تلاش وی برای خلق درام‌های کلاسیکی بسیار جدی و پرارزش می‌باشد. اثر مهم وی «فاوست» است که

«هماهنگی‌ها» و سال ۱۸۲۳ «اندیشه‌های تازه» را منتشر نمود که این آثار پیشرفت سریع وی را در جهان ادب میسر ساخت.

«لامارتین» را باید از پیش قراولان مکتب «رمانتیسزم» نام برد.

«نغمه‌های مذهبی»، «سقوط یک فرشته»، «مرگ سقراط»، «برگزیده‌ها» و...

وی اواخر عمر سفری به خاور میانه کرد و چندی در بیروت زندگی کرد و در حالی که فقر سراسر زندگی‌اش را پوشانیده بود، به سال ۱۸۶۹ در سن ۷۹ سالگی، رخ در نقاب خاک فرو برد.



محتشم کاشانی (.....-۱۹۹۶ ه.ق)

محتشم از معروف‌ترین شاعران قرن دهم ایران بوده است. وی از خانواده‌ای شیعه و معروف و اعیان زادگان کاشان بود. پادشاهان صفوی

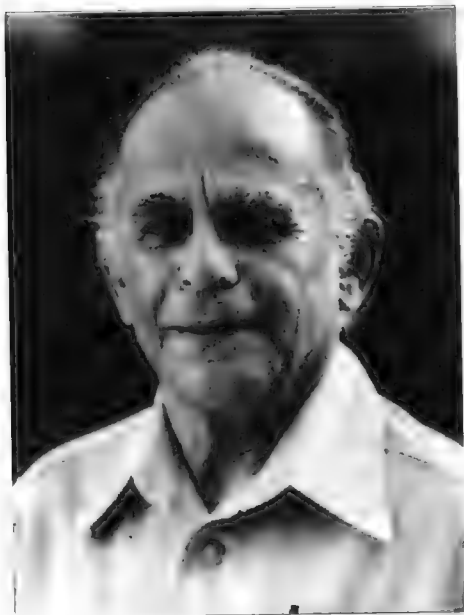


لامارتین، آلفونس دو (۱۷۹۰-۱۸۶۹ م)

این ادیب و شاعر فرانسوی در سال ۱۷۹۰ در «ماگون» فرانسه پا به عرصه‌ی گیتی نهاد. وی که از خانواده‌ی اشراف و متمول فرانسه بود، کودکی و جوانی خود را در روستایی زیبا سپری کرد و با الهام از طبیعت، ذوق سرشارش را پرورش داد. او پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و عالی پا به گستره‌ی هنر و ادبیات نهاد.

«لامارتین» اولین اثر خود را در سال ۱۸۱۶ هنگامی که ۲۶ بهار از تولدش می‌گذشت با نام «اندیشه‌های شعری و مذهبی» به رشته‌ی تحریر در آورد که در آن با ظرافتی خاص احساسات عشق و نومیدی، امید و اندوه و علایق آدمی به طبیعت را به خوبی به تصویر کشانده است.

سپس در سال ۱۸۲۰ مجموعه‌ی



مشیری، فریدون (۱۳۰۵-۱۳۷۹ ه. ش)

فریدون مشیری در سال ۱۳۰۵ ه. ش در شهر تهران متولد شد و دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران به پایان رسانید و چندی هم در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. از هیجده سالگی اشعار او به‌طور پراکنده در مطبوعات انتشار یافت.

مشیری هر چند شعر اجتماعی نیز سروده است، اما اشعارش به‌طور کلی بیش‌تر دارای روح و لحن غنایی و پر معنی و بلیغ می‌باشد. وی در

۱. نفخ صور: دمیدن صوراسرافیل در شیور در روز قیامت

۲. طلوع آفتاب از مغرب: یکی از نشانه‌های روز قیامت

۳. قدسیان: فرشتگان درگاه خدا

۴. اشرف اولاد: بزرگ‌ترین فرزند آدم؛ منظور امام حسین(ع)

۵. نور مشرقین: آفتاب شرق و غرب

مخصوصاً شاه طهماسب به وی احترام بسیار می‌گذاشتند و او را ملک الشعرا خطاب می‌کرده‌اند. او به سال ۹۹۶ وفات کرد و مزارش در کاشان است.

مجموعه‌ی آثار او در پنج کتاب شعر و دو کتاب نظم و نثر گردآوری شده است.

شعر مشهور وی «رستاخیز عام» است که در مرثیه‌ی شهیدان کربلا سروده است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

باز این چه رستاخیز عظیم است کز زمین

بی‌نفخ^۱ صور، خاسته تا عرش اعظم است؟

این صبح تیره، باز دمید از کجا، کزو

کار جهان و خلق جهان، جمله درهم است؟

گویا، طلوع می‌کند از مغرب، آفتاب^۲

که آشوب، در تمامی ذرات عالم است

گر خوانم قیامت دنیا، بعید نیست

این رستاخیز عام، که نامش محرم است

در بارگاه قدس، که جای ملال نیست

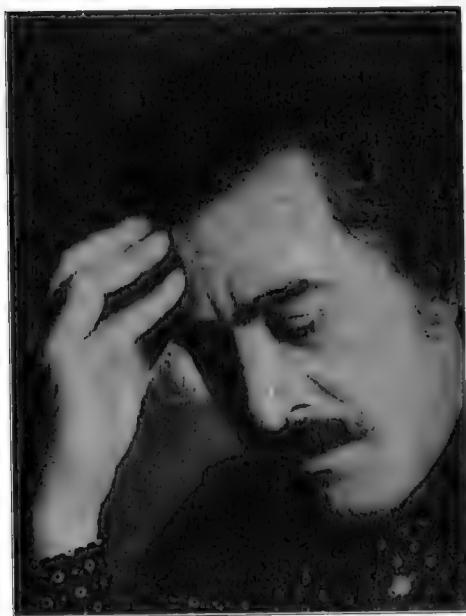
سرهای قدسیان،^۳ همه بر زانو ی غم است

جن و ملک، بر آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد^۴ آدم است

خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین^۵

پرورده‌ی کنار رسول خدا، حسین



معینی کرمانشاهی (متولد ۱۳۰۱ ه. ش)

رحیم معینی کرمانشاهی در سال ۱۳۰۱ ه. ش در کرمانشاه از خانواده‌ای متوسط و مذهبی متولد شد و در آنجا پرورش یافت. پدر بزرگ پدری او «معین الرعایا» بود که از افراد نام‌آور کرمانشاه و کسی بود که جهت حمایت از طبقه‌ی ضعیف در مقابله با قدرت‌های محلی که غالباً حکمرانان و شاهزادگان بودند، به مقابله برخاست و در این راه جانش را فدا کرد و پدرش تا مدت‌ها تحت نظر بود. شعرهای او تا اندکی متأثر از دوران کودکی و جوانی وی بوده که اشعار و غزل‌هایش بسیار زیبا و دل‌نشین و حزن‌انگیز و تسکین‌دهنده‌ی روح لطیف این شاعر است. از آثار مهم او مجموعه‌ی «ای شمع‌ها بسوزید» می‌باشد:

عجب صبری خدا دارد

آبان ماه ۱۳۷۹ بعد از تحمل دوران طولانی سرطان در تهران درگذشت و در قطعه‌ی هنرمندان گورستان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد. آثار او: (نایافته ۱۳۳۴) (گناه دریا ۱۳۳۵) (آبر ۱۳۴۵) (بهار را باور کن ۱۳۴۷) (پرواز با خورشید ۱۳۴۷) (برگزیده‌ی شعرها ۱۳۴۹) (از خاموشی ۱۳۶۴) (مروارید مهر ۱۳۶۵) (آه باران ۱۳۶۷)

آهی کشید غم‌زده پیری سپید موی
افکند صبح‌گاه، در آینه چون نگاه
در لابه‌لای موی چو کافور خویش دید
یک تار مو سیاه!

□ در دیدگان مضطربش اشک حلقه زد
در خاطرات تیره و تاریک خود دوید
سی سال پیش، نیز در آینه دیده بود
یک تار مو سپید!



منوچهری (وفات ۴۳۲ ه. ق)

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از جمله شاعران طراز اول ایران در نیمه‌ی اول قرن پنجم هجری است. تولد او ظاهراً اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم بوده است. تخلص خود را از نام نخستین ممدوح خود فلک المعالی منوچهر بن قابوس وشمگیر پنجمین حکمران زیاری^۱ گرفته است. بعضی از تذکره نویسان راوندی مؤلف تاریخ راحة الصدور او را شصت گله و یا شصت کله نامیده‌اند و این به علت اشتباهی است که بین نام او و نام شاعری موسوم به احمد بن منوچهری شصت کله که از شعرای قرن ششم می‌باشد، وجود دارد. منوچهری شاعر

اگر من جای او بودم
همان یک لحظه‌ی اول
که اول ظلم را می‌دیدم از مخلوق بی‌وجدان
جهان را با همه زیبایی و زشتی
به روی یک‌دیگر، ویرانه می‌کردم
عجب صبری خدا دارد
اگر من جای او بودم
که در همسایه‌ی صدها گرسنه، چند بزمی گرم و
عیش و نوش می‌دیدم
نخستین نعره‌ی مستانه را خاموش آن‌دم
بر لب پیمانه می‌کردم
عجب صبری خدا دارد
اگر من جای او بودم
که می‌دیدم یکی عریان و لرزان، دیگری پوشیده
از صد جامه‌ی رنگین
زمین و آسمان را
واژگون مستانه می‌کردم...

۱. آل زیار (۴۰۳-۴۲۰) در حوالی طبرستان و جرجان حکومت می‌کرده‌اند.



مولوی (۶۰۴-۶۷۲ ه.ق)

جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به ملای روم و مولانا یکی از بزرگ‌ترین حکما و عرفای جهان است که در سال ۶۰۴ هجری قمری در بلخ تولد یافت. در کودکی با پدرش بهاء‌الدین محمد معروف به «بهاء‌ولد» مقارن حمله مغول به آسیای صغیر و با خاندانش در قونیه^۱ مستقر شد. مولانا تحصیلاتش را در محضر پدر آغاز کرد و پس از فوت او به خدمت سید برهان‌الدین محقق ترمذی درآمد و از دست او اجازه‌ی ارشاد گرفت و چندی نیز در شام کسب دانش می‌کرد. در بازگشت به قونیه^۲ به تدریس علوم دینی اشتغال

۱. قونیه شهری است در حدود ۲۰۰ کیلومتری جنوب غربی آنکارا.

۲. گویند هنگام ورود مولانا به قونیه، علاء‌الدین کیقباد حاکم آسیای صغیر ۵۰۰۰ دانشمند و ادیب را به استقبال

دربار سلطان مسعود غزنوی بود و این پادشاه و وزرایش را مدح می‌گفت. مسمط را که نوعی شعر است از ابداعات وی می‌دانند. منوچهری به علت آن‌که تسلط زیادی به زبان عربی داشت، اشعار برخی از شعرای عرب را استقبال می‌کرد و از لغات مشکل عربی در اشعار خود استفاده می‌کرد:

من بسی دیوان اشعار تازیان دارم به یاد

تواندانی خواند الاهی بصحنک فاصبحین

قدرت وی در وصف به حدی است که

می‌توان او را از این حیث در میان شاعران هم

عصر خود بی‌مانند دانست:

سر از البرز برزد قرص خورشید

چو خون آلوده دزدی سرزمکن

به کردار چراغ نیم مرده

که هر ساعت فزون گرددش روغن

و

فرو بسارید بارانی زگردون

چنان چون برگ گل باره به گلشن

ز صحرا سیل‌ها برخاست هر سو

دراز آهنگ و پیچان و زمین کن

منوچهری گذشته از شاعری در حکمت و

پزشکی و نجوم نیز اطلاعاتی داشته است. از

دیوان اشعار او در حدود سه هزار بیت در دست

است که اغلب نسخ موجود از عصر صفویه و

قاجاریه است.

شامل سی هزار بیت و غزل‌ها و رباعیات و ترجیعات عرفانی است که مولوی به سبب ارادتی که به شمس داشته به نام وی سروده است.

۳- فیه مافیه و مکاتیب و مجالس سبعة که به نثر نوشته شده‌اند.

روش مولانا در مثنوی همان روش عطار و سنایی است. خود فرماید:

عطار روی بود و سنایی دو چشم او

ما از پی سنایی و عطار آمدم

و یا:

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

مثنوی با بیت زیر آغاز می‌گردد:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

مولوی شناسان اعتقاد دارند که آن عارف

عالی قدر تمام اندیشه‌های خود را در همان پنجاه،

شصت بیت سرآغاز مثنوی بیان کرده و تمام

مثنوی در حقیقت تفسیر آن بیت‌هاست.

در این مقدمه مولوی از روح انسان که از مبدأ

کل جدا افتاده است، تمثیل می‌کند به یک شاخه‌ی

نی از نیستان بریده شده که استناد دارد به: کل

شیء یرجع الی اصله، داستان تلاش و تقلای

روح برای بازگشت به منبع اصلی محتوای اصلی

را دارد:

کز نیستان تا مرا بیریده‌اند

از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

وی فرستاد.

داشت. تا این که در سال ۶۴۲ (ه. ق) با عارف بینادلی به نام شمس الدین تبریزی آشنا شد و چنان شیفته و مجذوب نفس گرم و جاذبه‌ی معنوی وی گردید که هیچ‌گاه از ارشاد سالکان راه حق تا دم واپسین باز نایستاد. از این دوره‌ی پرشور که سی سال آخر حیات مولوی را شامل بود آثار بی‌نظیری از این استاد بزرگ باقی مانده است.

مولانا پس از جدایی از شمس تبریزی به دمشق سفر کرد و پس از مراجعت مجدداً به ترویج و ارشاد خلق پرداخت و صلاح‌الدین زرکوب را خلیفه‌ی خود کرد. پس از ده سال به سبب فوت صلاح‌الدین، در سال ۶۵۷ (ه. ق) حسام‌الدین چلبی خلیفه شد و به این ترتیب او پانزده سال در حیات مولانا و دوازده سال پس از او، مکتب مولانا را اداره کرد.

آثار مولانا از این قرار است:

۱- مثنوی معنوی. در شش دفتر به بحر رمل مسدس سروده شده که حدود بیست و شش هزار بیت دارد.

این منظومه یکی از بهترین نتایج اندیشه و ذوق فرزندان آدم و چراغ فروزان راه حکمت و عرفان است. مولانا مسایل عرفانی و اخلاقی و دینی را در قالب تمثیلات و مزین به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) بیان می‌کند.

وی این کتاب را بنا به درخواست شاگردش حسام‌الدین چلبی به نظم درآورده است.

۲- دیوان شمس تبریزی یا دیوان کبیر، که

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

تاکنون صدها شرح و تفسیر به مثنوی نوشته شده است که هر کدام از دیدگاه خاصی این کتاب گران بها را تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

در پایان چند بیت از دیوان شمس نقل می‌کنیم که مثالی است از شوق و جذبه‌ی مولانا:

ناله‌ای کن عاشقانه درد محرومی بگو

پارسی گو ساعتی و ساعتی رومی بگو

خواه رومی، خواه تازی، من نخواهم غیر تو

از جمال و از کمال و لطف مخدومی بگو

هم بسوزی، هم بسازی، هم بتابی در جهان

آفتابی، ماهتابی، آتشی، موجی بگو



میلتون، جان (۱۶۰۸-۱۶۷۴ م)

«جان میلتون» شاعر و مرثیه سرای بلند آوازه‌ی انگلیسی در سال ۱۶۰۸ در شهر لندن در خانواده‌ای گم‌نام پا به عرصه‌ی هستی گشود. او از کودکی نبوغ و ذوق هنری خود را نمایان ساخت. «جان» پس از اتمام دوره‌ی دانش آموزی خود، در سال ۱۶۲۴ به دانشگاه «کمبریج» لندن راه یافت و پس از به پایان بردن مدارج آن دانشگاه که با موفقیت همراه بود، به سال ۱۶۳۲ به درجه‌ی استادی نایل آمد.

او در سال ۱۶۳۷ به گردش علمی در اروپا دست زد و به فرانسه و ایتالیا رفت و در آن‌جا با انقلاب عظیم رنسانس آشنا گردید و در بازگشت به انگلیس مدتی به تدریس و بعد به وکالت پرداخت. وی در حکومت «کرامول»، مدتی پست

منشی او را به عهده داشت.

جان میلتن به سال ۱۶۵۲ به ناگاه بینایی خود را از دست داد که در روحیه‌ی وی بسیار اثر گذارد. آن‌گاه از کارهای اجتماعی کناره گرفت و به نگارش کتاب پرداخت که از آن میان می‌توان به: «بهشت بازیافته» و «بهشت گمشده» که از برجسته‌ترین آثار منظوم جهان محسوب می‌گردد، اشاره نمود.

اکثر آثار وی در دوران نابینایی‌اش خلق شده و او را می‌توان بعد از شکسپیر، بزرگ‌ترین شاعر «رومانتیک» خطاب نمود. وی در سال ۱۶۷۴ در حالی که ۷۴ سال از عمرش می‌گذشت، به دیار معبود خود رفت.



نادرپور، نادر (متولد ۱۳۰۸ ه. ش)

نادرپور در روز شانزدهم خرداد ماه ۱۳۰۸ ه. ش

در تهران متولد گردید. دوران دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند و در سال ۱۳۲۸ برای تکمیل معلومات خود در زبان و ادبیات فرانسه به پاریس رفت و سه سال بعد به تهران بازگشت. در سال ۱۳۴۳ روانه‌ی ایتالیا شد و پس از آموختن زبان ایتالیایی به فرانسه رفت و در سال ۱۳۵۱ به تهران بازگشت. ره آورد این سفرها، کتاب «هفت چهره از شاعران معاصر ایتالیا» بود.

نادرپور سال‌ها در اداره‌ی کل هنرهای زیبا کار می‌کرد و از سال ۱۳۵۱ سمت سرپرستی گروه ادب امروز در سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران را بر عهده داشته است.

نادرپور در گروه غزل سرایان جدید و از چهره‌های درخشان به شمار می‌رود. او شاعری آگاه و ادیب و منتقدی صاحب‌نظر است:

چه می‌گویید؟

کجا شهد است این آبی که در هر دانه‌ی شیرین انگور است؟

کجا شهد است، این اشک است

اشک باغبان پیر و رنجور است

که شب‌ها راه پیموده

همه شب تا سحر بیدار بوده

تا که‌ها را آب داده

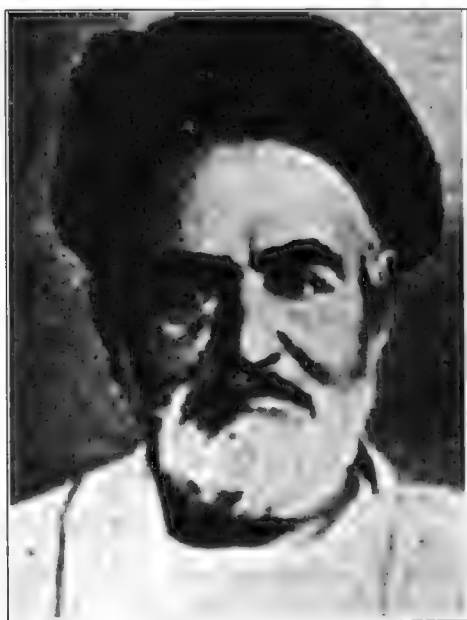
پشت را چون چُفته‌های مو دو تا کرده

دل هر دانه را از اشک چشمان نور بخشیده

تن هر خوشه را با خون دل شاداب پرورده

چه می‌گویید؟...

اخوان، و دلیل المتحیرین و روشنائی نامه و دیوان اشعار دارد. وی به مذهب اسماعیلیه گروید که اثر مهمش زادالمسافرین دلیلی بر این مدعا می باشد.



نسیم شمال (۱۲۸۷-۱۳۵۲ ه.ق)

سید اشرف الدین قزوینی معروف به گیلانی در سال ۱۲۸۷ ه. ق در قزوین به دنیا آمد در جوانی به عتبات سفر کرد و پنج سال را در کربلا و نجف با سختی و فقر گذراند؛ اما مجدداً شور و شوق وطن پرستی وی را به ایران کشاند.

سید اشرف، محبوب ترین و معروف ترین شاعر ملی عهد مشروطه است. او به تمام معنی حامی و طرفدار طبقات زحمت کش بود و از طبقات غنی و ممتاز در هر مقام که بودند بیزار و گریزان بود. وی در دوره ی انقلاب مشروطه



ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ه.ق)

حکیم ناصر خسرو بن حارث قبادیانی در قبادیان از حوالی بلخ متولد شد. از دوران جوانی به تحصیل علوم و فضایل ادیان و عقاید و مطالعه ی اشعار ایران و عرب پرداخت و از هر خرمی، خوشه ای برداشت تا به مقام دانش رسید.

در دوره ی جوانی دربار محمود و مسعود غزنوی را دید؛ چنانچه خود در کتاب سفرنامه اش اشاره بدان می نماید. بعد در دربار سلجوقی خدمت دیوانی داشت و دبیر بود. گذشته از تحصیل و تحقیق، مسافرت زیاد کرده و گویا در جوانی هندوستان و ترکستان و افغانستان را دیده است. نتیجه ی این سفر ناصر خسرو کتاب سفرنامه ی اوست. گذشته از سفرنامه و زادالمسافرین آثار دیگری مانند وجه دین، خوان



نظامی عروضی (وفات ۵۵۲ ه. ق)

ابوالحسن نظام‌الدین احمد پسر عمو پسر علی سمرقندی معروف به نظامی عروضی از نویسندگان و شاعران متوسط سده‌ی ششم هجری است.

کتاب معروف مجمع‌النوادر (چهار مقاله) از اوست که مشتمل بر چهار گفتار است. چهار مقاله از کتاب‌های مشهور ادبی سده‌ی ششم هجری است که به نثری بسیار پخته و استادانه نوشته شده است. اهمیت و شهرت نظامی بیش‌تر در تربیت و نگارش همین کتاب است و در شاعری چندان

سردبیر روزنامه مردمی نسیم شمال بود که بیش‌تر با نام روزنامه‌اش معروف شد. اشعار سید اشرف متجاوز از بیست هزار بیت است که مقداری از آن به نام «باغ بهشت» به‌طور مکرر در بمبئی و تهران چاپ شده است. آثار معروف دیگر او گلزار ادبی و عزیز و غزال است. اشعار سید اشرف از حیث ترکیب عبارات و سبک بیان بر بسیاری از اشعار فکاهی و سیاسی آن زمان برتری دارد و هیچ‌گاه با زخم زبان خود کسی را به ستوه نیاورد. از این جهت، روزنامه نویسی بی‌آزار بود و حرف‌هایش از شوخی‌های نرم و طعنه‌های خفیف و پوزخندهای ملایم تجاوز نمی‌کرد.

او سرانجام در ذیحجه‌ی سال ۱۳۵۲ ه. ق در تهران درگذشت:

آخ عجب سرامست امشب ای ننه

ما که می‌میریم در این هذا السنه^۱

تو نگفتی می‌کنم امشب الو؟^۲

تو نگفتی می‌خوریم امشب پلو؟

نه پلو دیدیم امشب نه چلو

سخت افتادیم اندر منگنه^۳

آخ عجب سرامست امشب ای ننه

این اتفاق ما شده چون زمهریر^۴

باد می‌آید ز هر سو چون سفیر

من ز سرما می‌زنم امشب نفیر^۵

می‌دوم از میسره^۶ بر میمنه^۷

آخ عجب سرامست امشب ای ننه

۱. هذا السنه: در این سال، امسال

۲. الو: آتش

۳. منگنه: در فشار بودن

۴. زمهریر: جای بسیار سرد

۵. نفیر: ناله و فریاد

۶. میسره: سمت چپ

۷. میمنه: سمت راست

آذریایجان به دنیا آمد.

از آغاز جوانی او اطلاعات مفیدی در دست نیست، ولی اشعار خودش مؤید آن است که مادرش از نژاد کُرد بوده است و تمام عمر را در گنجه به سر برده است و فقط یک بار به مدت کوتاهی بنا به دعوت قزل ارسلان آنجا را ترک گفته است. در عصر او سلسله‌های متعددی حکومت داشتند و شروان شاهان در آن سرزمین با حکومت سلجوقی به طور متحد بر گنجه حکومت داشتند.

او به فنون ادبی و قصص و تاریخ رغبتی تمام داشته است و به تحصیل علوم پرداخته و در نجوم نیز دست داشت:

هر چه هست از دقیقه‌های نجوم

با یکایک نهفته‌های علوم

خواندم و سر هر ورق جست

چون تو را یافتم ورق شستم

نظامی علاوه بر دیوان غزلیات و قصاید پنج کتاب جاویدان دارد که به خمسه یا پنج گنج مشهورند که روی هم نزدیک به بیست و هشت هزار بیت دارند.

اولین اثر از پنج گنج «مخزن الاسرار» است که مطالب عرفانی و زهد و تقوا را در بردارد. اسکندرنامه، لیلی و معجون، خسرو شیرین، هفت پیکر چهار کتاب دیگرش می‌باشد. این استاد بی‌همتا، در ادب فارسی یکه تاز میدان، و در شعر بزمی استادی بی‌همتا است. بعضی از قطعات نظامی (خصوصاً در مخزن الاسرار) اندکی

پایه و مرتبتی ندارد. از سال تولد و مرگ نظامی اطلاع درست در دست نیست؛ همین قدر می‌دانیم که تولد او در سده‌ی پنجم و مرگ او بعد از ۵۵۲ اتفاق افتاده است:

سلامت زیرگردون گام نهاد

خدا راحت درین ایام نهاد

زگردون آرمیده چون بود خلق

که خود ایزد درد آرام نهاد

جهان بر وفق نام خود جهان است

خرد او را گزاف این نام نهاد

خنک آن را که از میدان ارواح

قدم در عالم اجسام نهاد



نظامی گنجوی (۵۳۰-۶۱۴ ه. ق)

حکیم ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی موید به سال ۵۳۰ ه. ق در شهر گنجه از حوالی

پیچیده است و تعبیرات و اشارات مشکلی دارد که نیاز به شرح و تفسیر دارد. آرامگاه این شاعر معروف در مقبرة الشعراى تبریز است.



وحشی بافقی (۱۰۹۱... ه. ق)

وحشی از معروف‌ترین شاعران قرن دهم قمری است. وی در بافق، محلی که میان یزد و کرمان واقع شده ولی از توابع کرمان می‌باشد متولد گردید. او سفرهای متعددی به عراق و کاشان نمود، اما بیش‌تر در یزد ساکن بود. وحشی یکی از بهترین شاعران قرن دهم است که سخن را بسیار عاشقانه و پرسوز می‌سرود. وی در غزل و مثنوی و مسقط مهارت داشته و سبک خاصی در شعر ابتکار کرده که پس از وی بسیاری از شاعران از آن پیروی نموده‌اند. دیوان قصاید و غزلیات و ترجیعات و ترکیبات و مسقطات و مقطعات و

رباعیات او، شامل هزار و پانصد بیت است که از او به‌جا مانده است. به غیر از دیوان شعر او سه مثنوی نیز از او باقی است:

۱ - خلد برین (بر وزن مخزن الاسرار نظامی در پانصد بیت) ۲ - ناظر و منظور (بر وزن خسرو و شیرین نظامی شامل هفتصد بیت) ۳ - شیرین و فرهاد بر همان وزن در هشتصد بیت که مجال نیافت آن را به پایان برساند و وصال شیرازی شاعر قرن سیزدهم آن را به اتمام رساند. وی در سال ۹۹۱ در شهر یزد دیده از جهان فرو بست:

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید
قصه‌ی بی سر و سامانی من گوش کنید
گفت و گوی من و حیرانی من گوش کنید
شرح این آتش جان سوز نگفتن تا کی
سوختم، سوختم این راز نهفتن تا کی
روزگاری من و دل ساکن کوی بودیم
ساکن کوی بُت عریده جویی بودیم
عقل و دین باخته، دیوانه‌ی رویی بودیم
بسته‌ی سلسله‌ی سلسله مویی بودیم
کس در آن سلسله غیر از من و دل بند نبود
یک گرفتار از این جمله که هستند نبود

«شیرین و فرهاد» وحشی بافقی است را استادانه
به پایان رسانیده است:

این جامه‌ی سیاه فلک، در عزای کیست؟
وین جیب^۱ چاک گشته‌ی صبح، از برای کیست؟
این جوی خون که از مزه‌ی خلق جاریست
تا در مصیبت که؟ و بر ماجرای کیست؟
این آه شعله‌ور که ز دل‌ها رود به چرخ
زانده دل‌گداز و غم جان‌گزای کیست؟
خونی اگر نه دامن دل‌ها گرفته است
این سخت دل به دامن ما، خون‌بهای کیست؟



هاتف اصفهانی (..... ۱۱۹۸ ه.ق.)

سیداحمد هاتف از سادات حسینی است. اصل
خاندان او از اهل «اردوباد» آذربایجان بود که در
زمان پادشاهان صفوی به اصفهان مهاجرت



وصال شیرازی (۱۱۹۳-۱۲۶۲ ه.ق.)

میرزا محمد شفیع معروف به وصال که او را نیز
میرزا کوچک می‌خواندند اصلیتش از شیراز بود.
وی در خط و موسیقی مهارت داشت. وصال با
قآنی، رابطه‌ی دوستی صمیمانه داشت و اوقاتی
را با هم در شیراز گذرانده‌اند.

وصال در اواخر عمر نابینا شد و در سال
۱۲۶۲ ه. ق. زمان سلطنت محمد شاه قاجار به
سن ۶۹ سالگی در شیراز در گذشت. دیوان وی
شامل مدایح، مثنوی‌ها و غزل‌ها و مرثیه‌های
شورانگیز است که به سبک و روش محتشم
کاشانی سروده است. او رسالاتی هم به نظم و نثر
در حکمت کلام - موسیقی و عروض و تفسیر
احادیث تألیف کرده و نیز کتابی به نام «صبح
وصال» و مثنوی «بزم وصال» که داستان ناتمام

۱. جیب: گریبان، یقه

آن‌جا بود. مثنوی‌هایی دارد با عناوین زیر:
شاه و درویش - صفات العاشقین و لیلی و
مجنون.

وی دارای مذهب تشیع بوده است و چون
مورد حسادت هم عصران خود قرار گرفت به
تحریک آنان و به دستور خان هرات به قتل رسید.
وی، از غزل سرایانی بوده است که غزل‌های
لطیف و دل‌نشینی دارد. این ابیات از اوست:

خواهم که به زیر قدمت زار بمیرم

هر چند کنی زنده دگر بار بمیرم

داتم که چرا خون من زار نریزی

خواهی که به جان‌کندن بسیار بمیرم



همام تبریزی (۶۳۶-۷۱۴ ه. ق)

خواجه همام‌الدین بن علایی تبریزی از شاعران و
سخن‌گویان قرن هفتم هجری و از مردم تبریز و

کرده‌اند. هاتف در نیمه‌ی اول قرن دوازدهم در
شهر اصفهان متولد شد و در همان شهر به
تحصیل ریاضی و طب پرداخته و این فنون را در
محضر میرزا محمد نصیر اصفهانی آموخته و در
شعر، استادان وی صفا، صباحی، آذر و صهبا
بوده‌اند. وی در اواخر سال ۱۱۹۸ در قم وفات
یافت:

دانی که دل‌ریا دلم چون کرد و من چون کردمش؟

او از جفا، خون کرد و من، از دیده بیرون کردمش

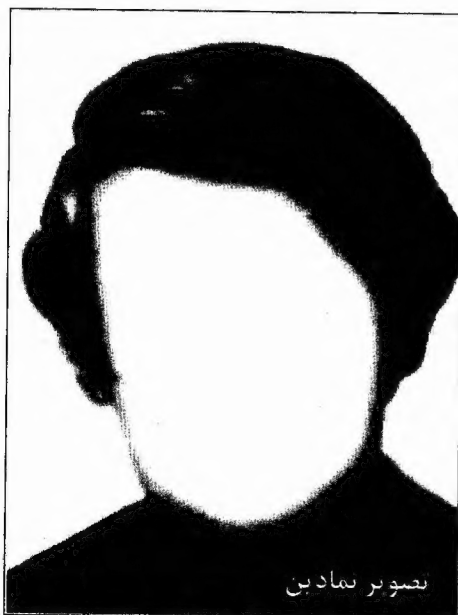
گفتا چه شد آن دل که من از بس جفا خون کردمش؟

گفتم که با خون جگر، از دیده بیرون کردمش



هلالی جغتایی (وفات ۹۳۹ ه. ق)

در قریه‌ی جغتای خراسان بزرگ متولد شد.
بعضی اصل وی را از استرآباد می‌دانند، اما در
اوایل زندگی به هرات رفت و تا آخر عمر در



نصیر الدین

همای شیرازی (۱۲۹۰-۱۲۱۲ ه. ق)

میرزا محمدعلی مشهور به «رضا قلی خان شیرازی» متخلص به «هما» از جمله شاعران قرن سیزدهم هجری است که در اشعار خود به مضامین عرفانی توجه داشت. وی در شیراز متولد شد و نزد استادان فن و هنر و ادبیات به تحصیل پرداخت. چون وصال شیرازی با رضاقلی خان هدایت و فروغی بسطامی مصاحبت نمود و به سلسله‌ی تصوف پیوست، او در اصفهان مقیم شد و در پایان عمر به خلوت ریاضت و تهجد گرایید:

زاهد که از حلال شناسد حرام را

او از چه خورد، خون دل خاص و عام را

شریت به دست غیر و به دست حبیب زهر

انصاف ده که من پستانم کدام را

معاصر شیخ اجل سعدی شیرازی است. او کسب کمال از جناب خواجه نصیرالدین طوسی کرده و با شیخ سعدی صحبت‌ها داشته و سبک سعدی را به خوبی پیروی کرده و خود نیز لطافت سخن خویش را دریافته است. غیر از دیوان غزل که نزدیک به هزار بیت است، منظومه‌ای تحت عنوان «صحبت نامه» به نام خواجه شرف الدین هارون پسر شمس الدین محمد صاحب دیوان از او باقی است.

مرگ همام در مجمل التواریخ به سال ۷۱۴ آورده شده است:

بیا، بیا که ز هجر آمدم به جان ای دوست

بیا که سیر شدم بی تو از جهان ای دوست

به کام دشمنم از آرزوی دیدارت

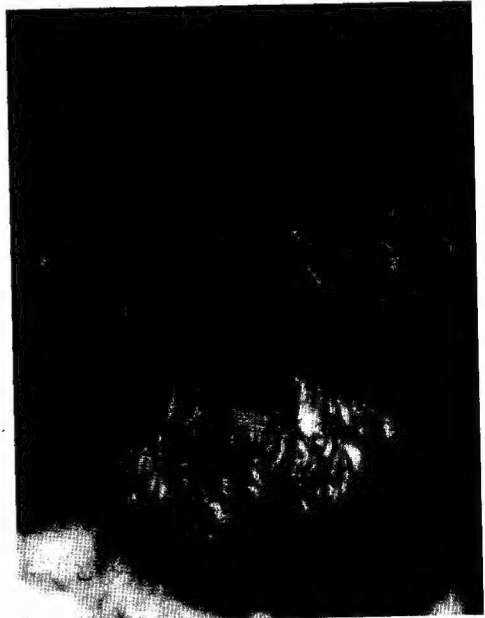
مباش بی خبر از حال دوستان ای دوست

می‌نماید و اشعارش را برای مردم می‌خواند. این اشعار، در قالب یک مجموعه شعر جمع‌آوری شده است که می‌گویند سرنوشت خودش می‌باشد.

آثار برجسته‌ی او مجموعه شعری به نام «ایلیاد» است که منسوب به وی می‌باشد و در مورد محاصره‌ی شهر «تروی» سروده است. اثر دیگری که به وی نسبت داده شده، «اودیسه» است که در مورد بازگشت سردار «اودیوس» از جنگ‌های یونان سروده که از او باقی مانده است. مشهور است که این مجموعه را در دوران نابینایی سروده است. مجموعه‌ی این دو کتاب بالغ بر ۲۷۸۰۰ بیت شعر می‌باشد.

وی در اواخر عمر دچار تنگ‌دستی و فقر شدیدی شد و می‌گویند حتی برای امرار معاش به تکدی روی آورد؛ اما هرگز از خلق اشعار بی‌نظیر خود دست نکشید تا این‌که ملک قبص روح، جانش را ستاند و به جان آفرین تسلیم نمود.

خام است شیخ صومعه، ساقی بیار جام
لیکن ز آتشی که گند پخته خام را
جز زلف و روی دوست که جمعند صبح و شام
دیگر کسی ندیده به هم، صبح و شام را



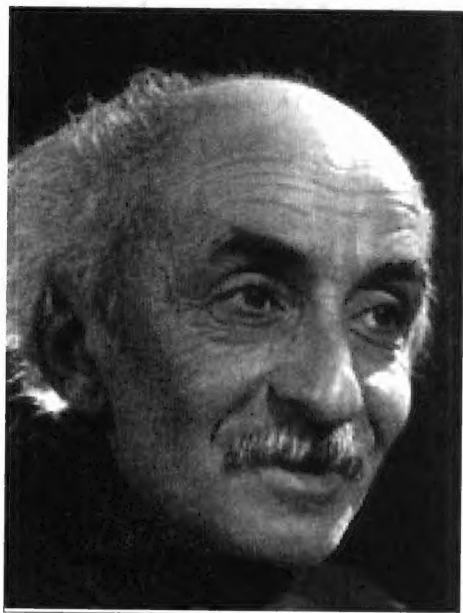
هومر (۸۵۰ ق.م - نامعلوم)

«هومر» داستان سرای حماسی و نخستین شاعر بزرگ تاریخ بشریت می‌باشد. از زمان تولد و مرگش هیچ اطلاعی در دست نیست و به علت قدمت تاریخی، حالتی افسانه‌ای پیدا نموده است. فقط هرودوت تاریخ نویس یونانی می‌گوید: هومر، هشتصد و پنجاه سال پیش از میلاد مسیح می‌زیسته است و زادگاهش منسوب به یکی از هفت شهری است که در یونان وجود داشته است. «هومر»، یک یونانی نابینا است که به‌طور سنتی از دهکده‌ای به دهکده‌ی دیگر مهاجرت

«یغما» تخلص می‌کند.

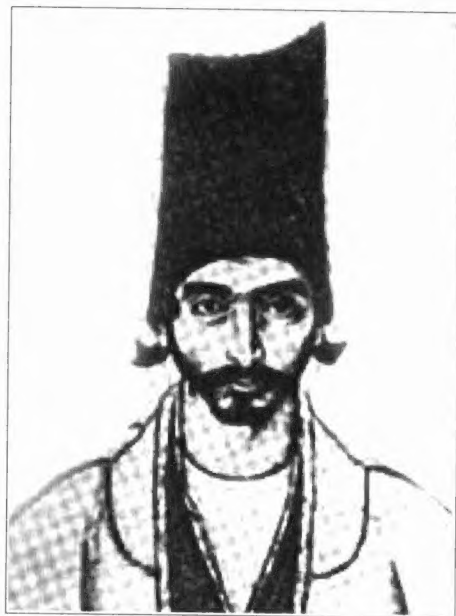
از او غزلیات، قصاید، مثنوی‌ها و هجویات و هم‌چنین منشآت فراوانی باقی است. یغما در سن هشتاد سالگی به سال ۱۲۷۶ در خور وفات یافت و در بقعه‌ی امام‌زاده داود به خاک سپرده شد. بر سنگ مزارش این رباعی او را کنده‌اند:

یغما، من و بخت و شادی و غم با هم
کردیم سفر، به مُلک هستی زِ عدم
چون نو سفران میان ره، بخت بِخُفت
شادی ره خود گرفت و من ماندم و غم



یوشیج، نیما (۱۲۷۴-۱۳۳۸ ه. ش)

علی اسفندیاری (نیما) در پاییز سال ۱۳۱۵ ه. ق برابر ۱۲۷۴ ه. ش در یوش مازندران دیده به جهان گشود. پدرش ابراهیم اعظام‌السلطنه، مردی شجاع و آتشی مزاج بود و با کشاورزی و گلهداری



یغمای جندقی (۱۱۹۶-۱۲۷۶ ه. ق)

رحیم که بعدها میرزا ابوالحسن نام گرفت، در سال ۱۱۹۶ ه. ق در «خور» مرکز اصلی ولایت جندق و بیابانک در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. امیر اسماعیل خان عامری، حکمران ولایت، روزی او را در کودکی در حال گوسفند چرانی دید. چون اسمش را پرسید، یغما پاسخ داد:

ما مردمک «خوریم» از علم و ادب دوریم
امیر اسماعیل خان را این جواب خوش آمد و تربیت او را به عهده گرفت.

رحیم به سرعت از معلمین فراوانی که برایش فراهم شده بود، علوم زمان را فرا می‌گیرد و به سمت منشی‌گری «خان عامری» می‌رسد و به شعر گویی هم می‌پردازد. ابوالحسن ابتدا در اشعارش «مجنون» و سپس

روزگار می‌گذرانید. نیما دوازده ساله بود که با خانواده‌اش به تهران آمد و پس از گذراندن دوره‌ی دبستان برای فراگرفتن زبان فرانسه به مدرسه‌ی سن لویی رفت. نخستین شعری که از نیما به چاپ رسید، قصه‌ی رنگ پریده است که در سال ۱۳۳۹ ه. ق برابر با اسفند ماه ۱۲۹۹ ه. ش در قالب مثنوی انتشار داد. نیما در سال ۱۳۰۱ ه. ش. قطعه‌ی «ای شب» را در روزنامه‌ی هفتگی نوبهار «افسانه» و در سال ۱۳۱۶ «ققنوس» را انتشار داد.

نیما را می‌توان پایه‌گذار شعر نو دانست. از ویژگی‌های شعر او دید تازه به جهان و انس به طبیعت است. نیما در ۱۸ دی ماه ۱۳۳۸ ه. ش به علت ذات‌الریه در تهران درگذشت. آثار او به شرح ذیل است:

مانلی و خانه سریویلی، افسانه و رباعیات، برگزیده‌ی اشعار، ماخ‌اولا، شعر من، شهر شب

شهر صبح، قلم انداز، فریادهای دیگر و عنکبوت رنگ، آب در خوابگاه مورچگان، حکایت و خانواده‌ی سرباز اینک، نمونه‌ای از شعر او: ای آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید! یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان یک نفر دارد که دست و پای دایم می‌زند روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید آن زمان که مست هستید از خیال دست یابیدن به دشمن،

آن زمان که پیش خود بیهوده پندارید

که گرفتید دست ناتوانی را

تا توانی بهتر را پدید آرید

آن زمان که تنگ می‌بندید

بر کمرهاتان کمر بند

در چه هنگام بگویم من؟

یک نفر در آب دارد می‌کند بیهوده جان قربان...